



تسبیح آئینش علی الثقی من أول یوم احنی أن تقوم فیه



۱۸۳

ماهنامه مسجد / ماهنامه فرهنگی، آموزشی و ترویجی

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد / شماره ۱۸۳ / فروردین ماه ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد • مدیر مسئول: سعید کریمی • سردبیر: حسن علی آبادی

دبیران تحریریه: • منبر: یاسر شریعتی • رواق: سعید علی آقائی • محراب: علی بانسی • شبستان: مهدی اخلاقی
• کارشناسان تحریریه: حجت الاسلام جواد محمدزمانی، دکتر محسن گلپایگانی و دانیال نعیمی، حجت السلام حسین نظری، علیرضا بشیری • گزارشگران: علی اصغر غلامی، سعید فیاضی، مرتضی کاشانی • طراحی و گرافیک: مصطفی سلیمانی / سیدمهدی حسینی • عکاس: مصطفی معراجی، داوود وجدی • ویراستار: جعفر مروجی
شمارگان: ۳۰۰۰

■ گر کند یوسف زهر انظری نوروز است

سرمقاله

منبر



■ نوروز فاطمی زمینه ساز نصرت الهی است / ۴ ■ ایرانیان در نوروز به خوبی
نگهدار حرمت فاطمیه اند / ۵ ■ سالی که نوروز و فاطمیه توأم است / ۶ ■ نمونه
فیش گنجی به نام قناعت / ۸ ■ نمونه فیش معیارهای انتخاب همسر در سیره
معصومان / ۱۰ ■ نمونه فیش روضه / ۱۲ ■ اقوال شهادت ریحانة النبی / ۱۴
■ پیام فاطمی واحسان و نیکو کاری / ۱۶ ■ انعکاس نوروز در آئینه روایات / ۱۷
■ تحویل سال با نام محول الاحوال / ۱۹ ■ امام خوبی ها / ۲۰
■ طلایه دار وحدت و همدلی / ۲۱

رواق



■ بارقه ای امید برای ارزشمندی / ۲۴
■ بی اراده در آیین / ۲۷ ■ مجاور اهریمن / ۲۹
■ همچنان مهجور / ۳۱ ■ پیروان کم ارزش / ۳۱
■ از حقوقی فرودست تا برابری حقوق / ۳۳
■ نقش زن در جنبشهای معنوی / ۳۴

محراب



■ پرچم داران بهشت / ۳۸ ■ خادمان بهشت های زمین / ۴۱
■ فرآیند یک فراخوان / ۴۲
■ نیاز حقیقی و نیاز غیر حقیقی / ۴۴
■ مسجد ایده پرداز / ۴۶ ■ ایده های اجرایی / ۴۸
■ بر بام فام / ۵۰ ■ بر بلندای فام / ۵۲

شبستان



■ اقتصاد بیمار موروث طاغوت و بی تدبیری / ۵۴
■ هر سال گامی به سوی پیشرفت / ۵۷ ■ درد دلی غیر تخصصی / ۵۹
■ نامی که نکوست / ۶۰ ■ رویارویی علمای شیعه با تمدن غرب / ۶۲
■ جمهوری اسلامی / ۶۳ ■ ماهیت اسلام هراسی / ۶۴
■ میم مثل مادر / ۶۵ ■ روایت جنگی که جنگ نبود / ۶۶
■ عطار جسم و جان / ۶۸ ■ نقد سریال پرده نشین / ۷۰
■ اخبار مسجدی / ۷۲

♦ در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است

♦ آثار مندرج در نشریه بیانگر نظرات نویسندگان است نقل و اقتباس از مطالب نشریه فقط با ذکر منبع مجاز است.

♦ مطالب خود را ترجیحا تایپ شده به رایانامه نشریه ارسال کنید.

♦ مطالب ارسال شده به تحریریه، بازگردانده نمی شود.

♦ باتشکر از تمام عزیزانی که ما را در تهیه یاری رساندند.

آدرس: قم، بلوار شهید صدوقی، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل (ع) پلاک ۱۰۳

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

• تلفن: ۰۲۵۳۲۹۲۳۸۳۵-۶ • نامبر: ۰۲۵۳۲۹۲۳۸۳۷ • سامانه پیام کوتاه: ۰۱۵۴۲۰۱۵۴۲۰۳۰۰۰

• نشانی اینترنتی: <http://www.masjed.ir> • پست الکترونیک: n.masjed@chmail.ir

گرگند یوسف زهر انظری نوروز است

اختلاف روزهای قمری با شمسی این لطف را دارد که در طول عمر یک شیعه ایرانی و در تمام فصول، این مناسبت‌ها خاطره شود؛ چنان که همگان لطف شادی و غم آئینی را طی سالیان و در فصول مختلف تجربه کرده‌اند؛ تجربه‌ای دیرین و شیرین. همان طور که شادی دهه و لایت - قربان تا غدیر - را در ایام نوروز تجربه کرده‌ایم، غم عظمای محرم حسینی را نیز در این ایام داشته‌ایم.

آنچه میراث آباء و اجدادی مؤمن و محب اهل بیت علیهم‌السلام برای نسل امروز بوده و هست، سرمایه ماندگار ایمان و ادب نسبت به خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام بوده و هست. کمتر ایرانی وجود دارد که از چنین نعمتی برخوردار نباشد و این نیست مگر به این دلیل که شیعه ایرانی ایمان و عقیده مذهب را بهترین میراث می‌داند.

این میراث گرانبها همیشه و در طول تاریخ بر تمامی مناسبت‌های دیگر ترجیح داشته و دارد و به عنوان یکی از مظاهر فرهنگ ایرانی - شیعی شناخته می‌شود.

با وجود تلاش‌های محدود و بی‌مایه که در برخی موارد انجام شده، هیچگاه مناسبت‌های ملی بر مناسبت‌های دینی ترجیح نیافتند و عموم مردم به شدت در تعظیم و تکریم مظاهر غم و شادی مذهب حقه، جان فشانی کرده و می‌کنند. همه ما موظفیم با تمامی توان خود، میراث گرانبهای ایمانی خویش را که دستاورد هزاران متفکر و عالم و اندیشمند شیعه بوده، به بهترین شکل به نسل آینده عرضه کنیم.

به نظر می‌رسد آنچه در این بین نقشی ترویجی و تبلیغی در اشاعه هر چه بیشتر این میراث ارزشمند دارد، پایگاه الهی مسجد است. به تعبیر سیاسیون آنچه ممکن است به صورت تعارض بین دو مناسبت ملی و آئینی جلوه کند که یکی به ظاهر تهدیدکننده دیگری باشد، همان می‌تواند فرصتی اساسی در حفظ و اعتلای فرهنگ فاطمی - علوی باشد.

از جمله مظاهر این فرهنگ و معارف که مسجد می‌تواند در آن نقش ایفا کند اصلاح ذات بین است و این ایام بهترین فرصت برای از بین بردن کدورت‌ها و قهرهاست. مؤمنان نیز با استفاده از ظرفیت پربرکت صلح، مدافع حق اهل بیت علیهم‌السلام و مروج فرهنگ علوی باشند. بدیهی است که تأثیر این فرهنگ ناب بیش از آنکه از طریق ترویج لسانی باشد، وابسته به مدیریت اخلاقی و رفتاری جامعه متدین و مؤمن است.

نکته دیگر آنکه - برخلاف حاضر - خواب و استراحت مسافر در مسجد مکره نیست. شهرهای مختلف در ایام نوروز میزبان میلیون‌ها مسافر است. باز بودن مستمر مسجد برای آنان، هم فرصت برپایی پر شورتر نماز را فراهم می‌آورد و هم با ارائه محصولات مناسب با ایام فاطمیه، می‌تواند قدمی دیگر در این راه برداشت.

نکته پایانی آنکه هر سال رهبر فرزانه انقلاب (مدظله العالی) شعاری را به عنوان شعار سال مطرح می‌نماید که باز هم مساجد با استفاده از فرصت نوروز فاطمی می‌توانند یکی از ظرفیت‌های جدی تبیین و نهادینه‌سازی این شعار باشند.



۴	۵	۶	۱۰ گنجی به نام فتاعت
۱۰	۱۳ فیش روضه حضرت صدیقه کبری <small>علیها‌السلام</small>	۱۴ فیش روضه وفات حضرت ام‌البینین	۱۴
۱۶	۱۷	۱۹	۲۰
			۲۱





حجت الاسلام قوامی:

ایرانیان به خوبی حرمت فاطمیه در نوروز را نگه می‌دارند



مردم ایران که افرادی انقلابی، هنرمند و مسلمان هستند در این جور مواقع به خوبی می‌توانند تشخیص بدهند که چگونه در این ایام باید رفتار کنند و به خصوص ایامی که متعلق به حضرت فاطمه زهرا (س) که مادر تمام امت مسلمانند، است؛



۲. مبلغان و روحانیان که مهم‌ترین وظیفه آنها تبلیغ معارف اسلامی و شیعی است، چگونه باید در این ایام رفتار کرده و چه کار ویژه‌هایی را در اولویت امور خود قرار دهند تا هم شهادت جانگداز سرور زنان عالم، حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا (س) محترم شمرده شود و هم رسم‌های عید نوروز پاس داشته شود؟

یکی از رسم‌های مبارکی که پس از انقلاب اسلامی مرسوم شد، حضور خانواده‌های ایرانی در اماکن مقدس و مذهبی مانند حرم حضرت امام رضا (ع) حرم حضرت فاطمه معصومه، جمکران، امامزاده‌ها، مزار شهدای انقلاب و دفاع مقدس و شهدای گمنام و دیگر اماکن مقدس، هم‌زمان با تحویل سال نو شمسی است.

در چندین سال اخیر شلوغ‌ترین مکان در لحظه تحویل سال، حرم علی ابن موسی الرضا (ع) و حضرت معصومه (س) بوده که این امر نشان‌دهنده

مردم است، اشاره کرد.

در عین حال، ایام فاطمیه دوم با عید نوروز سال ۱۳۹۴ مصادف شده و آخرین سالی است که فاطمیه در ایام عید نوروز قرار خواهد داشت. البته به دلیل متغیر و سیار بودن ماه‌های قمری هر چند سال یک‌بار، یکی از مناسبت‌های ویژه اسلامی از جمله محرم و صفر و فاطمیه با ایام نوروز تلاقی پیدا می‌کنند. از آنجایی که مردم ایران اسلامی، هم عرق ملی و ایرانی دارند و هم مسلمانانی بسیار فهیم و با فرهنگ هستند، در این مواقع عملکرد خود را اولویت‌بندی می‌نمایند.

مردم ایران که افرادی انقلابی، هنرمند و مسلمان هستند، در چنین موقعیت‌هایی به خوبی می‌توانند تشخیص دهند که در این ایام باید چگونه رفتار کنند؛ به خصوص در ایامی که به حضرت فاطمه زهرا (س) تعلق دارد که مادر تمام مسلمانند. حتی اشخاصی که دیدگاه‌های سیاسی آنها با نظام جمهوری اسلامی همخوانی ندارد، ایام متعلق به حضرت صدیقه کبری (س) را گرامی داشته و در سوگ شهادت دخت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌نشینند.

با توجه به اهمیت هر دو مناسبت عید نوروز و شهادت حضرت صدیقه کبری (س)، حداقل کاری که مردم می‌توانند انجام دهند، این است که شب و روز شهادت، یعنی دوم و سوم جمادی الثانی را که مصادف با سوم و چهارم فروردین ماه است، پاس بدارند.

نکته مهم در این مورد این است که بیشتر رسم‌های عید نوروز، از جمله دید و بازدید که از مهم‌ترین رسم‌های نوروز است، هیچ منافاتی با پاسداری از ایام شهادت فاطمه زهرا (س) ندارد؛ به خصوص اینکه این ایام به نوعی روز مادر و متعلق به مادران است. لذا توصیه می‌شود مردم در این دوروز به دیدار مادرانشان بروند و حتی شاد کردن مادر نیز در راستای پاسداشت ایام فاطمیه است.

همچنین از دیگر پیشنهادها برای پاسداری از ایام فاطمیه و نوروز، برگزاری مراسم‌های سوگوارانه مختصر خانوادگی و کوچک با حضور اقوام و وابستگان است. شایسته است، هم به مناسبت شهادت حضرت زهرا (س) مرثیه و منبری مختصر خوانده شود و هم مانند سال‌های دیگر، خویشاوندان گرد یکدیگر جمع شده و از همدیگر پذیرایی کنند.

به کوشش: مرتضی کاشانی

عید مبارک نوروز از اعیاد باستانی ایرانی و دیگر کشورهای فارسی‌زبان است که هر ساله با فرارسیدن فصل بهار، در اولین روز فروردین، مردم آغاز آن را جشن گرفته و مراسم‌های به خصوص این ایام را اجرا می‌کنند. به یقین می‌توان گفت مهم‌ترین عید ایرانی است. اما امسال ایام فاطمیه دوم با جشن سال نو و نوروز مقارن شده است. با توجه به اینکه حفظ حرمت ایام سوگوارانه شهادت حضرت زهرا (س) توأم با پاسداری از رسم و فرهنگ غنی ایرانی که هر ساله نوروز خود را با مراسم‌های چون خواندن دعا، دید و بازدید، خانه‌تکانی و جشن و پایکوبی بر پا می‌کنند، حقیقتاً امری مشکل است.

از این رو با حجت‌الاسلام و المسلمین صمصام‌الدین قوامی، امام جمعه موقت قم (شهرک پردیسان) همراه شدیم تا در این زمینه از رهنمودهای ایشان بهره لازم و کافی را ببریم.

حجت‌الاسلام والمسلمین قوامی، مجتهد نظریه پرداز در مدیریت اسلامی و همچنین رئیس بنیاد فقهی مدیریت اسلامی است که تاکنون تألیفات و آثار علمی - پژوهشی بسیاری در این زمینه و موضوعات دیگر به عرصه نشر رسانده است. کتاب مدیریت از منظر کتاب و سنت یکی از مهم‌ترین تألیفات ایشان است که عنوان پژوهش دینی برتر سال ۱۳۸۲ کشور را از آن خود کرده و زیر نظر دبیر خانه مجلس خبرگان رهبری به چاپ رسیده است.

آنچه در ادامه می‌خوانید، مصاحبه ما با ایشان است.

۱. با تشکر از وقتی که به ما دادید. لطفاً بفرمایید با توجه به اینکه ایام عید نوروز سال ۱۳۹۴، با ایام سوگوارانه حضرت فاطمه زهرا (س) مصادف شده است، الزامات رفتاری مردم به خصوص تقابل آنها با قشر غیر مذهبی، باید چگونه باشد؟

عید نوروز از اعیاد اصلی و مهم ایران و ایرانیان است و به اندازه‌ای اهمیت دارد که در چند سال اخیر کشورهای فارسی‌زبان آسیای میانه و قفقاز، مانند افغانستان و تاجیکستان، در صدد ثبت بین‌المللی این عید باستانی به اسم خود بودند.

رسم‌های بسیار زیاد و مختلف باستانی از عید نوروز در فرهنگ غنی ایرانی به جای مانده که می‌توان به دید و بازدید، برگزاری مراسم ازدواج و برنامه‌های ویژه دیگری که لازمه جشن و سرور

نوروز فاطمی زمینه ساز نصرت الهی است

توصیه‌های نوروزی حجت‌الاسلام قرائتی

بیاییم در این روزها تصمیم بگیریم برای مهم‌ترین رکن دین، یعنی «نماز» گامی عظیم برداریم و نزدیک‌ترین افراد، یعنی «بستگان و آشنایان» خود را به آن دعوت کنیم و همه، پرچمدار نماز شویم. اگر مادر مهمانی‌ها از صاحب‌خانه تشکر می‌کنیم، باید از صاحب اصلی نعمت‌ها نیز غافل نباشیم.

بیاییم در نوروز تصمیم جدی بگیریم تا امسال به هر روشی که شده، قرآن را از مهجوری خارج کنیم.

نماز و یاد خدا تنها وسیله آرام‌بخش است. با لطف الهی ستاد تسهیلات سفر برای اقامه نماز تدبیراتی اندیشیده که باید از آنان تشکر کنیم.

عید نوروز، هوای مطلوب، تعطیلات، مهمانی، صلح و رحمت، لباس نو، سفر و سیاحت؛ فرصت‌های مهمی برای اقدامات مهمی است که به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

۱. من و شما عزیزان در طول سال به کارهای رسمی مختلفی مشغولیم. می‌توانیم در فرصت نوروز کارهای غیررسمی، ولی گاهی عمیق‌تر از رسمی در دید و بازدید انجام دهیم؛ از جمله:

۱. از افراد محبوب و متمکن فامیل بخواهیم دوازده چشم دیگران جلسه‌ای خصوصی برگزار و بعضی از مشکلات اقوام را شناسایی و حل کنند.

۲. نوجوانانی را که در درس ضعیف هستند خصوصی دعوت کنیم و با کمک تحصیل‌کردگان فامیل مشکلات درسی آنان را برطرف سازیم.

۳. اگر در میان اقوام کدورتی وجود دارد از



حجت‌الاسلام محسن قرائتی، دبیر ستاد اقامه نماز کشور، در نامه‌ای خطاب به هموطنان، نکات حائز اهمیت را در باب نوروز بیان کرد. در این نامه اشاره شده است که با حضرت زهرا (س) عهد بندیم که نماز برایمان در اولویت باشد، قرآن را از مهجوری خارج سازیم، مشکلات گرفتاران در فامیل و خانواده را برطرف کنیم و کدورت را بزداییم.

متن کامل این نامه بدن شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم
خواهران و برادران عزیز
سلام خداوند بر حضرت زهرا (سلام الله علیها) که این ایام متعلق به اوست و سلام خداوند بر همه بندگان صالح و شما در ایام نوروز که بهار طبیعت و صلح و رحمت و سفرهاست، و شهر و روستا و محله و خانه

آبادگی خاصی برای پذیرایی پیدا می‌کنند، سعی کنیم در کنار انواع بهره‌گیری‌ها، از صاحب نعمت نیز غافل نشویم. بیاییم امسال با حضرت زهرا (س) عهد بندیم که نماز برای ما مطرح و اولویت اولمان باشد. نماز تشکر از خدا و توکل بر او و پناه بردن به خدا و استمداد از اوست.



اگر در میان اقوام کدورتی وجود دارد و افرادی با یکدیگر قهر هستند، از طریق افراد محبوب یا مهمانی ویژه یا هر راهی که می‌شود، تلاش کنیم آنان را آشتی دهیم.



این است که مردم فهیم ایران به خوبی متوجه اهمیت مسائل معنوی هستند. در آغاز سال جدید شمسی و عید نوروز، دعای «بِأَمْرِ مَقْلَبِ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مَحْوِلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوْلَ خَالِنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالَ» را می‌خوانند و به معنا و مفهوم آن کاملاً توجه دارند. از چند هفته قبل عید نوروز، بلبلیهای سفر به مشهد مقدس و قم تمام می‌شود و مردم سال نو خود را در اماکن مذهبی به همراه خواندن ادعیه آغاز می‌کنند.

از طرف دیگر همواره عید نوروز برای ایرانیان عیدی مقدس و مبارک بوده است. امسال که لحظه سال تحویل در بامداد شنبه اول فروردین ماه، یعنی ساعت ۲ و ۱۵ دقیقه است، مبلغان و روحانیان می‌توانند با تشویق اقوام و آشنایان خود به حضور در اماکن مذهبی و مقدس در زمان سال تحویل و خواندن دسته‌جمعی ادعیه سفارش شده در نوروز، قدمی مناسب در این راه بردارند.

باتوجه به اینکه مردم برای متبرک شدن سال جدید به دعا کردن در زمان تحویل سال می‌پردازند، به مناسبت تقارن این ایام با فاطمیه، این بعد مذهبی و دینی سال تحویل به خودی خود پُررنگ می‌شود و در همین راستا مبلغان نیز باید در متوجه کردن اطرافیان خود به این تقارن تلاش کنند.

اهمیت و تقدس عید نوروز به اندازه‌ای است که از امام صادق (ع) در مورد عید نوروز روایتی بلند نقل شده است که ایشان می‌فرماید: «نوروز روزی است که در آن پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای حضرت علی (ع) در غدیر خم پیمان گرفت و آنان که آنجا بودند، به ولایت آن حضرت اقرار کردند و خوشابه حال کسی که آن عید را نگه داشته و بدابه حال کسی که آن را زیر پا نهد. نوروز روزی است که در آن پیامبر (ص) حضرت علی (ع) را با وادی جنبان مواجه کرد و از آنان میثاق گرفت. نوروز روزی است که در آن علی (ع) در جنگ نهروان پیروز گشت. نوروز روزی است که در آن قائم ما اهل بیت ظاهر می‌شود و خداوند او را بر دجال پیروز می‌سازد. نوروزی نیست که ما در آن منتظر فرج نباشیم؛ چرا که آن روز از برای ما است. ایرانیان آن را نگاه داشتند؛ اما شما آن را از بین بردید و نوروز اولین روز سال برای ایرانیان است.»

معنی می‌گوید: حضرت این مطالب را بر من املاء کردند و من نوشتم. معنی در جای دیگری می‌گوید: در صبحگاه نوروز خدمت امام صادق (ع) رسیدم. امام فرمودند: معنی! آیا می‌دانی امروز چه روزی است؟ عرض کردم: نخیر، ولی همین قدر می‌دانم روزی است که ایرانیان آن را بزرگ می‌دانند و گرمی‌اش داشته و در آن روز به هم تبریک می‌گویند. امام فرمودند: قسم به خانه خدا که این روز برای امر بزرگی است که آن را برایت شرح می‌دهم تا بدانی. عرض کردم: یادگیری این مطب برایم دوست‌داشتنی‌تر از این است که عمری جاودان پیام، خداوند دشمنان شما را نابود سازد. امام فرمودند: معنی! نوروز روزی است که خداوند در آن از انسان‌ها پیمان گرفت

که او را بپرسند و برایش شریک قائل نشوند و به دین فرستادگانش گردند. نوروز روزی است که خورشید برای اولین بار طلوع کرد و بادهای بارور ساز وزید و گل‌های زمین آفریده شد. نوروز روزی است که کشتی حضرت نوح (که سلام خدا بر پیامبر ما و خاندانش و بر او باد) بعد از طوفان بر فراز کوه جودی ساحل گرفت. نوروز روزی است که فرشته وحی، جبرائیل (ع) بر پیامبر اسلام نازل شد. نوروز روزی است که حضرت ابراهیم بت‌های قوم خود را شکست و نوروز روزی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، حضرت علی (ع) را بر دوش خود بلند کرد تا بت‌های قریش را در انداخته و در هم شکند.

عید نوروز اهمیت این چنینی دارد و وقایع مهم تاریخی در آن رخ داده که اهمیت و تقدس آن را چند برابر کرده است؛ لذا مبلغان و روحانیان نیز باید برای دیگران و نشان دادن اهمیت این عید و تقارن آن با ایام فاطمیه، ایجاد انگیزش کنند. ابزار انگیزش نیز در این ایام بسیار است که از جمله آنها می‌توان به باب الحوائج بودن حضرت زهرا (ع) اشاره کرد و برای اینکه مردم بتوانند سال خود را بیمه کنند، می‌توانند متوسل به بی‌بی‌دو عالم شوند.

نکته مهم دیگر ادبیات طلاب و مبلغان است که در این ایام باید بیشتر تقویت شود؛ زیرا نباید به دلیل این تقارن مناسبتی، رفتاری افراطی داشته باشند و فرصت شادی مردم را به بهانه ایام فاطمیه بگیرند. ایام فاطمیه اول و دوم هر کدام دوروز است و نباید آن را به دو دهه گسترش داد؛ چرا که اقدامی افراطی و عملی آسیب‌زاست. حضرت آیت‌الله شیری سال گذشته به گسترش دادن ایام سوگواری شیعیان یعنی محرم، صفر و فاطمیه اعتراض کردند و متذکر آسیب‌های آتی کارهای افراطی در زمینه دین شدند و درباره فرصت‌سوزی هشدار دادند.

لذا باید مردم را فقط در روز شهادت حضرت زهرا (ع) یعنی چهارم فروردین ماه به عزاداری تشویق کنند و اصراری به عزاداری در روزهای بعدی نکنند؛ زیرا مردم فهیم و عاقل هستند و مراعات می‌کنند و حرمت این ایام را قطعاً نگه می‌دارند.

از طرف دیگر مردم به طور کلی در ایام نوروز شادی‌های معمول و متعارف را انجام می‌دهند و از شادی‌هایی که به طور ذاتی حرام است، دوری می‌جویند. شادی که حرام باشد، همیشه حرمت است و وجود مناسبت‌های سوگواری یا عدم آن، موجب حرام یا حلال شدن آن نمی‌شود؛ بنابراین طلاب و مبلغان باید مردم و اقوام را در برگزاری شادی‌های نوروز در غیر از روز چهارم تشویق کنند.

مردم نیز می‌توانند در تدارک دیدن هدایای نوروزی ابتکار عمل داشته و هدایایی انتخاب کنند که هم با ایام نوروز مناسبت داشته باشد و هم نشانه‌ای از حضرت زهرا (ع) در آن باشد.



سالی که فاطمیه و نوروز توأم است

مهارت تبلیغ چهره به چهره در نوروز فاطمی

صمد نظری

مبلغ و امام جماعت مسجد، باید تمام زمان‌ها و مکان‌ها را فرصتی برای تبلیغ بداند. عید نوروز یکی از زمان‌های بسیار مناسب برای ارتباط‌گیری و تبلیغ چهره به چهره است. از جهت مکانی نیز منازل بستگان و آشنایان در مواقع انجام صله رحم، بهترین مکان‌ها برای امر تبلیغ محسوب می‌شود.

با توجه به تقارن ایام فاطمیه (ع) با عید نوروز امسال، بسیار مناسب است که در تبلیغ چهره به چهره در آغاز سال نو، از سیره حضرت فاطمه زهرا (ع) بهره گرفته شود. در این نوشته، نکاتی در خصوص تبلیغ چهره به چهره در ایام تعطیلات نوروزی با استفاده از روایات آن حضرت بیان می‌شود.

نکته اول

مبلغ و امام جماعت مسجد باید موقعیت‌شناس باشد؛ یعنی بداند چه زمانی مناسب است با افراد ارتباط بگیرد. برای شروع صحبت و ایجاد ارتباط، باید زمان را در نظر گرفت. هنگامی که مخاطب خسته است، سریال مورد علاقه‌اش را تماشا می‌کند، سرگرم بازی با تلفن همراه است یا مشغول کاری یا تفریح دلخواهش است، زمان‌های مناسبی برای تبلیغ نیستند. باید صبر کرد تا موقعیتی پیش بیاید؛ مثلاً هنگامی که از مبلغ سؤالی پرسیده یا شکایتی طرح می‌شود یا زمانی که تقاضای ورود به بحث صورت گیرد، مواقع مناسبی برای تبلیغ است.

نکته دوم

مبلغ برای ابتدای بحث مطلب جذاب و مناسبی را مطرح کند تا قانع‌بایی برای ایجاد ارتباط و سخن گفتن باشد. یکی از راه‌هایی که می‌تواند کمک کار برای این منظور باشد، استفاده از سؤال در زمان مناسب است؛ مثلاً با دیدن یک فیلم یا سریال که مردی خیلی از خانمش حساب می‌برد و به او خیلی احترام می‌گذارد، پرسیده شود که آیا اسلام با زن ذلیلی موافق است؟ آیا احترام به زنان همان زن ذلیلی است؟ و ...

در جواب باید به حدیثی از حضرت زهرا (ع) اشاره کرد که فرمود: «خيارکم اَلَيْتُكُمْ مناكبه، واکرمهم لنسائهم؛ بهترین شما کسانی هستند که متواضع‌تر و خوش‌برخورتر از همه باشند و بیشتر از همه به زنان خود احترام کنند.»

این احترام گذاشتن به معنای تابع زن شدن نیست؛ بلکه اگر مرد به زن خود احترام و تعظیم نماید، زن احساس می‌کند که شوهرش قدر او و زحماتش در خانه را می‌داند. این امر باعث می‌شود زن محبت و احترام کافی و مورد نیازش را از شوهرش دریافت دارد و دنبال محبت و احترام در خارج از منزل نگردد؛ بنابراین باین کار جلوی خیلی از مفساد اجتماعی گرفته می‌شود؛

چرا که زنان دیگر در جامعه خودنمایی نمی‌کنند. در این زمینه از امام صادق (ع) روایت شده که به مردان سفارش می‌کنند در شبانه‌روز چند بار به همسرانشان بگویند: «أَتَى أَحَبَّكَ؛ من دوستت دارم.» یا اینکه مردان پای صحبت‌های زنانشان بنشینند و حرف‌های آنان را خوب گوش دهند.

از جهت روانشناسی زنان دوست دارند با کسی یا کسانی حرف بزنند تا تخلیه عاطفی و روانی شوند. اگر شوهرشان به سخنان آنان گوش ندهد، سراغ افراد دیگری خواهند رفت.

نکته سوم

تناسب موقعیتی که در آن قرار دارند یا تناسب موضوع بحث با سیره حضرت زهرا (ع) بسیار مهم است. مثال:

حضرت می‌فرماید: «ادنی ما تكون المرأة من ربه ان تلزم قعر بیتها؛ نزدیک‌ترین حالت زن به خداوند، زمانی است که ملازم خانه خودش گردد.» یعنی ارتباطش با نامحرم قطع باشد و در معرض دید نامحرم نباشد.

این روایت نورانی باید زمانی مطرح شود که بحث کار در بیرون از منزل پیش آمده باشد؛ لذا قبل از آن باید زمینه را طوری فراهم آورد که بحث کار در بیرون منزل پیش بیاید. بعد روایت فوق طرح و تبیین شود. البته تبیین هم اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. گاهی برای توجیه ضرورت کار زن در بیرون از خانه، هزینه‌های بالای زندگی، قسط‌های عقب‌مانده، مخارج روزمره و مواردی از این دست مطرح می‌شود. در جواب باید مباحث اعتقادی مانند رزاق بودن خدا و اعتماد و توکل به او و قناعت در زندگی تبیین شود.

نکته چهارم

با مرور احادیث حضرت فاطمه (ع) می‌توان روایاتی را که برای مردم بیشتر کاربرد دارد و نیاز یا مشکلی از مشکلات آنان را برطرف می‌سازد،



مبلغ و امام جماعت مسجد باید موقعیت‌شناس باشد؛ یعنی بداند چه زمانی مناسب است با افراد ارتباط بگیرد. برای شروع صحبت و ایجاد ارتباط، باید زمان را در نظر گرفت. هنگامی که مخاطب خسته است، سریال مورد علاقه‌اش را تماشا می‌کند، سرگرم بازی با تلفن همراه است یا مشغول کاری یا تفریح دلخواهش است، زمان‌های مناسبی برای تبلیغ نیستند



تقدیرات امور برای شمارقم بخورد، می‌دانید باید چه کار کنید؟

ما که بهترین تقدیرات و مصلحت‌های خودمان را نمی‌دانیم. تازه اگر هم بدانیم، دست ما نیست؛ با خدا است. حال چه کار کنیم تا خدا بهترین مصلحت را برای ما بخواهد؟ بعضی‌ها چه کار می‌کنند که همیشه خوش‌شانس هستند و بدبختی ندارند؟

یعنی می‌شود بهترین تقدیرات برای ما هم رقم بخورد؟ چگونه؟

در جواب باید گفت: حضرت صدیقه طاهره فاطمه مرضیه (ع) این‌گونه پاسخ داده است که:

«من اصعدالی الله خالص عبادته، اهبط الله له افضل مصلحته؛ هر کس خالص‌ترین عبادت خود را به سوی خداوند بالا بفرستد، خداوند متعال نیز برترین و بهترین مصلحت و تقدیرش را برای او پایین می‌فرستد.»

پرواضح است که روایت فوق را باید کاملاً توضیح داد و منظور از عبادت خالص را مشخص کرد. حکمت‌های خداوند باید تبیین شود که گاهی بهترین مصلحتش ایجاب می‌کند انسان در سختی باشد. تبیین این مطلب باعث می‌شود چنانچه بعدها مخاطب در زندگی دچار سختی شد، به روایت بدبین نشود.

پی‌نوشت

- طبری، دلائل الامامة، ص ۷۶.
- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۰.
- ازبلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۸۰؛ طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۹۷.
- تفسیرالعسکری، ص ۳۴۷، ج ۱۷۷؛ ابن‌فهد حلی، عده‌الداعی، ص ۲۳۳.



گنجی به نام قناعت

حسین هرمز

ایجاد انگیزه به روش داستانی

سعدی در حکایتی می نویسد: بازرگانی را دیدم که صد و پنجاه شتر بار داشت و چهل بنده و خدمتکار، شبی در جزیره کیش مرا به حجره خویش برد و همه شب نهار امید، از سخن های پریشان گفتن که فلان انبارم به ترکستان است و فلان بضاعت به هندوستان و این کاغذ قباله فلان زمین و فلان چیز را فلان زمین، گاه گفתי که خاطر اسکندر به دارم که هوایی خوش است و گاه گفתי که دریای مغرب مشوش است و باز گفتم: سعید! سفری دیگر در پیش است، اگر آن کرده شود، بقیه عمر خویش به گوشه ای بنشینم و ترک تجارت کنم، گفتم: آن سفر کدام است؟

گفت: گوگرد پارسی به چین خواهیم برد، شنیدم که آنجا قیمت عظیم دارد و از آنجا کاسه چینی به روم آرم و دیبای رومی به هند و پولاد هندی به حلب و آبگینه حلبی به یمن و بُردِ یمانی به پارس و از آن پس ترک تجارت کرده به دکانی بنشینم، چندان از این مالِ خولیا فرو خواند که بیش از آن طاقت گفتنش نماند!

پس گفت: ای سعدی! تو نیز سخنی بگویی از آنچه دیده و شنیده ای.

گفتم:

آن شنیدستی که در اقصای غور

بار سالاری بیفتاد از ستور

گفت چشم تنگ دنیا دوست را

یا قناعت پر کند یا خاک گور^۱

اقناع اندیشه با اسلوب توضیح و تبیین

اهمیت قناعت

صفت قناعت، یکی از بهترین و پرمنفعت ترین صفات برای آدمی است. قناعت، محصول ایمان، میوه رضا و ثمره ادب قلب انسان، نسبت به خداوند است. قناعت، حافظ انسان از چشم و هم چشمی است که جز ایجاد لشکر غم و غصه چیزی برای انسان به ارمان نمی آورد. انسان قانع، زندگی اش را در امور مالی، در چهار چوب حلال و در امور نفسی و شهوانی، در چهار چوب پاکی و در امور اجتماعی، در چهار چوب حسن خلق نگاه می دارد. امیرالمؤمنین می فرماید: «يَتَّبِعِي لِمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ أَنْ يَلْزَمَ الْقَنَاعَةَ وَالْعِفَّةَ؛^۲ سزاوار است انسان خودشناس ملازم قناعت و پاکی شکم و شهوت باشد».

اقناع اندیشه با اسلوب تنظیم و دسته بندی

آثار قناعت

۱. بی نیازی از مردم

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ؛^۳ آن کس که به روزی پاک و حلال خدا قناعت کند، از بی نیازترین مردم است». «أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عِيسَى وَصَعَتْ خَمْسَةَ فِي خَمْسَةِ... وَصَعَتْ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ؛^۴ خداوند بزرگ به داود وحی کرد: ثروت را در قناعت گذاشته ام، مردم در زیادی مال می جویند، ولی نمی یابند».

۲. کسب عزت

امیرالمؤمنین می فرماید: «تَمَرَةُ الْقَنَاعَةِ الْعِزُّ؛^۵ میوه قناعت عزت و آبرو است».

۳. آسان شدن حساب قیامت

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «وَاقْتَنِعْ بِمَا وَتَيْتَهُ يَخَفْ عَلَيْكَ الْحِسَابُ؛^۶ و به آنچه داده شدی قناعت ورز تا حساب قیامت بر تو سبک و آسان گردد».

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْمَعَاشِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْعَمَلِ؛^۷ هر کس به داده اندک حق در امر معاش خشنود باشد، خدا به عمل اندک او رضایت خواهد داد».

۴. دستیابی به زندگی پاک

یکی دیگر از آثار قناعت، لذت بخش شدن زندگی و گرم شدن کانون خانواده است.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «أَطْلِبُ الْعَيْشَ الْقَنَاعَةَ؛^۸ پاک ترین زندگی، قناعت است».

همچنین حضرت می فرماید: «أَنْعَمُ النَّاسُ عَيْشًا مَنْ مَتَّحَهُ اللَّهُ سُحَّانَهُ الْقَنَاعَةَ؛^۹ بهترین ناز و نعمت در زندگی آن کسی قرار دارد که خداوند پاک قناعت روزیش فرموده است».

همچنین حضرت می فرماید: «الْقَنَاعَةُ أَهْنَأُ عَيْشٍ؛^{۱۰} قناعت خوش گوارترین زندگی است».

تحریک احساس با اسلوب داستان وار

قناعت در سیره حضرت زهرا (علیها السلام)

سلمان فارسی می گوید:

روزی حضرت فاطمه (علیها السلام) را دیدم که چادری ساده بر سر داشت، با تعجب عرضه داشتیم: عجب! دختران پادشاهان ایران و قیصر روم بر کرسی های طلایی می نشینند و پارچه های زربافت و اشرافی به تن می کنند؛ اما دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که عظمت و جلالش از همه آن ها بالاتر و بیشتر است، نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباس های فاخر و زیبا! ایشان فرمودند: «يَا سَلْمَانُ إِنَّ اللَّهَ ذَخَرْنَا النَّيِّبَاتِ وَالْكَرَائِسِ لِيَوْمٍ آخِرٍ؛^{۱۱} ای سلمان! خداوند لباس و تخت ها ما را برای روز قیامت ذخیره کرده است».

حضرت آنگاه به محضر پدرشان رفتند و عرض کردند: «یا رسول الله! سلمان از لباس ساده من تعجب کرد، قسم به خدایی که تو را به رسالت در راه حق برانگیخت! من و همسر م علی (علیه السلام) همواره زندگی ساده را پیشه خود کرده ایم، فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها شترمان بر روی آن علف می خورد و شب ها بر روی آن می خوابیم و بالش ما چرمی است که از لیف خرما پر شده است».

همچنین روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد منزل دخترشان شدند و ایشان را مشاهده کردند که روی زمین نشسته اند و با یک دست فرزندان را در آغوش گرفته و شیر می دهند و با دست دیگر با آسیاب دستی گندم ها را آرد می کنند. از دیدن زندگی ساده و رفتار قناعت پیشه، اما گرم و پر عاطفه اشک در چشمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حلقه زد و فرمودند: «يَا بِنْتَاهُ تَعَجَّلِي مَرَاةَ الدُّنْيَا بِحَلَاوَةِ الْآخِرَةِ؛^{۱۲} دخترم! مشکلات دنیا را به یاد شیرینی و حلاوت زندگی در جهان آخرت بر خود هموار ساز و تحمل کن!»

حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز عرضه داشتند: «يَا رَسُولَ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَانِهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آيَاتِهِ؛^{۱۳} ای رسول خدا! حمد و سپاس خداوند را در مقابل این همه نعمتی که به ما داده است».

البته قناعت و ساده زیستی یک بانوی مسلمان به این معنی نیست که ژولیده و آلوده و بد لباس زندگی کند؛ یا مرد در حال گشاده دستی رفاه بیشتر را برای خانواده آماده نکند، بلکه می توان سادگی لباس را توأم با تمیزی و شیک پوشی کرد.

باز در جای دیگر در سیره حضرت می بینیم که در یکی از روزهای پر مشقت، غذا در منزل امیرالمؤمنین (علیه السلام) کمیاب شده بود، امام از همسرشان پرسیدند: «فاطمه جان! غذایی داری که مقداری تناول کنی؟»، فاطمه (علیها السلام) پاسخ دادند: «سوگند به آن خدایی که مقام و عظمت تو را بالا برد! سه روز است که غذای کافی در منزل نداریم و مقدار اندکی هم که داشتیم به شما بخشیدیم و خودم رنج گرسنگی را تحمل کردم».

امام فرمودند: چرا به من اطلاع ندادی؟

حضرت زهرا (علیها السلام) پاسخ دادند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَانِي أَنْ أَسْأَلَكَ شَيْئًا فَقَالَ لَا تَسْأَلِي ابْنِ عَمِّكَ شَيْئًا إِنْ جَاءَكَ بِشَيْءٍ عَفْوًا وَلَا فَلَا تَسْأَلِيهِ؛^{۱۴} رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرا نهی فرموده است که از تو چیزی بخواهم و به من سفارش کرده که از پسر عمویت چیزی در خواست نکن! اگر خودش چیزی آورد، بپذیر و گرنه خودت در خواست نکن!»

در برخی نقل ها دیگر آمده حضرت فاطمه (علیها السلام) در پاسخ فرمودند: «يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِنِّي لَأَسْتَحِي مِنْ إِبْرَاهِيمَ أَنْ أَكَلِفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ؛^{۱۵} ای ابوالحسن! من از خداوند حیا می کنم که تو را تکلیف کنم بر چیزی که قادر بر آن نیستی».

رفتار سازی

این کلام حضرت، اصل مهمی در تعامل زوجین است و ریشه برخی از ناسازگاری های زوجین به غفلت از این حدیث است. اگر بانویی در بیان خواسته هایش از شوهر خود، این سیره حضرت را ملاک خود قرار دهد، چقدر الفت و صمیمت به خانواده ها برمی گردد؟ اگر زن مسلمان در پرتو سبک و سیره فاطمی همواره قناعت را نصب العین خود قرار دهد آیا به گنجی تمام شدنی دست نیافته است؟ آیا زنی که فقط به دنبال تشریفات، چشم و هم چشمی و زندگی اشرافی و لباس های و خریدهای آن چنانی باشد، می تواند به اهداف والای زندگی پاک معنوی دست یابد؟ از این رو قناعت و صرفه جویی در مخارج زندگی علاوه بر شیرین شدن زندگی کانون خانواده را گرم می کند.

چقدر بر امیرالمؤمنین لحظه فراق از این همسر با وفا سخت است! چه گذشت بر آن حضرت، لحظه ای که می خواست امانت رسول خدا را باز پس گرداند؟...

پی نوشت

۱. سعدی، گلستان، باب سوم، حکایت ۱۲.
۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص ۹۵.
۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۳۹.
۴. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷، ص ۴۵۳.
۵. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص ۲۲۸.
۶. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۸۷.
۷. همان، ج ۷، ص ۱۷۵.
۸. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص ۱۸۹.
۹. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۴۶۰.
۱۰. همان، ج ۱، ص ۲۲۲.
۱۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۰۳.
۱۲. همان، ج ۲، ص ۸۶.
۱۳. همان، ج ۱۴، ص ۱۹۷.
۱۴. همان، ص ۵۹.



معیارهای انتخاب همسر در سیره معصومان

حسن هرمز

ایجاد انگیزه به روش ضرورت مطلب

هر فردی به شکلی با مسئله از دواج مواجه است؛ جوانان در آستانه از دواج به شکلی والدین و بزرگ‌ترها به نوعی دیگر با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. با توجه به اهمیت موضوع و پیامدهای این مسئله مهم، ضروری است ملاک‌ها و معیارهای درست و منطقی از دواج را بشناسیم. بهترین ملاک‌ها در آیات قرآن کریم و در روایات معصومان (علیهم‌السلام) بیان شده است. به عنوان مثال امام صادق (علیه‌السلام) درباره اهمیت توجه به ملاک‌های انتخاب همسر فرمودند: «انظروا ان تصع نفوسك و من تشرکه فی مالک و تطلعه علی دینك و یرک؛ خوب دقت کن که خودت را در کجا می‌نهی و چه کسی را در مالت شریک می‌گردانی و بر دین و اسرار آگاه می‌سازی».

و نیز فرمودند: «انما المرأة قلادة فانظر ما تتقلد؛ زن به منزله گردنبندی است که به گردن می‌افکنی، سپس مراقب باش که چه چیزی را به گردن می‌افکنی».

اقتناع اندیشه با اسلوب تنظیم و دسته‌بندی

از این رو با توجه به اهمیت آینده خود و فرزندان ضرورت دارد، ملاک‌های انتخاب همسر را بشناسیم تا سعادتمان را تضمین کنیم. برخی از این ملاک‌های مهم عبارت‌اند از:

۱. ایمان و دین‌داری

اولین و مهم‌ترین ملاک در انتخاب همسر دین‌داری است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «ولا تنکحوا المشركات حتی يؤمنن ولا منه مؤمنه خیر من مشرکة ولو اغجبکم ولا تنکحوا المشرکین حتی يؤمنوا ولعبد مؤمن خیر من مشرک ولو اغجبکم...»^۱ و با زنان مشرک و بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، از دواج نکنید! (زیرا) کنیز با ایمان، از زن آزاد بت‌پرست، بهتر است؛ هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد و زنان خود را به از دواج مردان بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید! (زیرا) یک غلام با ایمان، از یک مرد آزاد بت‌پرست، بهتر است؛ هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او)، شما را به شگفتی آورد».

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «من تزوج امرأة لا یتزوه جها الا لیجمالها لم یر فیها ما یحب و من تزوج جها لمالها لا یتزوه جها الا له و کله الله الیه فعلیکم بذات الدین»^۲؛ هر کس که برای جلالش از دواج کند به چیزی می‌رسد که از آن کراهت دارد و هر کس با زنی

برای مالش از دواج کند خدا او را به همین امر واگذار می‌نماید، پس بر شما باد به از دواج با دین‌دار».

رسول خدا از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در بامداد اولین روز عروسی پرسیدند: همسرت را چگونه یافتی؟

ایشان فرمودند: «نیعم العون علی طاعة الله؛ بهترین یاور بر اطاعت خدا است».

همچنین حضرت زهرا (علیها‌السلام) در ساعات آخر عمر شریفشان فرمودند: «یا ابن عم ما عهدتني کاذبة ولا خائنة ولا خالفتک منذ عاشرتني؛ پسرعمو! در طول عمر هرگز به تو دروغ نگفتم و خیانت نکردم و هیچ‌گاه با تو مخالفت نمودم».

سپس امام فرمودند: «معاذ الله انت اعلم بالله و ابرؤا اتقى و اکرم و اشد خوفا من الله من ان اوتخلك بمخالفتي؛ معاذالله که تو خلافتی را مرتکب شده باشی. مرتبه خداشناسی و نیکوکاری و تقوا و خداترسی تو بالاتر از آن است که با من مخالفت کرده باشی».

۲. خوش اخلاقی

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «ذا جاءکم من ترصون خلقه و دینه فزوجه الا تفعلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر»^۳؛ اگر کسی به عنوان خواستگاری به نزد شما آمد که خلق و دینش را می‌پسنیدید با او از دواج کنید و اگر به این دستور عمل نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد».

حسین بشار واسطی می‌گوید: «به امام

رضا (علیه‌السلام) نوشتیم، یکی از خویشاوندان از دخترم خواستگاری کرده است، اما بد اخلاق است، حضرت فرمودند: «اگر بد اخلاق است به او دختر نده»^۴.

۳. عقل و درایت

بیشتر اختلافات خانوادگی و کشمکش‌های زندگی معلول جهالت زوجین، یا یکی از آنان است. زوجین هر چه عاقل‌تر باشند بهتر می‌توانند همسر داری کنند و وسیله آرامش همدیگر را فراهم سازند. همسر عاقل، گذشت و بردباری دارد و با بهانه‌های کوچک و جزئی زندگی را متلاشی نمی‌سازد. به علاوه، حماقت والدین در فرزند تأثیر دارد. همسر باهوش و عاقل بهتر می‌تواند نسبت به تعلیم و تربیت فرزندانش انجام وظیفه نماید.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ایاکم و تزویج و حصره الدمن؛ ای مردم از گیاهانی که بر مزبله‌ها می‌روید اجتناب نمایید، قبیل یازسول و الله و ما حصره الدمن؛ گفته شد: یا رسول الله مقصود شما از سبزه‌زاری که بر مزبله می‌روید چیست؟ المرأة الحسناء فی منبت الشوء»^۵؛ زن زیبایی که در خانواده پست و فرومایه پرورش می‌یابد».

همچنین پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «وانظر فی ای نصاب تضع ولدک فان العرق دساس»^۶؛ بنگر فرزند خود را در کجا قرار می‌دهی که زن تأثیر خود را باقی می‌گذارد».

و نیز فرمودند: «تزوجوا فی الحجر الصالح، فان العرق دساس»^۷؛ با خانواده‌ای خوب و شایسته وصلت کنید؛ زیرا خون اثر دارد».

دخترش مشورت خواست، فرمودند: «زوجهها من رجل تقی فانه ان احبها اکرمها وان ابغضها لم یظلمها»^۸؛ دخترت را به از دواج انسان متقی و پرهیز کار در آور، زیرا اگر دخترت را دوست داشته باشد او را اکرام و احترام می‌کند و اگر نسبت به او بغض داشته باشد به او ظلم نمی‌کند».

۵. شرافت خانوادگی

قرآن کریم می‌فرماید: «والبلد الطیب یتخرج نباته یا ذن ربه والذی خبت لا یتخرج الا نکدا»^۹؛ سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بد طینت (و شوره‌زار) جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید».

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره اصالت و شرافت خانوادگی می‌فرماید: «ایها الناس ایاکم و حصره الدمن؛ ای مردم از گیاهانی که بر مزبله‌ها می‌روید اجتناب نمایید، قبیل یازسول و الله و ما حصره الدمن؛ گفته شد: یا رسول الله مقصود شما از سبزه‌زاری که بر مزبله می‌روید چیست؟ المرأة الحسناء فی منبت الشوء»^{۱۰}؛ زن زیبایی که در خانواده پست و فرومایه پرورش می‌یابد».

همچنین پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «وانظر فی ای نصاب تضع ولدک فان العرق دساس»^{۱۱}؛ بنگر فرزند خود را در کجا قرار می‌دهی که زن تأثیر خود را باقی می‌گذارد».

و نیز فرمودند: «تزوجوا فی الحجر الصالح، فان العرق دساس»^{۱۲}؛ با خانواده‌ای خوب و شایسته وصلت کنید؛ زیرا خون اثر دارد».

تحریک احساس و رفتار سازی

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز برای انتخاب همسر اصیل و شجاع، با برادرش ان عقیل که در علم انساب معروف بود مشورت کردند و فرمودند: «همسری را برای من در نظر بگیر که از برجستگان و شجاع‌زادگان عرب باشد و خداوند از او فرزندان دلاور و جنگجو به من ارزانی دارد». عقیل گفت: «تزوج ام البنین الکلابیه فانه لیس فی العرب اشجع من آبائها»^{۱۳}؛ با ام‌البنین کلابیه از دواج کن، زیرا از پدران و اجداد وی در عرب شجاع‌تر نیست».

برخی می‌گویند حضرت هنگامی که قصد از دواج با ام‌البنین داشت، آینده‌های دور را مشاهده می‌کرد، صحرای کربلا را می‌دید، مظلومیت و تنهایی فرزندشان امام حسین (علیه‌السلام) را می‌نگریست؛ لذا به دنبال علم‌دار کربلا و سقای لب‌تشنگان کربلا بود. اما چه گذشت بر امام حسین (علیه‌السلام) لحظه‌ای که برادرش برای اذن نبرد آمد؛ لحظه‌ای که دیگر یاری برای حضرت باقی نمانده بود.....

پی‌نوشت

۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۲۳.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۳.
۳. بقره: ۲۲۱.
۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۵.
۵. همان، ج ۴۳، ص ۱۱۷.
۶. همان، ج ۴۳، ص ۱۹۱.
۷. همان، ص ۳۴۷.
۸. محدث توری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۰۱.
۹. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۵۴.
۱۰. نور: ۳.
۱۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۰۴.
۱۲. اعراف: ۵۸.
۱۳. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۲۲.
۱۴. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۶۶.
۱۵. فیض کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۷۰۶.
۱۶. سید عبدالرزاق مقرر، العباس، ص ۱۳۳.



فیش روضه حضرت صدیقه کبری

هادی الیاسی

حلقه وصل

قرآن کریم حضرت مریم را در زمرة بانوان برگزیده و مطهره دانسته و می فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»؛ و هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان (زمان خودت) برتری داده است.»

وقتی که به امر الهی حضرت مریم به حضرت عیسی باردار شد، از شدت درد و تحمل اتفاقات پس از آن آرزوی مرگ کرد: «فَأَخَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا نَسِيًّا»^۱؛ درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرما می کشاند (آن قدر ناراحت شد که) گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم، و به کلی فراموش می شدم.» پیامبر اکرم علیه السلام در فضیلت و مقام دخترش حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

«وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَأَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ»^۲؛ اما دخترم فاطمه علیها السلام برترین زنان در دو عالم از اولین تا آخرین آنها است.»

شعر مرثیه

اظهار درد دل به زبان آشنا نشد
دل شد ز خون لبالب و این غنچه وانشد
آن جان از آن زمان که جدا از تنم شده است
یک دم سر من از سر زانو جدا نشد
با آنکه دست دشمن دون بازویم شکست
دیدی که دامن تو ز دستم رهان شد
شرمنده ام، حمایت من بی نتیجه ماند
دستم شکست و بند ز دست تو وان شد
بسیار دیده اند که پیران خمیده اند
اما یکی چو من به جوانی دو تان شد
از ما کسی سراغ ندارد غریب تر
در این میانه در ز پهلو جدا نشد^۳

پی نوشت

۱. آل عمران: ۴۲.
۲. مریم: ۲۳.
۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۶ و ۲۹.

متن مرثیه

اما دختر پیامبر اکرم علیه السلام و مریم آل محمد علیهم السلام نیز آرزوی مرگ نمود. پس از پیامبر علیه السلام و به سبب اتفاقات شوم و ننگین روزهای سیاه مدینه، حضرت فاطمه علیها السلام رنجور از بی مهری مردم و خشمگین از هجوم غاصبان بود. او نیز در آن روزهای سرد مدینه آرزوی مرگ کرد. اگر حضرت مریم علیها السلام یک بار آن هم به جهت درد و غصه شخصی خود آرزوی مرگ و فراموشی از یادها را داشت، مریم آل محمد علیهم السلام دوبار آرزوی مرگ نمود؛ اما هیچ کدام به جهت دردها و آسیب های بدنی خویش یا بی مهری مردم نبود؛ چرا که در ملاقات با ام سلمه فرمود: «أَصْحَابُ بَيْنِ كَمَدٍ وَكَرْبٍ فَقَدْ التَّبِيُّ وَظَلِمَ الْوَصِيُّ هَتِكَ وَاللَّهِ جِحَابُهُ...»^۴ صبح کردم بین غم از دست دادن پیامبر علیه السلام و غصه جانسین او که مورد ستم قرار گرفته است. به خدا سوگند پرده احترام او دریده شده...»

امادوجایی که حضرت آرزوی مرگ کرد؛ یکم؛ در فراق پیامبر علیه السلام بود. هفت روز پس از فراق پیامبر علیه السلام به زیارت قبر شریف پدر خویش آمد. رفت و پس از به هوش آمدن بسیار گریست و با پدر بسیار سخن گفت. پس از بیان دردها و غصه های فراوان و گلایه از بی موالاتی و نامهربانی های امت، اشعاری را سرود و آرزوی

شخن حضرت فاطمه علیها السلام نشان می دهد که دردهای خود را فراموش کرده است و فقط غربت مولایش را می نگرند. در کربلا هم زینب کبری علیها السلام آرزوی مرگ کرد. هنگامی که سخنان برادر را درباره جدایی و فراق شنید که می فرمود:

«يَا ذَهْرُ أَفِي لَكَ مِنْ خَلِيلٍ كَمْ لَكَ بِالْإِسْرَاقِ وَالْأَصِيلِ وَآيَ بَرٍّ تُوِّ وَتَفٍّ بَرٍّ تُوِّ رَازِ رَازِ دَرِ هَرِّ بَامِدَادٍ وَشِبَانِغَاهِي»؛ اچرا که [بسیاری از یاران و دوستان را نابود می سازی]. حضرت زینب علیها السلام ناله ای زد و فرمود: «...وَأَكَلَا لَيْتَ الْمَوْتُ أَغْدَمِنِي الْحَيَاةُ»^۵ کاش مرده بودم و چنین روز غمباری را در زندگی نمی دیدم.»

۴. علی انسانی.
۵. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، الجاج، ج ۱، ص ۱۰۷.
۸. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۹۳.
۶. همان، ص ۱۷۷.

فیش روضه وفات حضرت ام البنین

هادی الیاسی

حلقه وصل

حضرت ام البنین علیها السلام فرموده است: «اولادي وَمَنْ تَحَتَّ الْخَضْرَاءُ كُلُّهُم فِدَاء لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام؛ فرزندان و همه آنچه که زیر آسمان سبز است، فدای امام حسین علیه السلام است.»^۱ قدم اگر خمید، فدای سر حسین جانم به لب رسید، فدای سر حسین هر جمله بشیر مرا پیر کرده است مویم شده سفید، فدای سر حسین نامش شده فاطمه و همسر امیر مؤمنان بود. او چهار پسر به نام های عباس علیه السلام - که کنیه اش ابوالفضل و ملقب به قمر بنی هاشم بود - و عبدالله و جعفر و عثمان برای امیر مؤمنان به دنیا آورد. چهار فرزند خویش را در راه خدا و برای دفاع از امام زمان خویش به کربلا فرستاد و مادر چهار شهید و الامقام کربلا شد.

صبر و صلابت او و فداکاری اش را می توان از این نقل تاریخی دریافت که وقتی بشیر به مدینه آمد و خبر شهادت فرزندانش را یکی پس از دیگری می داد، ام البنین از او سؤال می کرد: مرا از ابی عبدالله علیه السلام حسین خبر ده؟ و چون خبر شهادت فرزندانش را به او داد ام البنین گفت: «قَدْ قَطَعْتَ نِيَابَ قَلْبِي، اولادي وَمَنْ تَحَتَّ الْخَضْرَاءُ كُلُّهُم فِدَاء لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام؛ رگ های قلبم را پاره کردی فرزندان من و هر کس زیر این آسمان سبز است فدای حسین علیه السلام باد. مرا از حسین علیه السلام آگاه کن.»

شعر مرثیه

ای به سپهر عاطفه بی قرین ستاره مدینه، ام البنین قدر تو در جهان نبوده معلوم قبر تو در جوار چار معصوم فاطمه دوم مرتضایی مادر دیگری به مجتنبایی تو کیستی که با غم و زمزمه پای نهی به خانه فاطمه تو دیده ای که خانه ای سوخته دختر کی چشم به در دوخته رهی که از قبر تو تا فاطمه است مدینه، بیت الحرمین همه است دامن عطر تو گل یاس داشت جعفر و عبدالله و عباس داشت تو آسمان و قمرش ابالفضل تو مهر مادر، پسرش ابالفضل تو دیده بودی که علی بی عدد بوسه به دستان ابالفضل زد آه نبودی تو که در علقمه تیر و کمان بود به دست همه نمک به زخم جگر تو می زدند

تیر به چشم پسر تو زدند ساقی از دست شد و مست شد ماه بنی هاشم بی دست شد هر چه بگویند تو هم مادری سخت، غم از سینه خود می بری فاطمه آمد که تشکر کند در عوض دل ز غمش پر کند غصه نیامد دست در بند تو در سفر چهار فرزند تو آه چرا کرده صدایت بشیر از که خبر داشت برایت بشیر؟ داغ جوانان تو در گفته کرد غم حسین، خاطر آشفته کرد آه نگویم که حسین چه شد فاطمه جان نور دو عینت چه شد^۲

متن مرثیه

روز گاران پس از کربلا، اهل مدینه در کنار بقیع، مادر شهیدی را می دیدند که برای شهادت کربلا و فرزندان خویش مرثیه سرایی می کند. خیمه ماتم این مادر به همراه عبدالله بن عباس، نوه پسر اش ذهن ها را به سال یازدهم هجری می کشاند که فاطمه علیها السلام در بقیع به همراه فرزندان خویش بیت الاحزان را با اشک هایش روشنی می بخشید. اکنون و در سال های پس از عاشورا، فاطمه دوم خانه امیر المؤمنین علیه السلام نیز در بقیع بالای چهار صورت قبر از کربلا می خواند.^۳ گویا او از تیره های سخنور است و در بیان مرثیه چیره دست. اشعاری که زمزمه می کند و نوحه هایی که می خواند، آتش به جان هر رهگذری می زند و دل سنگ را آب می کند. باید دلت را مهبای روضه خوانی مادر چهار شهید کنی. شهدایی که یکی از آنان ماه قبيله بوده است و علمدار. ماه بنی هاشم، یعنی تو در تاریکی دل ها هرگز راه را گم نمی کنی؛ چون در میان همه، چهره اش چون ماه است. علمدار است و تو هرگز در میان پرچم های به دست عباس علیه السلام است و از میان تمام پرچم ها بر فراز تر. او برای لشکر امام، هم چراغ راه بود و هم امیر سپاه و برای امام تکیه گاه. البته در عاشورا به سمت دیگری نیز منصوب شد. امام او را مأموریت سقایت داد و کودکش در گرمای صحرای کربلا، سقامی خواندنش.

ام البنین! اکنون با تو در کربلا بیم بر ایمان روضه یخوان؛ و مادر شهامت می خواند: لَا تَذْعُونِي وَبِكَ أُمُّ الْبَنِينَ تَذْكِرَتِي يَلِيوُن الْعَرَبِينَ كَانَتْ يَتَوْن لِي أَدْعِي بِهِمْ وَالْيَوْمَ أَصْبَحْتُ وَلَا مِنْ بَنِيْنَ أَرْبَعَةَ مِثْلَ نُسُورِ الرَّبِّيْنَ

قَدْ وَاصَلُوا الْمَوْتَ يَقْطَعُ الْوَتِينَ الْخِرْصَانُ أَشْلَاءَ هُمْ فَكَلَّمَهُمْ أُمِّي صَرِيحَاتٍ عِينِ تَأَلَّيْتُ شَعْرِي أَكَمَا أَخْبَرُوا بِأَنْ عَبَّاسًا قَطِيعَ الْيَمِينِ؛ «دیگر مرا ام البنین بخوانید که مرا به یاد شیر بچه هایم می افکنید. تا وقتی که چهار پسر داشتم ام البنین بودم؛ ولی امروز دیگر پسرانی ندارم که کنیه ام البنین بر من استوار باشد. چهار پسر داشتم که مانند ستارگان می درخشیدند و همه با قطع رگ های گردنشان به مرگ پیوستند. ای کاش می فهمیدم همان طور که خبر دادند آیا دست راست عباس قطع شده است؟»

دیگر مرا ام البنین بخوانید زیرا که من دیگر پسر ندارم ندبه های این مادر، در و دیوار مدینه را به گریه می آورد. سنگر زه ها آمده اند تا خاک به سر بریزند. زنان مدینه جمع می شدند تا به او تسلیت بگویند و زمزمه های این مادر شهید دل هایشان را پاره پاره می کرد. آیا شنیده ای زمزمه مادر شهیدی را که می خواند:

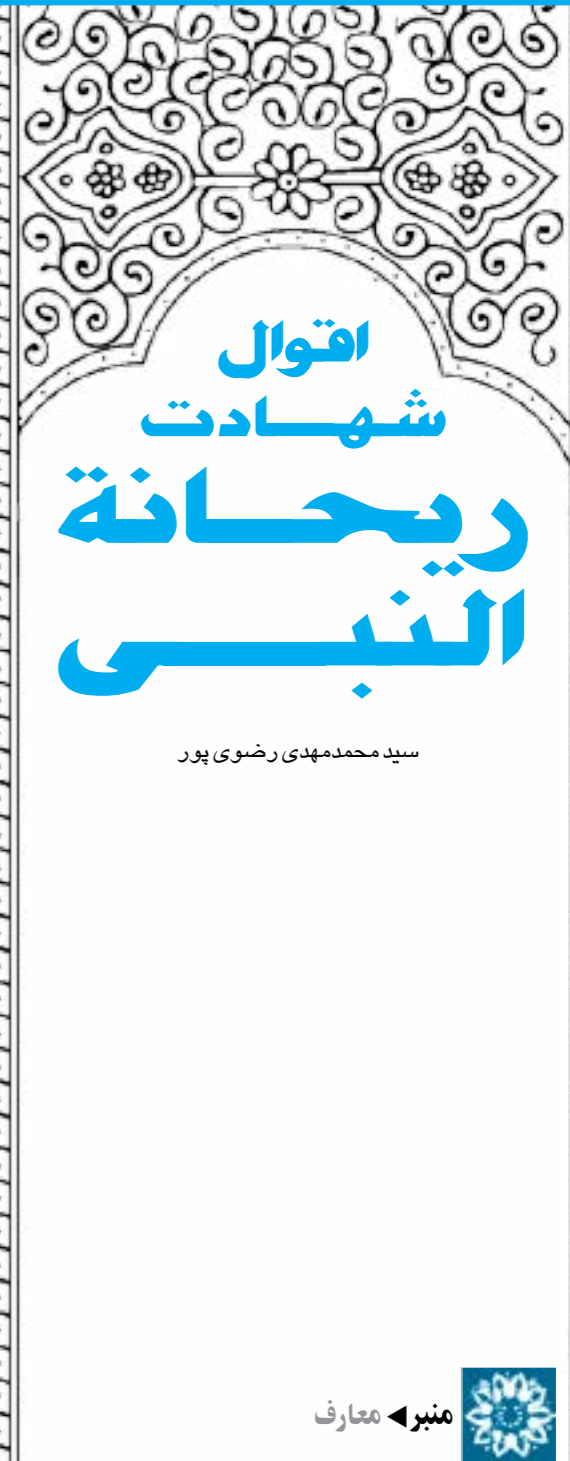
«يَا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَرَّ عَلَى جَمَاهِ هِيرَ النَّقْدِ وَوَرَاهُ مِنْ أُنْبَاءِ جَيْدَرٍ كُلِّ لَيْتٍ ذِي لَبِّدٍ أَنْبَيْتُ أَنْ أُنْبِي أَصِيبُ بِرَأْسِهِ مَقْطُوعٌ يَدِي وَتَلِي عَلِي شَيْئِي أَمَالٍ بِرَأْسِهِ صَرْبُ الْعَمَدِ لَوْ كَانَتْ سَيْفَكَ فِي يَدِيكَ لَمَادَا مَيْتَهُ أَحَدٌ»^۴

ای کسانی که دیده اید عباس را که بر گله گوسفندان حمله می کرد و پشت سرش فرزندان حیدر کرار که هر یک شیری شجاع اند. به من خبر دادند که عمود آهنین بر سر فرزندم زده اند. دل ها برای شیر بچه ام بسوزد که عمود را وقتی بر سرش زدند که دست هایش قطع شده بود. اگر شمشیر در دست بود هیچ کس جرئت نزدیک شدن به تو را نداشت.» آری، ام البنین! اگر شمشیر در دست علمداریت می ماند، برای دشمنانش رقص مرگ می کرد و هیچ سیاه دلی به خود اجازه نمی داد در مقابلش رجز بخواند. او سرفراز فرات را فتح می کرد و سند فتحش را به خیمه ها می رساند تا لب های خشک زمزمه عطش را تر سازد. اگر شمشیر در دست رشید نبود می ماند، هیچ نامردی جرئت نمی کرد به خیمه زینب نگاه چپ کند و با پاکوبی اشک مخدرات را در بیاورد، چه برسد به گوشواره!

پی نوشت

۱. محمد حسین رحیمیان.
۲. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۰.
۳. جواد محمد زمانی.
۴. قرشی، حیاة الامام الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۴۳.
۵. سماوی، ابصار العین، ص ۶۴.
۶. همان.





ایم فاطمیه

سید محمد مهدی رضوی پور

تقارن نوروز با ایام فاطمیه، اهمیت بررسی اقوال شهادت دخت نبی مکرم اسلام علیها السلام را دوچندان می کند. عدم برگزاری جشن ها و مراسم شادی در ایام حزن و ماتم اهل بیت، به جهت شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها یا یکی از ائمه طاهرين علیهم السلام به نشانه ابراز محبت و ارادت به اهل بیت پیامبر و رعایت ادب نسبت به آن انوار منیره است، و تأیید روایاتی است که این معنی را درباره شیعیان بیان می کند. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَأَخْتَارَنَا وَاخْتَارَلَنَا شِيعَةَ يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ لَفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا»^۱ خدا توجهی به زمین کرد و ما را برگزید و برای ما شیعیانی برگزید که ما را یاری کنند و در شادی ما شاد باشند و در غم ما غمناک».

در تقویم زندگی حضرت فاطمه علیها همچون سایر معصومین علیهم السلام بین مورخان و محدثان اختلاف وجود دارد، تاجایی که درباره تاریخ شهادت حضرت زهرا علیها سیزده قول وجود دارد. این اختلاف بیش از هر چیز به ضعف ثبت و ضبط برمی گردد. شبیه این اختلافات در مورد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و برخی از ائمه معصومین علیهم السلام نیز وجود دارد. اما اقوال مختلف در مورد تقویم زندگانی حضرت زهرا علیها نسبت به سایر معصومین بیشتر است.

به طور کلی سیزده قول در منابع تاریخی و روایی درباره تاریخ شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها وجود دارد که عبارت است از:

الف) ۴۰ روز بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؛ این گفته را مرحوم مجلسی در بحار الانوار از کتاب عیون المعجزات نقل کرده است.^۲

ب) ۴۵ روز بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؛ این گفته را برخی از محدثان به عنوان یک گفته نامعلوم نقل کرده اند.^۳

ج) دو ماه بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؛ این گفته را حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک از عایشه نقل کرده است.

د) ۷۰ روز پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؛ این گفته را یکی از دانشمندان اهل سنت، ابن عبد البر، در کتاب الاستیعاب نقل کرده است.

ه) ۷۲ روز پس از رحلت رسول خدا؛ ابن شهر آشوب در المناقب گفته آن حضرت علیها در روز شنبه ۱۷ شب مانده از ربیع الاخر در سال دهم هجری در هفده سال و هفت ماهگی دار دنیا را وداع گفته است.^۴

و) «فاطمیه اول» ۷۵ روز پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.^۵ مرحوم کلینی با استناد به سخن امام باقر علیه السلام و ولادت آن حضرت را ۵ سال پس از مبعث و شهادت وی را ۷۵ روز بعد از وفات پدرش در هجده سال و ۷۵ روزگی ذکر کرده و در متن این روایت، روز شهادت آن حضرت سیزده جمادی الاولی بیان شده که امروزه نظر اهل سنت بر همین مبنا قرار گرفته است.

ز) ۸۵ روز پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

ح) سه ماه پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؛ این گفته به ابوالفرج اصفهانی نسبت داده شده است.

ط) «فاطمیه دوم» ۹۵ روز پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم؛ مستند این گفته که امروزه در میان شیعیان به ویژه ایران به رسمیت شناخته می شود، دو روایت از امام باقر و امام صادق علیهما السلام است که یکی از آنها در کتاب کشف الغمه^۷ و روایت دوم که از لحاظ سندی نسبت به همه

اخبار دیگر محکم تر و متقن تر است، در کتاب دلائل الامامه صفحه ۴۵ از زبان امام صادق علیه السلام آمده که مطابق آن، روز شهادت آن حضرت سه شنبه سوم جمادی الثانی اعلام شده است. (ی) ۱۰۰ روز بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

ک) چهار ماه پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

ل) ۶ ماه پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؛ این نظریه به عنوان یک نظریه مشهور میان شیعه و سنی در برخی از دوره های تاریخی مطرح بوده و مستندات آن، دو روایت از «امام باقر علیه السلام» و «عروة بن زبیر» است که مطابق آن، حضرت زهرا علیها در شب سه شنبه، سه روز مانده به ماه رمضان در سال یازدهم هجری به شهادت رسیدند و البته «ابن ابی الحدید» در شرح نهج البلاغه همین گفته را از عایشه نیز نقل کرده است.^۸

م) ۸ ماه پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؛ این گفته به برخی از محدثان نسبت داده شده است.^۹

بنابر این مشهورترین تاریخ شهادت حضرت زهرا علیها ۹۵ روز پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. نکته قابل توجه این است که با جمع بندی تمامی نقل ها، سه قول در مورد سن حضرت زهرا علیها هنگام شهادت به دست می آید:

۱. مرحوم کلینی معتقد است حضرت ۱۷ سال و ۷۵ روز داشته اند.

۲. صاحب مناقب و برخی دیگر معتقدند سن حضرت هنگام شهادت ۱۸ سال و ۷ ماهه بوده است.

۳. کتاب اعلام الوری بیان داشته که مرحوم ابن طاووس شهادت آن حضرت را در ۲۳ سالگی مطرح کرده

است.^{۱۰}

تبیین ایام فاطمیه

ایام فاطمیه جمعا شش روز است، سه روز در ماه جمادی الاول و سه روز در ماه جمادی الثانی. فاطمیه اول از ۱۳ تا ۱۵ جمادی الاول و فاطمیه دوم از سوم تا پنجم جمادی الثانی است. بین این تاریخ ها را مردم کشور ما به برگزاری روضه ها و مجالس فاطمیه اختصاص می دهند و شاید علت اینکه سه روز در هر ماه به عنوان روز شهادت آن حضرت زهرا علیها معرفی شده، آن باشد که ماه های قمری از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا شهادت حضرت زهرا علیها ۲۹ روز بوده اند. حال آنکه در صورت کامل بودن ماه های قبل، روز شهادت ۱۳ جمادی الاول یا سوم جمادی الثانی خواهد بود؛ چرا که طبق تقویم، حداکثر سه ماه قمری ۲۹ روز و حداکثر ۴ ماه قمری ۳۰ روزه می توانند پشت سر هم قرار گیرند.

اما در عرف، به دهه سوم جمادی الاول، از دهم تا بیستم جمادی الاول که بنا بر قول ۷۵ روز، شهادت آن بانوی بزرگوار در آن واقع شده است، فاطمیه اول و به دهه اول جمادی الثانی از اول تا دهم جمادی الثانی، که طبق قول ۹۵ روز، شهادت حضرت زهرا علیها در آن واقع شده است، فاطمیه دوم گفته می شود. باید توجه داشت که برگزاری عروسی در فاطمیه اگر توأم با معصیت یا هتک حرمت به حضرت زهرا علیها نباشد، اشکال ندارد؛^{۱۱} اما برای مؤمنان سزاوار است که حرمت این ایام را پاس بدارند و از انجام کارهای شادی آفرین بپرهیزند.

مردم ما همیشه این موضوع را ثابت کرده اند که دین شان بر همه چیز اولویت دارد. چند سال پیش شب

چهارشنبه سوری با شهادت یکی از اهل بیت مصادف شد. در آن سال حتی گروهی که اعتقادات دینی محکمی نداشتند باز هم حرمت عزا را نگه داشتند و این مراسم را یک هفته زودتر برگزار کردند و به عزای اهل بیت (علیهم السلام) بی احترامی نکردند. امید است مردم با توجه به معرفت عمیق دینی خود، امسال نیز در سالروز شهادت بانوی بانوان دو عالم حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها حفظ حرمت کنند.

اهل منبر و صاحبان سخن و تبلیغ بهتر است در این ایام با معرفی سبک زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها در حوزه های وفاداری، ولایت مداری، حضور در اجتماع، تربیت فرزند، رعایت حق الناس، شرح صدر، مردم داری و همسایه داری الگوی صحیح زندگی متعادل و متعالی را در بین مردم بیان کنند تا با شروع بهار، نگاه جامعه هر چه بیشتر بر اساس رفتار فاطمی تطبیق پیدا کند و شاهد خیرات و برکات فراوان الهی در سال جدید باشیم.

پی نوشت

۱. شیخ صدوق، خصال، ترجمه کمره ای، ج ۲، ص ۶۳.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۲، ج ۴۱؛ در کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰ با استناد به روایتی مجهول این مطلب نقل شده است.

۳. برگرفته از کتاب صحیفه فاطمه.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۳۵۷؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ص ۱۴۷.

۵. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۵۸؛ طبری، املی، دلائل الامامه، ص ۴۵.

۶. طبری، دلائل الامامه، ج ۴، ص ۴۵.

۷. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۵۳.

۸. همان، ج ۱، ص ۵۰۳.

۹. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۳۵۷؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ص ۱۴۷.

۱۰. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۴۶.

۱۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۳.

۱۲. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۷؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۲.

۱۳. رساله دانشجویی، ج ۱۶؛ به نقل از: صراط النجاة آیت الله تبریزی، ج ۵، ص ۵۲۱.

در تقویم زندگی حضرت فاطمه علیها، همچون سایر معصومین علیهم السلام بین مورخان و محدثان اختلاف وجود دارد. تا جایی که درباره تاریخ شهادت حضرت زهرا علیها سیزده قول وجود دارد. این اختلاف بیش از هر چیز به ضعف ثبت و ضبط برمی گردد.



انعکاس نوروز در آینه روایات

بررسی روایات نوروزی

حسین دهقان

واژه عید در قرآن و روایات به کار رفته است، اما به معنای جشن و طرب نیست و به نوعی یادآور مسائل معنوی است که به وضوح در یک آیه قرآن کریم به کار رفته است:

«اللهم انزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيدا الاولنا و آخرنا و آية منك؛^۱ پروردگارا، از آسمان، خوانی بر ما فرو فرست، تا عیدی برای اول و آخر ما باشد و نشانه‌ای از جانب تو». در تفسیر این آیه آمده است: عید در لغت از ماده عود به معنی بازگشت است و به روزهایی که مشکلات از قوم و جمعیتی بر طرف می‌شود و بازگشت به پیروزی‌ها و راحتی‌های نخستین می‌کنند، عید گفته می‌شود. در اعیاد اسلامی به مناسبت این که در پرتو اطاعت یک ماه مبارک رمضان و یا انجام فریضه بزرگ حج، صفا و پاکی فطری نخستین، به روح و جان باز می‌گردند آلودگی‌ها که بر خلاف فطرت است، از میان می‌رود «عید» گفته شده است. از آنجا که روز نزول مائده، روز بازگشت به پیروزی و پاکی و ایمان به خدا بوده، حضرت مسیح آن را «عید» نامیده است.^۲

به غیر از ایامی که به فرمایش امیر مؤمنان علیه السلام اگر در آن گناه نشود، عید است، اعیاد بزرگ و رسمی شیعه چهار مورد است: عید غدیر، عید قربان، عید فطر و روزهای جمعه. مجموعه روایات نوروزی به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند؛ دسته اول، روایاتی که نوروز را تأیید کرده و مبارک دانسته است؛ دسته دوم، روایاتی است که این سنت را تأیید نکرده و دسته سوم روایاتی که نوروز را تأیید و رد نکرده است و موضع ممتنعی دارد.

۱. روایت مؤید

روایت مشهور معلى بن خنيس از امام صادق علیه السلام است. معلى بن خنيس شخصی ثقه و مورد اعتماد بوده و شیخ طوسی^۳ از متقدمین و ابن طاووس، و حید بهبهانی، محقق کاظمی و مرحوم آیت‌الله خویی^۴ از متأخرین، از جمله کسانی هستند که قائل به وثاقت وی شده‌اند. شیخ طوسی درباره او می‌گوید: «و کان من قوام ابي عبدالله و انما قتله داوود بن علي بسببه و کان محموداً عنده و مضی علی منهاجه و امره مشهور»^۵ معلى روایتی را نقل کرده که در آن ضمن بزرگداشت نوروز، وقایع مختلف تاریخی بر نوروز منطبق شده است.

معلى بن خنيس می‌گوید: در روز نوروز بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، ایشان فرمودند: آیا این روز را می‌شناسی؟ عرض کردم: فدایت گردم این روز، روزی است که غیر



انفاق، یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی در سیاست اجتماعی و مکتب اقتصادی اسلام است؛ اصلی که همه جوانب زندگی آدمی را در برمی‌گیرد، ولی اهمیت بیشتر آن، در تأثیر اقتصادی تکامل آفرین و حیات‌بخش آن تبلور می‌یابد



در کشور عزیزمان ایران روزهای پایانی سال مقارن با هفته احسان و نیکوکاری است؛ سنتی پسندیده که در دین مبین اسلام نیز تأکید فراوانی بر آن شده است. این سنت زیبا و معنوی امسال با ایام فاطمیه هم‌زمان شده است



۱- تبلیغ شایسته و وسیع برای انفاق: در این بخش نقش روحانیون بسیار کلیدی است آنها می‌توانند با خواندن آیات بی‌شمار و روایات فراوان در این باب همراه با توضیح و تفسیر و تطبیق مصادیق از زندگانی حضرات معصومین بخش‌های پنهان مسئله انفاق و احسان را برای مردم بازگو کنند و آنها را به انجام این سنت الهی تشویق کنند.

۲- ایجاد بستر مناسب:

مثل قرار دادن شماره حساب و صندوق‌های خاص برای امر انفاق.

۳- معرفی افراد بی‌بضاعت به افراد متدین متمول.

این کار یک نوع واسطه‌گری ممدوح به حساب می‌آید که زحمت آن چنانی ندارد و همان طور که در سیره حضرت زهرا علیه السلام دیده شد، فقرا به خانه ایشان راهنمایی می‌شدند تا حاجتشان برآورده شود.

پی‌نوشت

- ۱۲۰۰ آیه قران در مورد انفاق سخن گفته‌اند. رک: محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۱۷۰.
- اولین مرتبه انفاق، صدقه است که افراد به دلخواه، بخشی از مال خود را به فقرا و مساکین و هر کس که از آنها درخواست کمک نموده، می‌بخشند.
- مواسات به معنای تقسیم و نصف کردن اموال با نیازمندان است و این در صورتی است که اموال شخص به اندازه کفاف خود او باشد و در همان مقدار کفاف دیگری را نیز شریک سازد.
- برترین و بالاترین مرتبه انفاق، ایثار است که فرد تنه‌ها اموال خود را با مستمندان نصف می‌کند، بلکه آنان را بر خود مقدم می‌دارد.
- بقره: ۲۶۴.
- همان: ۲۶۵.
- محمد دشتی، نهج الحیاء، ج ۴، ص ۱۶۴.
- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۸۲.
- دهر: ۹۸.
- ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۱۸۴.
- شیخ عباس قمی، منتهی‌الامال، ص ۱۵۹.
- محمد دشتی، نهج الحیاء، ص ۱۳۱، ج ۴۲.
- طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۱۷.
- توبه: ۱۰۳.

فروشنده‌ای گرو گذاشته، مقداری خرما و جو قرض بگیرد.

سلمان فارسی می‌گوید: پس از دریافت جو و خرما به طرف منزل فاطمه علیه السلام آمدم و گفتم: ای دختر رسول خدا! مقداری از این غذاها را برای فرزندان گرسنه‌ات بردار! پاسخ داد: «ای سلمان! این کار را فقط برای خدای بزرگ انجام دادیم و هرگز از آن بر نمی‌داریم».^{۱۱}

داستان سه روز روزه گرفتن به خاطر نذرشان و اطعام خالصانه به مستحقان^{۱۲} و داستان صدقه گردن‌بند و گوشواره توسط حضرت زهرا برای خشنودی پیامبر صلی الله علیه و آله و داستان‌های دیگر از زندگانی این بانوی گرامی اسلام که مجال ذکر آنها نیست، نشان‌دهنده ایثار اول‌بانوی جهان اسلام است.

فواید انفاق

همان‌طور که گفته شد، انفاق یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی در سیاست اجتماعی و مکتب اقتصادی اسلام است؛ اصلی که همه جوانب زندگی آدمی را در برمی‌گیرد، ولی اهمیت بیشتر آن، در تأثیر اقتصادی تکامل آفرین و حیات‌بخش آن تبلور می‌یابد؛ زیرا اساس فقر و نیازمندی را از بین طبقات پایین جامعه ریشه‌کن ساخته، از پیدایش تکاثر که موجب انباشت دارایی و امکانات جامعه در دست سرمایه‌داران است، جلوگیری می‌کند. از دیگر فواید انفاق می‌توان به پرورش روح برادری و اخوت، ایجاد ملکه سخاوت در جامعه، رهایی از دنیاپرستی و تزکیه و تطهیر^{۱۴} شخص انفاق‌گرا اشاره کرد.

راه‌های تقویت انفاق و رسیدن به سفارش حضرت زهرا علیه السلام

سیره فاطمه زهرا علیه السلام در انفاق

۱. انفاق لباس عروسی

نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عروسی فاطمه زهرا علیه السلام یک دست پیراهن نوبه دخترش داده بود تا در شب عروسی بپوشد. هنگامی که حضرت فاطمه علیه السلام به خانه رفته و بر سجاده عبادت، در حال مناجات با پروردگار بود، زن فقیر و مستمندی به در خانه آمد و اظهار نیاز کرد و لباسی طلبید. فاطمه علیه السلام که در آن وقت دو پیراهن داشت: یکی کهنه و دیگری نو، به مصداق آیه «لن تتالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون؛ هرگز به نیکی دست نمی‌یابید و از نیکنان نمی‌شوید، مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید»، پیراهن نورا به فقیر بخشید.

فردای آن شب، چون رسول خدا صلی الله علیه و آله پیراهن کهنه را در تن او دید و از علت آن پرسید، حضرت زهرا علیه السلام عرض کرد: «آن را به فقیر دادم و این روش را از شما آموختم».^{۱۰}

۲. ایثار و فداکاری

عرب تازه مسلمانی در مسجد مدینه از مردم کمک خواست. پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خود نگریست. سلمان فارسی برخواست تا نیاز آن مرد را بر طرف سازد. هر جارفت، با دست خالی برگشت. با ناامیدی به طرف مسجد می‌آمد که چشمش به منزل حضرت زهرا علیه السلام افتاد، با خود گفت: فاطمه علیه السلام و منزل او سرچشمه نیکوکاری است. در خانه آن حضرت را کوید و داستان عرب مستمند را شرح داد. حضرت زهرا علیه السلام فرمود: «ای سلمان! سوگند به خداوندی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برگزید! سه روز است که غذا نخورده‌ایم و فرزندانم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام از شدت گرسنگی بی‌قراری می‌کردند و خسته و مانده به خواب رفته‌اند؛ اما من، نیکی و نیکوکاری را که در منزل مرا کوییده است، رد نمی‌کنم».

آنگاه پیراهن خود را به سلمان داد تا در مغازه

مراتب انفاق در سخن و سیره حضرت زهرا علیه السلام

از دیدگاه اسلام و قرآن، انفاق دارای مراتب سه‌گانه صدقات،^۱ مواسات^۲ و ایثار^۳ است که از لحاظ ارزش و اهمیت متفاوت از یکدیگرند. البته ارزش واقعی انفاق وابسته به پرهیز از منت‌گذاری و ریا^۴ و انجام خالصانه^۵ آن در راستای جلب رضایت خداوند رحمان است.

اینک سنت انفاق را در احادیث و چشمه‌هایی از زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیه السلام بر می‌شماریم: ۱. احادیث صادره از حضرت پیرامون انفاق الف) «حَبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ وَالتَّطَلُّفِي وَجِهَ رَسُولِ اللَّهِ وَالإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۶ از دنیای شما محبت سه چیز در دل من نهاده شد: تلاوت قرآن، نگاه به چهره پیامبر خدا و انفاق در راه خدا».

این روایت به وضوح جایگاه انفاق را در اندیشه بانوی دو عالم نشان می‌دهد و ما را به تاسی از این تفکر مصمم‌تر می‌کند.

ب) «الجارثم الدار»^۸ این روایت که توسط امام حسن علیه السلام از مادرشان نقل شده، دارای مفهوم و معنای عمیقی است. این جمله کوتاه اشاره به انفاق ایثاری دارد که بالاترین نوع انفاق است؛ یعنی مقدم داشتن دیگران بر خود. حضرت زهرا علیه السلام در جواب پسرش می‌فرماید: هنگام دعا و خواستن و رفع نیاز مادی و معنوی، دیگران را بر خود مقدم دار، چرا که خوشنودی خدا در این کار است. حضرت در این حدیث جدای از این نکته به مطلب مهم دیگری هم اشاره دارند و آن معامله با خداوند است.^۹ «الجارثم الدار» یعنی تو برای همسایه‌ات دعا کن خدا برای تو دعا می‌کند، توجهت به همسایه و دیگران باشد، خداوند توجهش به تو خواهد بود، تو از مالت به دیگران انفاق کن، خداوند خود خریدار مالت تو است و باقی مانده مالت را چندین برابر افزایش می‌دهد.

سنت‌های اجتماعی نقش اساسی و کلیدی در فرهنگ یک جامعه ایفا می‌کند. احیای این سنت‌ها و یا تقویت آنها در جامعه نیاز به اجرای برنامه‌های هدفمند و بنیادی دارد. معرفی الگوهای مناسب و تبیین ویژگی‌های مؤثر آن الگوها برای تأثیرگذاری مثبت در جامعه یکی از همان برنامه‌های اساسی است.

در کشور عزیزمان ایران روزهای پایانی سال مقارن با هفته احسان و نیکوکاری است؛ سنتی پسندیده که در دین مبین اسلام نیز تأکید فراوانی بر آن شده است. این سنت زیبا و معنوی امسال با ایام فاطمیه هم‌زمان شده است. این مقارنت و هم‌زمانی انگیزه‌های شدت‌تأثیر به انفاق احادیث و سیره حضرت زهرا علیه السلام پیرامون انفاق و احسان علی‌الخصوص حدیث کوتاه و پر معنای «الجارثم الدار؛ اول همسایه بعد خانه» به بحث پیرامون این سنت حسنه بپردازیم و با الگوبرداری از زندگانی این بانوی عزیز مواردی را در راستای تبلیغ و اجرای بهتر این سنت حسنه در جامعه پیشنهاد دهیم.

جایگاه انفاق در اسلام

یکی از معارف حیات‌بخش دین مبین اسلام سنت انفاق است که از یک سوراخکاری برای برطرف کردن فاصله طبقاتی و از بین بردن فقر از جامعه می‌باشد و از سوی دیگر دستور العملی برای خودسازی و تزکیه نفس در راه تکامل روح آدمی است. در فرهنگ اسلامی، از انفاق مستحب تحت عنوان صدقه یاد می‌شود و در اصطلاح قرآن، انفاق واجب، همان زکات است. در قرآن کریم، در آیات بسیاری، بر موضوع انفاق و لزوم توجه به آن تأکید شده و برای این کار، پاداش و اجر زیادی ذکر گردیده است.

بی‌شماری آیات و روایات در منزلت انفاق، خود بهترین دلیل بر جایگاه و اهمیت این مسئله در دین اسلام است.



عرب‌ها (ایرانیان) آن را گرامی داشته و به یکدیگر هدیه می‌دهند، امام

صادق علیه السلام فرمودند: قسم به خانه

عتیقی که در مکه هست این (تعظیم

و هدیه دادن) ریشه طولانی و قدیمی

دارد و برای تو آن را توضیح می‌دهم تا

از آن مطلع شوی. گفتم: ای آقای من

چنانچه این مطلب را از تو بیاموزم،

برای من بهتر از زنده شدن مردگانم

و مردن دشمنان من است. حضرت

فرمود: ای معلی! نوروز، روزی است

که خداوند در آن از بندگان خویش

میثاق گرفت که جز او را عبادت و

پرستش نکرده و به او شرک نوزند و

به فرستادگان و پیامبرانش و نیز ائمه

هدی ایمان بیاورند. نوروز اولین روزی است که خورشید در آن طلوع کرد

و باد در آن وزیدن گرفت و در آن روز در خشننگی زمین خلق شد. نوروز

روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی کناره گرفت و نوروز روزی است

که افرادی که از خانه‌های خود خارج شده و به آزمایش الهی از دنیا رفتند،

مجدداً به دنیا باز گشتند. در این نوروز است که جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

نازل شد و در ست در همین روز است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام

را بر شانه خود گذاشت، تا او بت‌های قریش را از بیت الحرام پایین کشید و

آنها را در هم شکست.

نوروز روزی است که پیامبر به اصحابش دستور داد تا در مورد خلافت و

ولایت مؤمنان با حضرت علی علیه السلام بیعت کنند و در همین نوروز بود که

پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را به سوی جنیان فرستاد تا برای او از آنان بیعت بگیرد.

نوروز روزی است که برای حضرت علی علیه السلام بیعت مجدد گرفته شد و نوروز

روزی است که حضرت علی علیه السلام بر اهل نهروان پیروز شد و ذوالنذیه را کشت

و نوروز روزی است که قائم مادر آن روز ظاهر می‌گردد و بالاخره نوروز روزی

است که قائم مادر این روز بر دجال پیروز می‌شود و او را بر زباله‌دان کوفه

آویزان می‌کند و هیچ نوروزی نیست، مگر آنکه مادر آن روز توقع ظهور

حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را داریم، چرا که این روز، از

روزهای ما و شیعیان ما است که عجم (ایرانیان) آن را گرامی داشته ولی شما
آن را ضایع نمودید...^۱

۲. روایت منع کننده

از امام کاظم علیه السلام روایتی نقل شده است که ظاهر ادلالت بر عدم تأیید نوروز
است:

«حکای ان المنصور تقدم الى موسى بن جعفر بالجلوس للهنئة في يوم
النيروز و قبض ما يحمل اليه فقال: اني قد فتشت الاخبار عن جدی رسول
الله فلم اجدها العید خبرا و انه سنة الفرس و محاهان اسلام و معاذ الله ان
نجی ما محاهالاسلام فقال المنصور انما نفع فعل هذا سياسة للجن فسالته
بالله العظيم الا جلست فجلست»^۲

حکایت شده که منصور به سوی امام کاظم علیه السلام فرستاد، تا در روز نوروز برای
تهنیت جلوس کند و آنچه به سوی او حمل می‌شد، بگیرد. حضرت فرمود:
من اخبار جدم رسول خدا را بررسی کردم و در آنها برای این عید خبری نیافتم
و این سنت ایرانیان است که اسلام آن را محو کرده است و به خدا پناه می‌برم
که چیزی را که اسلام محو کرده احیاء کنم. منصور در پاسخ گفت: ما این کار
را برای اداره لشکریمان انجام می‌دهیم و تو را به خدای بزرگ سوگند می‌دهم
که در این مجلس بنشین و آنگاه حضرت نشست.

علامه مجلسی در بحار الانوار روایت یادشده را مورد نقد و بررسی قرار داده
و می‌گوید: این روایت مخالف روایت معلی بن خنیس است. ولی اخبار معلی
از لحاظ سندی، قوی‌تر و در نزد اصحاب مشهور تر است. البته ممکن است
روایت امام کاظم علیه السلام از روی تقیه باشد، زیرا روایت معلی مشتمل بر اموری
است که در آن روز گار شایسته تقیه بوده و از طرفی شاید آن روزهایی که در
روایت دوم به عنوان نوروز قلمداد شده، غیر از ایامی است که در خبر معلی
آمده است.^۳

۳. اخبار ممتنع

در این دسته از روایات از امیر مؤمنان علیه السلام منقول است. ایشان در برابر
هدایایی که در نوروز دریافت می‌کردند، عباراتی می‌فرمودند از جمله:
«تبی علی بهدیة النیروز، فقال: ما هذا؟ قالوا: یا امیر المؤمنین الیوم النیروز،
فقال: اصنعوا لنا کل یوم نیروزا»^۴.

در منابع اهل سنت نیز آمده است: «... اهدی الی علی بن ابی طالب الفالوذج
فی یوم النیروز، فقال علی: نوروزنا کل یوم». از مجموعه این روایات علوی
می‌توان دریافت که اولاً، آن حضرت از نوروز منع نکرده است و در ثانی،
تأییدی مانند تأییدات روایت معلی بن خنیس نیز به چشم نمی‌خورد.

عید نوروز گرچه یک عید اصیل شیعی نیست، ولی از اعیاد باستانی ایران
زمین به شمار می‌رود که در فرهنگ کهن پارسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار
است. ایران اسلامی که مذهب رسمی آن تشیع است و مسائل دینی را
همیشه در اولویت می‌داند، بین این آیین باستانی و آموزه‌های دینی به
خوبی جمع کرده است.

پی‌نوشت

۱. مانده: ۱۱۴.

۲. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۱.

۳. کتاب الغیبة، ص ۲۱۰.

۴. معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۲۶۸.

۵. کتاب الغیبة، ص ۲۱۰.

۶. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۹۲.

۷. همان، ج ۵۶، ص ۱۰۱.

۸. همان.

۹. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰.

۱۰. الاسباب، ج ۲، ص ۳۷.



تحويل سال بانام محوّل الاحوال

بررسی سندی دعای تحويل سال نو

علی حاجی

یکی از آیین‌های ویژه هنگام گردش سال شمسی،
خواندن «دعای تحويل سال» است. خانواده‌های ایرانی با
توجه به باورهای مذهبی خود، سر سال را قرآن به دست و
با دعای معروف «یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبّر اللیل
و النهار، یا محوّل الحول و الاحوال، حوّل حالنا الی أحسن
الحال» آغاز می‌کنند.

در کتاب‌های مشهور ادعیه، همچون اقبال الاعمال
سیدبن طاووس و مصباح المتبهجد شیخ طوسی، به دعای
تحويل سال اشاره‌ای نشده؛ اما علامه محمدباقر مجلسی
(۱۰۳۷-۱۱۱۵ ه.ق) در کتاب زادالمعاد در خصوص این دعا
گزارش می‌کند که در کتب غیر مشهور، روایت کرده‌اند که
در وقت تحويل سال بسیار بگویند: «یا ذا الجلال و الاکرام»
و بسیار بخوانید: «یا محوّل الحول و الاحوال، حوّل حالنا
الی احسن الحال» و به روایت دیگر: «یا مقلب القلوب و
الابصار، یا مدبّر اللیل و النهار، یا محوّل الحول و الاحوال،
حوّل حالنا الی أحسن الحال» بعضی ذکر کرده‌اند، این دعا
۳۶۶ مرتبه گفته شود.

عین این دعا در منابع مشهور نقل نشده است؛ ولی بعضی
از این عبارات‌ها و مشابه آنها در قرآن کریم و ادعیه معروف
آمده است که به ذکر چند مورد از آنها بسنده می‌کنیم.
مشابه عبارت «مقلب القلوب و الابصار» در این آیه شریفه
«يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» روزی که دل‌ها و
دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود «آمده که منظور، روز قیامت
است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که: «إذا
رَأَيْتُمُ الرَّبِيعَ فَأَكْثِرُوا ذِكْرَ الشُّورِ» هنگامی که بهار را دیدید
[فرار سید] بسیار به یاد قیامت باشید».

همچنین عبارت «یا مقلب القلوب» در دعای معروف
غریق: «یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت
قلبی علی دینک» در کتاب اعلام الوری باعلام الهدی
شیخ طبرسی^۱ و نیز در مصباح المتبهجد شیخ طوسی، در
ذیل تعقیبات نماز صبح آمده است: «اللهم مقلب القلوب
والأبصار...»^۲.

سید بن طاووس نیز در کتاب اقبال الاعمال می‌گوید:
«فمنها ما وجدناها فی کتب أصحابنا رحمهم الله العتیقة
)، وقد سقط منها أدعية لیل، و هو دعاء اللیلة الخامسة
عشر: سبحان مقلب القلوب و الابصار، سبحان مقلب اللیل

والنهار».

عبارت «مدبّر اللیل و النهار» نیز به عبارت قرآنی «يَقْدِرُ
اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ» شباهت دارد که در سوره مزمل آیه ۲۰ آمده
است.

برخی احتمال می‌دهند، دعای تحويل سال از دوران
صفوی با استفاده از ترکیبات عربی یا الگو برداری از
آنها ساخته و پرداخته شده است. ولی این احتمال
ضعیف است؛ چرا که این دعا در کتب قبل از مرحوم
علامه مجلسی - یعنی قبل از صفویه - نیز بوده
است؛ هر چند اینک آن کتب در دسترس نیستند.
نکته دیگر آنکه نمی‌توانیم دعای تحويل سال را به
طور قطع به معصومین استناد دهیم؛ ولی محتوای
آن هیچ منافاتی با معارف اهل بیت علیهم السلام ندارد. البته
قبول داریم که هر دعایی را نمی‌توان پذیرفت. با این حال
اهل بیت علیهم السلام راهکاری به شیعیان نشان داده‌اند تا آنها
خودسرانه برخی ادعیه را نخوانند.

در بررسی ادعیه‌ای که در کتب روایی آمده است و از لحاظ
سند به ظاهر ضعیف هستند، قاعده‌ای به نام «تسامح ادله»
در میان فقها رایج است. بسیاری از فقهاء دعاهایی را که
مضامین والا دارند و بارویات و عقاید شیعه قابل اثبات
هستند، بر اساس همین قاعده، تأیید می‌کنند.

مطلب پایانی آنکه مضمون دعای تحويل سال منافاتی با
تعالیم دینی ندارد و حتی با آن، کاملاً هماهنگ و منطبق
است. دعاهای دیگری از این دست داریم که سند محکمی
برای آنها ذکر نشده، اما به سبب مضامین عالی، علمای
دین آن را تأیید کرده‌اند. در مورد دعای تحويل سال نیز
شاهد هستیم که هیچ‌یک از علما مخالفتی با آن نکرده و
امام خمینی و رهبر معظم انقلاب، در پیام‌های نوروزی
خود، همواره آن را می‌خوانند که این کار، تأیید صحت
محتوای این دعا است.

پی‌نوشت

۱. محمدباقر مجلسی، زاد المعاد، ص ۴۶۰.

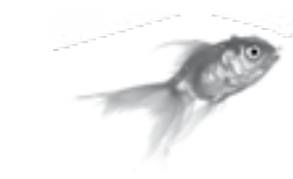
۲. نور: ۳۷.

۳. ابوبکر عتیق نیشابوری، تفسیر سورآبادی، ج ۲، ص ۱۸۹۸.

۴. طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۳۳۲.

۵. شیخ طوسی، مصباح المتبهجد، ص ۱۵۳.

۶. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۹۴.



در مورد دعای تحويل سال
نیز شاهد هستیم که هیچ‌یک
از علما مخالفتی با آن
نکرده و امام خمینی و رهبر
معظم انقلاب، در پیام‌های
نوروزی خود، همواره آن
را می‌خوانند که این کار،
تأیید صحت محتوای این
دعا است.



امام خوبی‌ها

محمدحسن جاویدی



ماه جمادی الآخر و هم‌زمان با میلاد فرخنده ناموس عالم هستی، حضرت زهرا (علیها السلام) فرزندنی چشم به جهان گشود که هیچ‌گاه از یاد جهانیان نخواهد رفت. شخصیتی که در تاریخ معاصر، بی‌گمان باید او را کم‌نظیر قلمداد کرد. سید روح‌الله مصطفوی مشهور به امام خمینی (قدس سره)، آن سلاله زهرا (علیها السلام) که خاطرات فراوانی از سلوک اخلاقی و اجتماعی‌اش نه‌تنها برای مردم ایران، بلکه جهانیان شنیدنی و ستودنی است. به همین مناسبت تلاش کردیم گوشه‌ای از زوایای زندگی آن پیر خردمند و معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران را نمایان کنیم که می‌تواند سرلوحه زندگی دنیایی و اخروی همه انسان‌های آزاده و متخلق به اخلاق الهی باشد.

نماز شب

پانزده‌ساله که شد، برای خود چراغی موشی تهیه کرد. نیمه‌های شب، به گوشه‌ای می‌رفت و مشغول راز و نیاز می‌شد. تمام تلاشش این بود که هیچ‌کس را بیدار نکند. از همان زمان مهم‌ترین التزامش، نماز شب بود. همسر ایشان تعریف می‌کند که هیچ‌گاه از نماز شب ایشان ما بیدار نشدیم؛ چرا که هیچ چراغی روشن نمی‌کردند، مبادا کسی اذیت شود. هنگام وضو، زیر شیر آب، ابر می‌گذاشتند تا صدای چکه آب، کسی را بیدار نکند.

حاج سیداحمد آقا تعریف می‌کند که در سفر تبعیدی از عراق به کویت رفتیم. برای عدم اطلاع دیگران، ساعت پنج صبح به راه افتادیم، اما در مرز کویت، به ما اجازه عبور ندادند. انتظار ما تا نیمه‌های شب طولانی شد، با این حال ما را به بصره برگرداندند.

خبرنگاری فرانسوی از امام می‌پرسد که، شایع شده است پل پول دارتر است، آیا این حرف درست است؟ امام در پاسخ با لبخندی می‌فرماید: من هیچ ندارم و هر آنچه دارم متعلق به مردم سرزمینم ایران است.

ساعت حدوداً دو نیمه‌شب بود که در بصره توانستیم جایی را برای استراحت بیابیم. مدتی نگذشت که دیدم ساعت پدوم، شروع به زنگ زدن کرد و ایشان برای نماز شب برخاستند. برای ما خیلی عجیب بود که این پیر مرد، پس از حدود ۲۲ ساعت بی‌خوابی، چگونه نماز شب خود را فراموش نکرده است.

اهمیت نماز

پس از فرار شاه، خبرنگاران مختلف به نوفل لوشاتو آمده بودند تا در مورد تحولات ایران و انقلاب مردم، از امام مصاحبه بگیرند. حدود چهارصد خبرنگار خارجی از تمام دنیا با دوربین‌های خود، مقابل منزل امام تجمع کرده بودند. به علت ازدحام زیاد، برنامه مصاحبه دیر شروع شد و قرار بر این شد که با توافق خبرنگاران، هر چند خبرنگار فقط یک سؤال بپرسند. هنوز چند سؤال پرسیده نشده بود که در میان تعجب حاضران، امام مجلس را ترک کردند. وقتی در خواست کردند که امام حداقل به چند پرسش دیگر پاسخ دهند، امام فرمودند: وقت نماز است. اصرار اطرافیان هم در ایشان اثری نداشت.

برای مردم

امام هیچ چیز را برای خود نمی‌خواست و تمام هم و غمش، مردم ایران بود که این مطلب را می‌توان در زندگی ساده و بی‌آلایش ایشان یافت. نقل کرده‌اند، خبرنگاری فرانسوی از امام می‌پرسد که، شایع شده است‌الله خمینی از شاه ایران هم پول دارتر است، آیا این حرف درست است؟ امام در پاسخ با لبخندی می‌فرماید:

من هیچ ندارم و هر آنچه دارم متعلق به مردم سرزمینم ایران است. یا آنکه نزدیکان امام نقل کرده‌اند که ایشان به شدت اطرافیان خود را از گرفتن مناصب حکومتی و حساس، منع می‌کردند. سخنشان همیشه این بود که دلم نمی‌خواهد، این احساس و توهم پیدا شود که به خاطر منسوب بودن به من، دخترم فلان پُست را گرفته است. ما انقلاب نکردیم که پُست بین خودمان تقسیم کنیم و اصلاً برای اینکه این شایعه در ذهن مردم به وجود نیاید دنبال این کارها نروید. هزار جور کار دیگر هست که می‌توانید آنها را انجام دهید.

رحما بینهم

مشی اجتماعی امام و روش زندگی مهربانانه ایشان با خانواده، از نکات ریز آموزشی ایشان در زندگانی بوده است که با تمام مشغله‌های فکری و حکومتی، هیچ‌گاه از آن غافل نمی‌شده‌اند. یکی از نوادگان ایشان تعریف می‌کند که ما وقت و بی‌وقت به اتاق ایشان می‌رفتیم. گاهی صبح، گاهی بعد از نماز مغرب و عشاء، گاهی بعد از ناهار و ...، اما اولین چیزی که از ایشان می‌دیدیم، لبخند ایشان بود. چنان با شادی و محبت پاسخ سلام می‌دادند که انگار دنیا را به ما داده بودند. هر کدام از نزدیکان هم به دیدار ایشان می‌رفت همین برخورد را می‌دید. شوخ‌طبعی ایشان هم برای ما جالب توجه بود. مثلاً یک‌بار که مسیح از جبهه آمده بود، امام به نوه خود فرمودند: تو که هنوز شهید نشدی، لااقل بنیاد شهید ما را یک سفر زیارتی سوریه ببرد.

امام در زندگی شخصی خود، سعی می‌کردند به دیگران امر نکنند. نقل می‌کنند که خانم امام بیشتر اوقات که وارد اتاق می‌شد، در رانمی‌بست و خود امام بلند می‌شدند و در رانمی‌بستند. ما

هیچ‌گاه ندیدیم که امام به ایشان بگوید در را ببند. حتی یک‌بار که ما اعتراض کردیم، ایشان فرمودند من حق ندارم به ایشان امر کنم!

رایحه خوش

آنها که امام را از نزدیک دیده بودند، ایشان را نمونه‌ای کامل از قناعت و ساده‌زیستی و زهد معرفی کرده‌اند که در تمام امور به اندک‌ها قناعت می‌کرد. اما آنچه در این میان جالب بود، توجه ایشان به خوش بو و معطر بودن فضای محل عبادت، درس و زندگی ایشان بوده است. تنها سوغاتی که امام با شوق و ذوق آن را انتخاب می‌کردند، عطر بوده است. فرزند امام نقل می‌کند، هر گاه وارد اتاق ایشان می‌شدیم، انگار به بهشت رفته بودیم. عطر دل‌انگیز ایشان همه ما را سرمست می‌کرد. بارها شده بود که ما پس از انجام کار منزل خدمت ایشان می‌رسیدیم و امام می‌فرمود: امروز فلان غذا را خوردید؟ ایشان با رفتار عملی خود و همچنین کنایه‌های محبت‌آمیز، ما را اثر غیب به پاکیزگی و خوش‌بویی می‌کردند.

تربیت نفس با عبادت

امام تمام زندگی را خلاصه در تربیت نفس می‌دانست. در کلاس درس همیشه طلاب جوان را نصیحت می‌فرمود که تا جوان هستی و خصلت‌های ناپسند در وجودتان ریشه ندوانده، عبادت کنید تا نطفستان تربیت شود. این سلامت نفس است که به درد شما می‌خورد.

نقل کرده‌اند امام روزی در مجلس درس خود در مسجد اعظم به قیر آیت الله بروجردی اشاره کرده و فرمودند: «نگاه بکنید آنچرا، این عکس بالا، عکس آقای بروجردی است که در حال

مطالعه است، در عکس پایین هم جنازه‌اش روی دست مردم است. یک خورده پایین‌تر (اشاره به قبر می‌کردند) آقای بروجردی زیر خاک است. آن چیزی که به درد آقای بروجردی می‌خورد، سلامت نفسی بود که آقای بروجردی داشت؛ والا این ریاست‌ها و این سر و صداها وقتی که انسان زیر خاک رفت دیگر به درد انسان نمی‌خورد».

امام تمام این نصایح را در زندگی خودش عملی ساخته بود. در تمام طول عمر پیر کتش، چیزی به اموالش نیفزود و تنها ملک شخصی و موروثی‌اش خرج زندگی‌شان را می‌داد. امام زندگی زاهدانه را به طلاب توصیه می‌کردند، اما زهد را پوشیدن لباس ژنده و خوار نمی‌دانستند. امام به طلبه‌ها توصیه می‌کرد که در عین حال که لباس مناسب می‌پوشید، قلب خود را آماده کنید که عمران آبادی قلب با معنویت و توجه به خدا به دست می‌آید. کسی که قلبش زاهد باشد، حق گو و حق شناس خواهد بود. یکی از نزدیکان زهد را پوشیدن لباس ژنده و خوار نمی‌دانستند. امام نقل می‌کند که ایشان به نوه‌اش می‌فرمود: اگر سعادت می‌خواهی برو آخوند شو، تا بتوانی از حق، همیشه دفاع کنی و مقابل باطل بایستی و از چیزی ترسی، حتی اگر برایت ناگوار باشد.

منابع

۱. الفتی پور، محمدعلی؛ حاشیه‌های مهم تراز متن؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
۲. بهتاش، بیدالله؛ چهل داستان، چهل حدیث و چهل نکته درباره نماز و نمازگزاران، سبحان، تهران، ۱۳۸۹.
۳. سبحانی‌نیا، محمدرضا؛ مهر و قهر؛ شنیدنی‌هایی از لطافت و صلاحیت‌ها در زندگی امام خمینی (قدس سره الشریف)؛ مرکز فرهنگی شهید مدرس، اصفهان، ۱۳۷۹. ۴. ستوده، امیررضا؛ پایه پای آفتاب؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی (قدس سره)؛ پنجره، تهران، ۱۳۷۷.
۵. رجائی، غلامعلی؛ برداشت‌هایی از سیره امام خمینی؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۱.



طلایه‌دار وحدت وهمدلی

نیم‌نگاهی به زندگانی آیت‌الله العظمی بروجردی

سید محسن باقی‌زاده

مطالعه زندگی بزرگان جهان تشیع، نه‌تنها می‌تواند چراغ روشنی برای انسان در معبرهای تاریک و خطرناک امروز باشد، بلکه نگاه دقیق به رفتار و منش ایشان در مناسبات دینی، اجتماعی، سیاسی و نحوه تعامل و تقابل ایشان با مسائل مختلف، می‌تواند سر مشقی مناسب در عرصه‌های مختلف باشد. از این رو در نظر داریم به بهانه سالروز درگذشت آیت‌الله بروجردی به بررسی سیره عملی این زعیم بلامنازع جهان تشیع بپردازیم.

جایگاه علمی

اشتیاق زایدالوصف ایشان به علم، مثال‌زدنی است. ایشان تا آخرین لحظات زندگی نیز دست از کسب معرفت برنداشت. در اواخر عمر، همچون جوانان، بیشتر وقت خود را صرف مطالعه می‌کرد. ایشان فرموده بود که: «من از مطالعات علمی خسته نمی‌شوم، بلکه هر گاه از کارهای دیگر خسته می‌شوم، با مطالعات علمی خستگی خود را رفع می‌کنم». از این رو حتی تا یک هفته به رحلت ایشان، در سشان برقرار بود.

مبارزه با خرافات

آیت‌الله بروجردی در همه جا وظیفه خود می‌دانست ساخت جامعه اسلامی را از لوث خرافه و اعمال منافی بیکتاپرستی پاک نماید. در این راه از هیچ کس و هیچ چیزی واهمه نداشت. نقل شده که روزی آخوندی در حرم امام رضا (علیه السلام) سجده افتاد، آقا با عصای خود محکم به او کوبید و گفت: «این چه کاری است می‌کنی؟ با این کار دو گناه مرتکب شدی: ۱. سجده برای غیر خدا. ۲. تو آخوندی اگر این کار را انجام دهی سب می‌شوی مردم هم آن را انجام دهند».

تلاش برای وحدت



البته گاهی به این هم اکتفا نمی نمود و فردا در کلاس در برابر همه، از فرد معذرت می خواست.

سخاوت

یکی از ویژگی های بارز آیت الله بروجردی سخاوت بود. ایشان به پیروی از کریم اهل بیت امام حسن (علیه السلام) کرامتی عجیب داشت. زمانی که در بروجرد ساکن بود، بخشی از املاک خود را فروخت. شخصی برای طلب کمک نزد آقای آید و ایشان دستور می دهد مبلغی را به آن فرد بدهند. ظاهر او کیل آقا پانگنی را که تمام پول املاک در آن بوده، به اشتباه به آن فرد می دهد. آن شخص چون به خانه می رود و مبلغ هنگفت را می بیند، به منزل ایشان بازمی گردد تا پول را پس دهد؛ اما ایشان آن را نمی پذیرد. همچنین نقل شده که شخصی سهم امام (علیه السلام) را نزد ایشان آورد و زمانی که پول در مقابل ایشان بود، بادی وزید و پول ها در میان طلاب پراکنده گردید. پس از آنکه طلاب پول ها را جمع آوری کردند، ایشان آن را نپذیرفت و فرمود: «پس نمی گیرم، پول به اهلس رسیده».

اهتمام به شوکت اسلام

آیت الله بروجردی وقتی متوجه شد زمین خریداری شده در هامبورگ در پایین شهر قرار دارد، به وکیل خود فرمود: «شنیدم در جای خوبی زمین نخریدید! همه ادیان ساختمان های مجلل دارند. بروید بالای شهر و در جای گران بخرید. فکر می کنید برای من می خرید؟ نخیر، برای امام زمان (علیه السلام) است. مسجد هامبورگ باید در محل آبرومندی باشد که مسلمانان تحقیر نشوند».

سلوک اخلاقی در اجتماع

حضور آیت الله بروجردی در ایران منشأ خدمات ارزنده ای شد؛ چرا که عمده دغدغه این مرجع بزرگ، آرامش مردم در زندگی بود. آیت الله بروجردی در همه حالات به مردم محبت داشت. در هنگام دستگیری، وقتی رضاشاه اصرار داشت ایشان خواسته اش را بگوید تا آن را اجابت کند، ایشان فرمود: «در این مدت که در ارکان حرب بودم، دیدم جیره سربازان کم است، دستور دهید اضافه کنند». شاه بسیار تعجب کرده بود که یک مرجع تقلید تا این حد به فکر مردم است.

کوشش در شناخت منش اخلاقی بزرگانی که حتی در سخت ترین شرایط زندگی این گونه بر اعمال خود دقت می کردند، می تواند چراغ پر نوری را فراروی سالکانی قرار دهد که هدایت را در حرکت در مسیر اولیاء الله جست و جو می کنند.

منبع

۱. چشم و چراغ مرجعیت: مصاحبه های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت الله بروجردی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۷۹.
۲. عبیری، عباس؛ آیت الله بروجردی، زعیم بزرگ (دیدار با ایرار ۱۰)؛ شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۸۰.
۳. علوی طباطبایی، خاطرات زندگی آیت الله العظمی بروجردی؛ اطلاعات، تهران، ۱۳۴۱.
۴. مطهری، مرتضی؛ مزایا و خدمات آیت الله بروجردی (شش مقاله)؛ صدرا، تهران، ۱۳۸۰.
۵. واعظ زاده خراسانی؛ خاطرات، زندگی آیت الله بروجردی؛ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.

به شیخ طوسی بسیار علاقه داشت و در مقابل انتقاد به ایشان می فرمود: «اگر لحظات عمر او را بر کارهایش تقسیم کنید، به هر مسئله ای بیش از پنج دقیقه نمی رسد با این پرکاری، طبیعی است خطا بکند».

و نقل شده زمانی که در مقبره آیت الله مؤسس درس می داد، وقتی متوجه شد طلبه ای به قبر حاج شیخ تکیه کرده است با تندی فرموده بود: «آقا به قبر تکیه نکنید. این بزرگان برای اسلام زحمت کشیده اند».

علاقه به نظافت

لباس هایش کهنه اما همیشه تمیز بود. ظاهری آراسته و مرتب داشت و خود و دیگران را ملزم به رعایت نظافت و آراستگی می کرد. زمانی که پروفیسور موریس برای معالجه ایشان از پاریس آمد، آقا اجازه ملاقات نداد و فرمود: «من رئیس اسلامم، اگر بیگانه ای مرا با وضع نامناسب ببیند، برای اسلام بد است».

پس از آنکه آقا محاسن خود را شانه زد، لباسی آراسته پوشید و وضع اتاق مرتب شد، این ملاقات صورت گرفت. پروفیسور موریس تحت تأثیر جذب ظاهری و معنوی آن مرد بزرگ گفته بود: «هیچ مقام روحانی تاکنون مرا تا این اندازه تحت تأثیر قرار نداده بود».

احترام به انمه اظهار

روزی جمعی به دیدار ایشان آمده بودند. شخصی از آنان گفت: «برای سلامتی امام زمان (علیه السلام) و آیت الله بروجردی صلوات». ایشان با عصبانیت از اندرونی خارج شد و فرمود: «این که بود که اسم مراد کتار نام مبارک امام زمان (علیه السلام) آورد؟ این مرد را بیرون کنید و دیگر راهش ندهید».

ادب

آیت الله بروجردی بسیار مؤدب بود. همیشه خود را ملزم به پوشیدن لباس مقدس روحانیت می دانست و بدون عمامه و قیادیده نمی شد. با آنکه در پاداش، دوز انومی نشست، پیشنهاد کردند که هنگام درس، روی منبر پای خود را روی پله پایین بگذارد؛ اما با تعجب فرمود: «آخر چطور ممکن است؟ آقایان تشریف دارند».

حاضر نبود در مقابل دیگران پای خود را دراز کند و در منزل کرسی کوچکی گذاشته بودند تا ایشان پای خود را به دور از دید عموم زیر آن دراز کند.

ایشان نسبت به شاگردان خود بسیار باادب بود. نقل شده که اگر در درس عصبانی می شد، بعد از درس از آن فرد عذر خواهی می نمود یا به او کمک مالی می کرد. در میان طلاب معروف بود که: «عصبانیت آیت الله بروجردی مایه برکت است!».

زعامت دینی آیت الله بروجردی در برهه ای بود که جنگ فرقه ها، پیکره جامعه اسلامی را فسرده بود؛ لذا ایشان دنبال وحدت بود، هیچ وقت در باره مباحث خلافت بحث نمی کرد و اعتقاد داشت: «مسئله خلافت، امروز مورد نیاز مسلمانان نیست که ما با هم دعوا کنیم، هر که بود امروز چه نتیجه ای به حال مسلمین دارد؟ امروز نه حکومت اسلامی هست و نه خلافتی، ما می توانیم حرف خود را به کرسی بنشانیم و بگویم مرجع مشکلات مردم، اهل بیت (علیهم السلام) هستند. حرف ما گوش شنوا در اهل سنت خواهد داشت».

یکی از اقدامات ایشان، سعی در تقریب مذاهب اسلامی بود؛ مثلاً در بحث لزوم سجده بر خاک که خاص امامیه است، ایشان نقش گنبد یا نام امام حسین (علیه السلام) بر مهر را مانع رسیدن پیشانی بر مهر می دانست و از آن پس بود که مهرهای صاف رایج شد. در آن زمان سجده بر گنبد و بارگاه بیشتر مورد اشکال اهل سنت و اتهام شیعه بوده و ایشان این مسئله را بدون برانگیختن عواطف مردم مطرح نمود و این رسم عوامانه را از میان برداشت تا راهی برای تقریب باشد.

با اعمال مصلحانه ایشان، شیعه به عنوان یکی از مذاهب بزرگ اسلامی در الأزهر مصر کرسی تدریس یافت، غبار از چهره حدیث ثقلین زوده شد و فرهنگ شیعه از حصار آهنین خودی و بیگانه رهایی یافت.

احترام به بزرگان

از قدما و متأخرین، با عظمت و احترام فوق العاده ای یاد می کرد و بی احترامی به آنان را به هیچ وجه بر نمی تابید. در میان بزرگان

روزی آخوندی در حرم امام رضا (علیه السلام) به سجده افتاد. آقا با عصای خود محکم به او کوبید و گفت: «این چه کاری است می کنی؟ با این کار دو گناه مرتکب شدی: ۱. سجده برای غیر خدا. ۲. تو آخوندی اگر این کار را انجام دهی سب می شوی مردم هم آن را انجام دهند».



مصاحبه با خانم دکتر زهرا امین مجد

بارقه امید برای ارزشمندی

به کوشش: مرتضی کاشانی

میلاذ دخت مکرّم پیامبر رحمت، زهرا (سلام الله علیها) ما را بر آن داشت گفت و گوی ميسوطفی راباسر کارخانم دکتر امین مجد، استاد و کارشناس حوزه زن داشته باشیم. ایشان دارای مدرک سطح ۴ حوزه، استاد حوزه و دانشگاه، عضو شورای علمی و تربیتی حوزه علمیه خواهران، مدیر گروه زنان و خانواده شبکه ولایت هستند. ایشان مقالات و پژوهش‌های متعددی درباره آسیب‌شناسی مسائل خانواده، زن در اسلام و غیره در کنفرانس‌های متعددی ارائه کرده‌اند که برخی از مقالات مهم ایشان عبارتند از: «الهیات جنسیتی؛ علمی برای پاسخگویی به شبهات»، «الگوی تقسیم جنسیتی نقش‌ها در خانواده»، «خانواده هسته‌ای از دیدگاه پارسونز».



از منظر انسان‌شناسی، قرآن و روایات چه دیدگاهی درباره زن دارند؟

با پژوهش و دقت نظر در نصوص قرآنی و روایی، اصل برابری زن و مرد در جایگاه انسانی به دست می‌آید. بر اساس تصریحات آیات قرآن و بر مبنای اجتهاد در گزاره‌های معرفتی، می‌توان گفت هیچ شکی در صحت این اصل نیست. برابری در انسانیت مسلماً نیازمند یک تعریف دقیق فلسفی و منطقی است. هم زن و هم مرد دارای یک جنس و فصل مشترک هستند و هر دو به عنوان حیوان ناطق شناخته می‌شوند. برخی از فلاسفه در طول تاریخ معتقد بودند که زنان، نیمه‌انسان یا حیوان‌اند. این در حالی است که هرگز هیچ فصلی در کنار حیوان بودن (فلسفی) برای زن ارائه نکرده‌اند. به این ترتیب، سر قلم استدلال آنها شکسته است. پس در میان انواع حیوانی، زنان به جز در نوع انسان قابل دسته‌بندی نیستند.

در قرآن کریم، به صراحت، هر گونه تأثیری از سوی نژاد، طبقه، قومیت و جنسیت در کرامت و ارزشمندی ذاتی انسان‌ها نفی می‌گردد. علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه ۱۳ سوره حجرات، با طرح این قول که مراد از ذکر و انثی در آیه شریفه، مطلق زن و مرد است (نه فقط آدم و حوا)، آن را وجیه دانسته، بر اساس آن، مطلق تفاضل بین انسان‌ها را مردود می‌شمارد. تفاضلات ظاهری بین انسان‌ها، از جمله در سفیدی و سیاهی رنگ چهره، فقر و غنا، عرب یا عجم بودن، و زن یا مرد بودن، به خاطر تعارف بین انسان‌ها و قوام یافتن اجتماع، و نه به دلیل کرامت و فضیلت ذاتی دسته‌ای نسبت به دسته دیگر است.

البته در باب برابری زن و مرد در جایگاه انسانی از دیدگاه اسلام، دو شبهه اساسی مطرح شده است. اولین اشکال، طفیلی بودن زن است. برخی با آنکه زن را انسان می‌دانند، بنا به دلایلی او را موجود درجه دوم و طفیلی مرد قلمداد می‌کنند. آیاتی از قبیل «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» بر اساس بعضیه دانستن «من» در آنها و نیز روایاتی که خلقت زن را از دنده چپ مرد می‌دانند، از جمله دلایل این افرادند.

اشکال دوم نیز نابرابری زن و مرد در اقتضات و موهوبات انسانی است. یکی از اساسی‌ترین ابزارهای تکوینی هدایت، پیمودن مسیر کمال و دستیابی به سعادت، عقل است. عده‌ای، بر اساس برخی روایات تقیصی در این باب، قائل به نقصان عقل زنان شده‌اند. منشأ هر دو اشکال، کج فهمی متون اسلامی است.

درباره هر دو اشکال پاسخ‌های تفصیلی جدی‌ای می‌توان ارائه نمود که در این مجال به ذکر مختصر برخی از آنها می‌پردازیم. طفیلی بودن زنان، بعضاً از آیاتی نظیر «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» برداشت شده است. کسانی که چنین برداشتی کرده‌اند، روایاتی را که بیان می‌دارد «خلقت زن از دنده چپ مرد» است، مؤید و مفسر این آیه قلمداد کرده و در تفسیر آیه معتقدند که زن از مرد خلق شده است.

این گونه برداشت از این آیات و روایات، به‌طور کامل مردود و ناصحیح است؛ زیرا در مقابل این برداشت‌های اشتباه، روایات صحیح‌السندی وجود دارد. مانند روایتی که در آن از امام صادق (ع) در مورد صحت این

ادعا که حوا از دنده چپ آدم آفریده شده، سؤال شد. حضرت فرمودند: «خدا از این نسبت منزّه و پاک است. آیا می‌توان گفت که خداوند توان نداشت برای آدم همسری بیافریند که از دنده چپ او نباشد و راهی برای سخن ملامتگران باز گذارد که بگویند انسان با بخشی از بدن خویش ازدواج می‌کند! چرا چنین حکم کند. خداوند میان ما و آنان [مدعیان این مطلب، از عامه] داوری کند... خداوند آدم را از خاک آفرید، آنگاه حوا را برای او خلق کرد»^۱.

شاید به زبان علم ژنتیک، امام صادق (ع) اشاره به «مشکلات ژنتیکی» در این فرض می‌کنند؛ زیرا تفاوت زن و مرد به لحاظ ژنتیکی به شکلی است که به هیچ عنوان امکان ندارد همه کروموزم‌های آنها مثل هم باشد. در صورتی که اگر قائل به خلقت زن از دنده چپ مرد باشیم، به ناچار باید به این مسئله نیز اعتقاد پیدا کنیم که زن و مرد از نظر ژنتیکی برابر هستند. لذا این روایات صحیح‌السند ناقض چنین ادعایی هستند. از طرف دیگر، روایاتی که خلقت زن از دنده چپ مرد را بیان می‌کنند، نه تنها ضعیف‌السند هستند، بلکه حداکثر خلقت حضرت حوا از آدم را مطرح می‌کنند و در واقع، تأخر زمانی را مطرح می‌کنند؛ نه تأخر ژنتیکی نسبت به مرد را. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی، اگر در این مسئله تأخر ژنتیکی را قبول کنیم، در هر نسلی امتیاز و نسبت رتبه خلقت باید تنزل پیدا کند و به همین صورت، نسل به نسل باید شاهد این تنزل درجه باشیم و از انسان بودگی‌شان کمتر شود، که به هیچ عنوان این‌طور نیست. لذا حداکثر معنایی که می‌توان از این دست روایات برداشت کرد، تأخر زمانی خلقت زن نسبت به مرد است که هیچ‌گونه برتری و عدم برتری بر یکدیگر ندارند. به علاوه، باید توجه کرد که این تأخر زمانی فقط متوجه حضرت حوا نسبت به حضرت آدم است. البته این تأخر زمانی دارای حکمت و قاعده الهی بسیار ظریف و لطیفی است که در طول آفرینش هرگز از آن تخلف نشده است. آن قاعده این است که باید همیشه حجت خداوند بر روی زمین باشد؛ لذا حضرت آدم (ع) زودتر از حضرت حوا آفریده شد. به نظر اینجانب این نکته یکی از مهم‌ترین پاسخ‌ها به شبهات این باب است.

از آنجایی که روایات بیان‌گر خلقت زن از مرد، در متون مقدس یهودیت و مسیحیت و به خصوص در عهدین و در میتولوژی خلقت ذکر شده، خود نشانه‌ای بارز از تقویت احتمال اسرائیلی بودن این دسته روایات است. به عبارت دیگر این تصویرسازی یهودی-مسیحی از زن، در حوزه جعل و تحریف روایات اسلامی هم دیده می‌شود که روایاتی نظیر روایت امام صادق (ع) در مقابل آن است.

همچنین با نگاه تفسیری به آیه «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» در می‌یابیم که حرف «من» «جنسیه» است؛ نه «بعضیه». علامه طباطبایی تصریح به این معنی کرده‌اند و در آیات دیگر قرآن نیز قرائنی وجود دارد که نشان‌دهنده این معنی است. مانند اینکه آیات مربوط به خلقت ازواج، دقیقاً به همان سیاق و لسان آیات مربوط به خلقت حوا هستند. پس اگر من را در دسته دوم، بعضیه بدانیم، در دسته اول هم باید

به آن ملتزم شویم و فساد این تالی، واضح است؛ زیرا هیچ کس قائل نیست که هر زنی در هر زمانی از بخشی از جسم مردی خلق شده است. همچنین باز هم به قرینه وحدت سیاق، آن هم در عبارت واحد، در آیه «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ نِیِّیْنَ وَحَفَدَةً»^۲ باید ملتزم شویم که فرزندان و نوه‌ها از زنان خلق شده‌اند (همان‌طور که زنان از مردان خلق شده‌اند)، در حالی که قطعاً کسی به این تالی فاسد ملتزم نیست.

وقتی به منابع علمی کلاسیک حتی به فلسفه غرب مراجعه می‌شود، در می‌یابیم که بسیاری از آنان، به هیچ وجه زن را یک انسان کامل نمی‌دانستند و حتی گاهی به زن، همچون حیوان می‌نگریستند و وجود او را فقط برای ادامه نسل بشر ضروری می‌دانستند. اعراب صدر نزول قرآن نیز زنان را در پروسه خلقت و تولد فرزندان، در حد «وعاء و ظرف» می‌دانستند و هیچ نقش فاعلی و مستقیمی برای آنها در پروسه زادآوری قائل نبودند. اما خداوند، با این آیات بیان می‌کند که اولاً زنان از جنس خود شما هستند. دوم اینکه به واسطه بیان مهمی که در «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ»^۳ وجود دارد، زنان را به زمین کشاورزی تشبیه می‌کند و در حقیقت بیان می‌دارد که در جریان تولید مثل، زن نقش زمین را دارد که نقشی برابر با بذر و نطفه اولیه است.

از طرف دیگر آیاتی در قرآن وجود دارد که نظریه عدم برابری زنان و مردان را با قاطعیت رد کرده است. این آیات بیان‌گر برابری زنان و مردان در دستیابی به «سعادت» هستند. در آیه «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثٰی وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَیٰةً طَيِّبَةً»^۴ خداوند به وضوح تصریح می‌کند زن یا مرد، اگر مؤمن باشند، و مطابق قوانین شریعت زیست نمایند، به حیات طیبه‌ای که بالاترین درجه کمال است، دست پیدا می‌کنند. این دست آیات به تمام شبهاتی که در این رابطه به اسلام نسبت داده شده است، ضربه جدی می‌زند. بر اساس این آیه نه تنها زنان و مردان در جایگاه انسانی برابر هستند، بلکه از «جایگاه ارزشی» یکسانی نیز برخوردارند.

به نکته خوبی اشاره کردید. لطفاً جایگاه ارزشی زنان و مردان را در نظام فکری غرب و منظومه فکری اسلام مقایسه کنید.

در مورد جایگاه ارزشی زنان سه دیدگاه وجود دارد. برخی جایگاه زنان را فراتر از مردان می‌دانند؛ مانند فمینیست‌های ذات‌گرا. برخی دیگر مانند فلاسفه کلاسیک غرب این جایگاه را فراتر می‌دانند. البته بعضی نیز قائل به برابری هستند. تاریخ فلسفه غرب نشان می‌دهد که در هر برهه‌ای از تاریخ، فلاسفه نتیجه‌گرا، فضیلت‌گرا و حتی فلاسفه وظیفه‌گرا از زمان سقراط و افلاطون تا کانت و حتی بعد از آن، جایگاه ارزشی زنان را نسبت به مردان فروتر می‌دانستند. برای مثال وقتی به تیپولوژی افلاطون نگاه کنیم، وی جامعه را به سه دسته طلاگون، نقره‌گون و برنزگون تقسیم می‌کند و معتقد است انسان در هر صورت در یکی از این سه دسته قرار می‌گیرد. دسته اول پادشاهان و فلاسفه، دسته دوم نظامیان و دسته سوم رعایا و کارگران هستند. وی معتقد است کسی

توان تخلف از این رتبه‌بندی ارزشی را ندارد. آنگاه به همین قاطعیت زن را به لحاظ ذات در رتبه‌ای فروتر از مرد قرار می‌دهد. تاریخ علم، تاریخ حیات اجتماعی انسان و حتی تاریخ سیاسی - چه در دوران فتودالیت، چه در دوران بورژوازی و چه در سرمایه‌داری نوین - نشان می‌دهد همواره جایگاه زنان نسبت به مردان فروتر تصویر می‌شده است. در این میان اسلام به عنوان دین خاتم و دینی که صورت کمال یافته تمامی ادیان دیگر است، این اندیشه را مطرح می‌کند که زنان و مردان در جایگاه ارزشی با یکدیگر برابر هستند.

معیار ارزشمندی در هر مکتبی را نگرش آن مکتب به غایت حیات و هدف از زندگی تبیین می‌نماید. اندیشه‌های ماده‌گرا، ارزشمندی را با قدرت و توانایی بهره‌گیری بهتر و بیشتر از منابع و نیز منزلت اجتماعی پیوند می‌زنند. کمال‌گرایان و غایت‌باوران، ارزشمندی را در رسیدن هر چه بیشتر به کمال و حرکت در مسیر غایت می‌دانند. در اینجا برداشت‌های متفاوتی از مفهوم کمال و غایت، نحله‌های مختلف را شکل می‌دهد. معیار ارزشمندی از دیدگاه اسلام نیز با مفهوم کمال و رسیدن به غایت گره خورده است. کمال حقیقی از نظر اسلام رسیدن به مقام انسان کامل است. غایت نیز رسیدن به سعادت اخروی به واسطه جلب رضایت پروردگار است. هر چه فرد به مراتب عالی‌تری از کمال برسد و به نحوی زندگی نماید که به سعادت حقیقی نزدیک‌تر شود، از دیدگاه اسلام و از نظر پروردگار ارزشمندتر است. ابزار رسیدن به سعادت نیز در متون اسلامی معرفی شده است: ایمان، عمل صالح و عمل طبق موازین اخلاقی، عناوینی خلاصه و مشیر به همه لوازم رسیدن به سعادت‌اند. پس چنانچه ملاحظه می‌شود، جنسیت در معیار ارزشمندی در اسلام دخالت ندارد.^۷

یکی دیگر از شبهات موجود در بحث جایگاه و منزلت زن در اسلام، نقصان عقل زنان است. روایات مشهوری در اسلام در این زمینه وجود دارد؛ مانند خطبه هشتاد حضرت امیر المؤمنین. چه توضیحی برای این موارد وجود دارد؟

ابتدا باید تأکید کرد که یکی از خلأهای موجود در حوزه کلام (به معنای موسع آن)، بررسی نکردن اجتهادی روایات کلامی است. توضیح آنکه به محض مواجهه با روایات فقهی نمی‌توان آنها را به شریعت نسبت داد و از آنها حکم فقهی استخراج کرد. آیات و روایات کلامی نیز این چنین است و باید روش اجتهادی مناسب برای مباحث کلامی مد نظر باشد تا براساس آن، روایات غیر فقهی بررسی شود. در مورد روایات فقهی، اصطلاحاً موراز ماست می‌کشیم - و البته باید چنین کرد - اما در روایات کلامی، با اینکه مشکلات فراوانی برای دین درست شده و بعضاً موجب وهن دین شده، باز هم بر اساس پارادایم اجتهادی با روایات باب معارف برخورد نمی‌کنیم.

روایاتی که به نقصان عقل زنان اشاره دارند، بر اساس بررسی سندی دچار ضعف هستند. این در حالی است که حجیت ظن فقط شامل گزاره‌های فقهی است و در باب معارف جریان نمی‌یابد. البته پاسخ‌های جدی‌ای بر فرض قبول سسند این روایات وجود دارد که غالباً حول دو محور اساسی «نقص» و «عقل» و تفسیر و توضیح آن‌اند. حاصل همه آنها این است که عقل لازمه دستیابی به کمال، در زنان کمتر از مردان نیست.

اما درباره تعبیر موجود در خطبه هشتاد نهج البلاغه که غالباً برای اثبات نقصان عقل زنان از دیدگاه اسلام مطرح می‌شود، نکته‌ای وجود دارد که

به حل مسئله بسیار کمک می‌کند. امیر المؤمنین علیه السلام در این خطبه به نقصان عقل زنان، در کنار نقصان ایمان و حظ آنان اشاره کرده و در انتها برای سخن خود تعلیل آورده‌اند. در مورد نقصان عقل، سخنان خود را به آیه‌ای از قرآن ارجاع می‌دهند که در مورد شهادت زنان در موضوعات مالی است، مبنی بر اینکه شهادت دو زن، برابر با یک مرد است.

اولاً قطعی است که قرآن شهادت زن را پذیرفته است. دوم اینکه این مسئله به دلیل روان‌شناختی بیان شده است؛ یعنی به همان اندازه که قدرت توجه زنان به چندین موضوع در یک زمان زیاد است، به همان اندازه احتمال فراموش کردن آن یا توجه نکردن به برخی جزئیات آن وجود دارد؛ چه اینکه در ادامه آیه، خداوند مسئله احتمال فراموشی را در مورد زنان مطرح می‌کند. علت شهادت دو زن این است که اگر یکی از زنان مسئله‌ای را فراموش کرد، دیگری بتواند فراموشی او را جبران کند. چنانچه در این آیه موضوع نقصان عقل زن مطرح بود، دیگر تکمیل شهادت یک زن توسط دیگری معنا نداشت؛ زیرا اگر زن نمی‌فهمید و عقل او به تنهایی نمی‌توانست در کی از موضوع داشته باشد، قطعاً با تعداد بیشتر نیز این نقصان بر طرف نمی‌شد. پس موضوع تکمیل و تتمیم شهادت با وجود دو زن، نشان‌دهنده این است که هر دو زن قوه عاقله کامل دارند، ولی به دلیلی، ممکن است بعضی از جزئیات واقعه را فراموش کنند.

در همین خطبه، حضرت دلیل نقصان ایمان زنان را خواندن نماز و ساقط شدن روزه در ایام طمٹ می‌دانند. اولاً زنان چندین سال زودتر از مردان به سن تکلیف می‌رسند. ثانیاً در زمان قاعدگی، به آنها توصیه شده است که در محل عبادت خود بنشینند و عبادت کنند. از آنجا که سیستم محاسبه در اسلام پاداش‌محور است، و از طرفی در اعطای پاداش، پروردگار قصد مسامحه داشته، پس فرقی بین قیام به نماز و نشستن در محل عبادت نیست. به علاوه مسئله، اطاعت و تبعیت محض است؛ حال این اطاعت نتیجه‌اش قیام باشد یا قعود. ضمن اینکه قضای روزه‌ها نیز بر عهده زنان است. چه طو ممکن است حضرت امیر علیه السلام به این واضحیات توجه نداشته باشند؟ پس می‌توان یقین حاصل کرد که ایشان در این سخنان به دلیل خاصی نقصان عقل و ایمان و حظ زن را بیان کرده‌اند و آن، برخورد از باب جدل با خصم است؛ یعنی خطاب به اعراب حاضر در جمل می‌فرمایند که ای کسانی که زن را دچار نقصان عقل و ایمان و حظ می‌دانید، چطور به دنبال یک زن به راه افتاده و جنگ جمل را به راه انداخته‌اید؟! در واقع ایشان در اینجا از شیوه جدل بهره برده‌اند که در آن از مقدمات خصم استفاده می‌شود. ایشان با استفاده از همین مقدمات باطل آنها را محکوم می‌کنند.

قرآن شئون از دست رفته زنان در عصر جاهلی را چگونه احیا کرد؟

قبل از پاسخ به این پرسش، باید تصریح کرد در دورانی که اسلام سر بر آورد، ادیان تحریف شده، متون و کتاب‌های مقدس و همچنین بیشتر جوامع، نگاهی تحقیرآمیز به زن داشتند. اسلام به دنبال تغییر این نگاه و به نوعی چرخش اعتقادی و فرهنگی جوامع بود. در دوران جاهلیت، زن تقریباً هیچ ارزشی نداشت؛ به طوری که هنگامی که می‌فهمیدند فرزندشان دختر است، چهره آنها متقلب می‌شد و دختر خود را زنده به گور می‌کردند. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ». ۸. قرآن به شدت با فرهنگ دختر کشی مبارزه کرد؛ چرا که جان زن از نظر قرآن محترم است و در صیانت از ذات، زن

و مرد هیچ فرقی ندارند.

اسلام برابری جایگاه زنان و مردان را به لحاظ انسانی و ارزشی مطرح کرد. البته بر اساس تناسب میان تکوین و تشریح، علاوه بر اشتراکات اساسی میان زن و مرد، تفاوت‌هایی متناسب با همان ویژگی‌های تکوینی، میان احکام تشریحی آنان وجود دارد؛ لذا احکام در پاره‌ای موارد جنسیتی است. بر این اساس اگر زیبایی و ظرافت در زنان بیشتر است، اسلام منظومه عفت‌ورزی و به طور مشخص عنصر حجاب را در این منظومه برای زنان با شدت بیشتری همراه نموده است. یا مثلاً اگر مردان از لحاظ فیزیکی مقاوم‌ترند و قدرت جسمی بیشتری دارند، تنظیم مسائل اقتصادی خانواده و نان‌آوری بر عهده آنان است.

بر مبنای نگاه اسلام به برابری زن و مرد در انسانیت، سایر حقوق اساسی نیز برای هر دو به طور جدی پاس داشته شده است. مثلاً آبروی افراد اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در این میان از دیدگاه اسلام، تفاوتی میان زنان و مردان وجود ندارد. به مسئله افک، قذف، و تهمت به مؤمنات غافلات - به تعبیر آیه شریفه - در ادبیات قرآن توجه فرمایید تا اهمیت حفظ آبروی زن مسلمان برایتان مکشوف شود.

همچنین اسلام با مدیریت مناسب مربوط به حوزه عفت، با ایجاد منظومه عفت (که شامل اجزای عفت و جزئیاتی همچون عدم تبرج، توجه به محتوای کلام، راه رفتن و زهواست) بیان می‌دارد که لازم است زن مسلمان مزه‌هوه باشد؛ یعنی رفتاری بزرگ‌منشانه و باوقار در برخورد با نامحرم داشته باشد، و متبرج نباشد تا بدین ترتیب فرصت حضور اجتماعی سالم و بدون اتکا به جذابیت‌های جنسی برای او فراهم شود. پس این گونه حق تعلیم و حضور سالم اجتماعی برای او فراهم می‌گردد. ۵. به مطالب خوبی اشاره فرمودید و از زاویه جدیدی به آیات و روایات نگاه کردید. آخرین پرسش ما این است که اسلام چه دیدگاهی درباره «آزادی زن» دارد؟

از نظر اسلام آزادی زن یعنی بر طرف کردن موانع دستیابی به کمال و ممانعت از نگاه ابزاری به زن. این دیدگاه در تضاد کامل با دیدگاه لیبرالیستی است. اسلام در حلقان فکری جاهلیت، حقوق زن را به عنوان حقوق انسانی مطرح می‌کند و از جمله این حقوق، آزادی است؛ البته با معنایی که برای آن ذکر کردیم.

در پایان این نکته را خاطر نشان می‌شوم که نظام مردسالار سرمایه‌داری هرگز نمی‌خواهد در کنار خود در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، شریکی داشته باشد و همواره به دنبال تحقیر و تنزل رتبه زنان در جامعه بوده؛ متتها در هر دوره‌ای این تحقیر و تنقیص زنان به گونه‌ای بوده است. در دوره‌ای زن انسان محسوب نمی‌شد، و در دوره‌ای، به نام برابری، مورد اقسام فروترانگاری، سوءاستفاده جنسی، تحقیر و ستم واقع شد. هدف این سیستم از مطرح کردن بحث آزادی زن، افزایش میزان دسترسی آسان و ارزان مردان به زنان است.

پی‌نوشت

۱. روز: ۲۱.
۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۵۲، ب ۲۸، ج ۱.
۳. همان، ص ۱۳، ب ۱، ج ۱.
۴. نحل: ۲۲.
۵. بقره: ۲۲۳.
۶. نحل: ۹۷.
۷. در این باره رک: زهرا امین مجد، «معیار ارزشمندی از دیدگاه اسلام»، کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده، ص ۳۵۷.
۸. نحل: ۵۸.



رواق ◀ ادیان شرق

بی‌اراده در آیین

علیرضا میرجلیلی

همان‌طور که در شماره گذشته گفته شد،^۱ پس از دوران وده‌ای و با ظهور برهمنان، نقش مذهبی و علمی زنان در اجرای مراسم نذر و قربانی به شدت رنگ باخت و فاصله ارزشی میان زن و مرد رو به فزونی نهاد؛ به گونه‌ای که حتی آداب مذهبی به عنوان ابزاری برای تولد پسر، مورد استفاده قرار می‌گرفت. از این زمان به بعد عملاً زنان از آموزش متون مقدس محروم و بالتبع، جواز حضور آنان در مراسم مذهبی باطل شد. در این دوره شاهد جفای بسیار در احکام و آداب زندگانی در مورد زنان در آیین هندوئیسم هستیم

زن به مثابه یک ملک

تغییر نگرش هندوها از پدرشاهی به مردسالاری در این دوره اتفاق می‌افتد و زن در این میان، تبدیل به یک موجود کاملاً بی‌اراده و تابع می‌شود. هر چند که دوست‌داشتنی نامیده می‌شود، ولی در حقیقت وجودی پست را دارا است. بنابراین زن در کودکی تابع پدر، پس از آن شوهر و در صورت



مرگ شوهر، تابع پسر بوده و هیچ‌گاه مستقل نبوده است. آما در همان حال شاهد هستیم که مردان در زمینه‌های مختلف همچون هنر، ادبیات، رقص، موسیقی و نظیر آن آزاد بوده‌اند. زن به تدرج موقعیت و جایگاه پایین‌تری نسبت به مرد پیدا کرد و به عنوان مانعی بر سر راه پیشرفت و رشد عقلانی مرد تلقی و حتی با او به عنوان ملک و دارایی رفتار شد.^۲

این نوع نگاه را باید در مبانی قانون «هنوسمرتی» جستجو کرد، که

مسجد
شماره ۱۸۳
فروردین ماه
۱۳۹۴

۲۷





مجاور اهریمن

دانیال نعیمی



کرده و چهره خود را آرایش نمایند، در کتاب ارداویراف نامه آمده: «دیدم که از انگشتان زنان بدکار که روی و موی آرایش می کردند خون و چرک بیرون می آمد و از چشمان آنان نیز گرم». در باره تصدی گری امور مذهبی، آمده است زنان بعد از یائسه شدن می توانستند مقام نگهداری از آتش مقدس را عهده دار شوند و مجاز به مدیریت تشریفات مذهبی نیز بودند. علاوه بر این در کتاب دینکرد به توانایی زنان در امر قضاوت اشاره شده است.

در امور سیاسی به محدودیتی برای مشارکت زنان اشاره نشده؛ هر چند به نظر می رسد تا زمانی که مردان لایق وجود داشتند، نوبت به زنان نمی رسید.

امور شخصی و احکام فردی

در رابطه با احکام شخصی برای زنان در دین زرتشت قوانین سخت، پیچیده و گاه عجیب وجود دارد. به عنوان نمونه: در این دین با توجه به

از متون دینی آیین زرتشت به خوبی پیاداست که این دین دارای یک نظام فقهی مدون بوده و در زمینه های گوناگون شرعی، به بیان تکالیف پیروان خود پرداخته است. در این میان احکام مربوط به زنان در حوزه های مختلف قابل توجه است که در این نوشتار به صورت اجمالی به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

امور اجتماعی و سیاسی

به طور کلی می توان گفت در آیین زرتشت منعی برای حضور اجتماعی زنان وجود ندارد. به عنوان نمونه زنان مانند مردان باید از حق آموزش برخوردار باشند و حتی وظیفه آموزش کودکان در خانه به عهده زنان گذاشته شده است. اساساً یزد چیستا که الاهی دانایی و معرفت و موکل علم و دانش، در اوستا گاهی به صورت الهه و زن تصویر می شود.

مسئله دیگر نوع پوشش و حجاب زنان است. در تعلیم زرتشتی، تأکید شده، زنان نباید خود آرای

گرفته نمی شد، بنابراین زنان اساساً از ارث محروم بودند. اوضاع زمانی وخیم تر می شد که خود زن به عنوان مادرک و ارثیه میان بازماندگان تقسیم می شد.

بنابر قوانین هندوئیسم، ارث به کسانی تعلق می گرفت که از نظر آیین، می توانستند خیرات و میراث برای متوفی داشته باشند و به همین سبب زن از داشتن ارث، کنار گذاشته می شد. در یک قانون کلی در منو، زن همچون بردگان، استحقاق کمک مالی را نداشته و سزاوار داشتن اموال نیست و فقط می تواند چیز به و هدایای ازدواجش را تملک نماید. زن در متون فقط حق حیات دارد و از دیگر امور جاری و اجتماعی محروم بوده است.^{۱۶} در قرن نوزدهم قوانین کشوری هندوستان، تلاش بسیاری می کند تا این محرومیت ظالمانه زنان را تغییر دهد، اما همچنان دیده می شود که در شهرهای کوچک و روستاها، زنان عملاً از ارث و حتی مالکیت محروم هستند.^{۱۷}

پی نوشت

۱. مقاله «زن در قفس آیینی سخت»، شماره ۱۸۲، مسجد.
۲. جین هولم و جان بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، ص ۱۲۱.
۳. Buhler, George (۲۰۰۱). sarced laws of the Aryas, part ۲. Dehli: Max muller. motilal Banasidass, vol ۲۵, pp ۱۲۵.
۴. Chatterjee Nath, Krishna (۱۹۷۲). Hindu marriage past and present. visvabharati santiniketan. Taka publication varabasi.
۵. فتحیه فتاحی زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، ص ۲۷-۲۹.
۶. جین هولم و جان بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، ص ۱۳۷.
۷. جین هولم و جان بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، ص ۱۳۵.
۸. Sharon, M. Diane (۱۹۹۹). marriage and singleness in Judaism and Christianity and Islam. serenity young. New York: Macmillan Reference USA. vol. ۲. pp ۶۱۸.
۹. سیمین ویتمن، آیین هندو، ترجمه علی موحدیان عطار، ص ۸۶.
۱۰. جان بی. ناس، تاریخ جامع ادیان (ادیان بشر)، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۱۳۰.
۱۱. منو، ۱۴۵:۲.
۱۲. جین هولم و جان بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، ص ۱۳۶.
۱۳. علی ربانی خلخالی، زن از دیدگاه اسلام، ص ۲۵.
۱۴. Hawley, John C. (۱۹۹۴). Sati, the blessing and the curse: the burning of wives in India. Oxford [Oxfordshire]: Oxford University Press. pp. ۱۶۶, ۱۰۲.
۱۵. ویل و آریل دوران، تاریخ تمدن، ج ۱ (مشرق زمین، گاهواره تمدن)، مترجمان: احمد آرام، ع. پاشایی، امیرحسین آریان پور، ص ۷۶.
۱۶. ابوخلیل شوقی، اسلام در زندان اتهام، ترجمه حسن اکبری مرزنگ، ص ۴۴۲؛ جین هولم و جان بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، ص ۱۳۵.
۱۷. جین هولم و جان بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، ص ۱۴۵؛ سی بل شاتوک، دین هندو، ترجمه حسن افشار، ص ۱۴۸.



ازدواج و رسم ساتی

باز هم در آن دوره، خدمت به شوهر هم طراز یادگیری آیین دینی است و زنان در به جای آوردن آیین دینی تابع شوهرشان بودند.^۸ بر اساس قوانین منو، یک زن عقیف باید همواره خالصانه به همسرش خدمت کند؛ همان طور که خدایان را عبادت می کند. در این میان حتی اگر مردی بازن خود رفتاری بد داشته و به دنبال امیال نفسانی خود باشد، باز هم زن نمی تواند از خدمت مردش، سرباززند.^۹

در نگاه هندوها، ازدواج امری بسیار مهم تلقی می شد و هیچ گاه برای زنان قابل تجدید نمی دانستند.^{۱۰} بنابراین با این مینا، زن مطیع، کنیز و همیشه در خدمت مرد بود پس از مرگ شوهرش هم نمی توانست دوباره ازدواج کند.^{۱۱} هر چند زن در منوها، در مقام مادر، شأنی والا تر از معلم و حتی مادر دارد^{۱۲} و آموزگار فرزندان محسوب می شود، اما این مقام زمانی اوج می گیرد که زن، فرزندی پسر به دنیا آورد.^{۱۳} بر این اساس اولین و مهم ترین وظیفه زن، مادر شدن و تولید فرزندان پسر بوده و هر گونه تخطی از این مهم، زن را مجرم و مستحق عقوبت می کرده است. نکته مهم در زندگی زناشویی، تکلیف زن در مسئله مرگ شوهر بوده است. تا همین دوره های اخیر، ازدواج مجدد بیوه، به شدت قبیح بوده و زن پس از مرگ شوهرش، مجبور بود خود را فدای او بکند و خود را زنده زنده همراه شوهرش بسوزاند.^{۱۴}

ظاهراً در آغاز، برهمنان با این رسم مخالف بوده اند، اما بعدها آن را پذیرفته و برای آن نوعی ضمانت دینی تراشیدند؛ بدین صورت که ازدواج را پیوندی ابدی نامیده و قائل شدند که اگر زنی با مردی ازدواج کرد تا ابد باید با او بماند و در زندگانی بعدی هم باید همراه او باشد.^{۱۵}

ارث

در آیین هندوئیسم، هیچ گونه ملکیتی برای زن در نظر

زن را سرچشمه ننگ و ستیز ذکر کرده و مردمان را به پرهیز از آنان واداشته است.^۵ طبق قوانین منو، زن باید شوهرش را با فروتنی، «آقا»، «سرو» و حتی «خدای من» خطاب کند و در میان مردم، چند قدم پشت سر شوهرش راه رود. پس از آنکه دیگران غذایشان را خوردند، او پس مانده غذای شوهر و پسران خود را بخورد. در کل، فردیت زن در وجود شوهرش مستهلک شده و او بدون شوهرش وجود مستقلی ندارد. کتاب های قانون تا اندازه ای منعکس کننده اوضاع اجتماعی دوره های مختلف است؛ اما این کتاب ها بیشتر روشن می سازند که جامعه و روابط آن باید چگونه باشد.^۶

محرومیت اجتماع

بر اساس قوانین و احکام فقهی هندوئیسم، زنان در نازل ترین شان شخصیتی و اجتماعی بودند و از حضور در فعالیت های اجتماعی و مذهبی محروم بودند. چرا که اینان از نظر قانون ناخالص بوده و لیاقت یادگیری منترها (Mantras) را نداشته اند.^۷

البته باز ازدواج زن، کمی در مورد آنان مسامحه به خرج داده می شد که آن هم به سبب شوهر زن بوده است؛ هر چند

در یک قانون کلی در منو، زن همچون بردگان، استحقاق کمک مالی را نداشته و سزاوار داشتن اموال نیست و فقط می تواند چیز به و هدایای ازدواجش را تملک نماید. زن در متون فقط حق حیات دارد و از دیگر امور جاری و اجتماعی محروم بوده است.

هر چند زن در منوها، در مقام مادر، شأنی والا تر از معلم و حتی مادر دارد^{۱۲} و آموزگار فرزندان محسوب می شود، اما این مقام زمانی اوج می گیرد که زن، فرزندی پسر به دنیا آورد.^{۱۳} بر این اساس اولین و مهم ترین وظیفه زن، مادر شدن و تولید فرزندان پسر بوده و هر گونه تخطی از این مهم، زن را مجرم و مستحق عقوبت می کرده است.



اینکه زمین، گیاه، آب و آتش مقدس بوده، زنان را در ایام حیض و زایمان موجب آلودگی این عناصر می‌دانستند، به همین سبب آنها را در زمین شوره‌زار و بایری که دشتانستان نام داشت، (دشتان در ادبیات زرتشت به معنای زن حائض است)، اقامت می‌دادند. «هنگامی که زن در خانه مزداپرست نشان حیض ببیند، باید یک معبر در خانه، که از گیاه و درخت خالی باشد انتخاب نماید و زمین آن را سنگریزه نرم بپاشد و آن را از نصف، از سه یک، از چهار یک یا از پنج یک خانه جدا کند؛ والا ممکن است دیدن زن به آتش افتد و فاصله او از آتش، آب، شاخه برسم و مرد پارسانی گام باشد. و فرد معینی که برای او غذا و خوراک می‌برد، نباید از حد سه گام به وی نزدیک شود و غذای او را باید در یک ظرف آهنی یا سربی و یا هر ظرف فلزی معمولی باشد. زن بعد از اتمام این دوران در پیچیده‌ترین مراسم غسل به وسیله ادرار گاو و اندکی آب به وسیله روحانیون و ویژه چندین بار به مدت چند روز، غسل داده می‌شد. «اگر مدت حیض او از سه شب و روز بگذرد و هم چنان حائض بماند، باید تا پایان شب چهارم و اگر پاک نشد، تا شب ششم و اگر پاک نشد، تا شب هشتم و تا شب نهم اگر پاک نشود، در جایگاه خود بماند. این زن هر گاه بعد شب نهم باز در خون حیض باشد، معلوم می‌دارد که دیوها به او مستولی شده‌اند و او را در حالت دشتان باقی نگاه داشته‌اند و در جشن و بزرگداشت خودشان آفت خود را به این زن نازل ساخته‌اند. در این صورت جایی را انتخاب می‌کنند که از گیاه و درخت هیچ پوششی نداشته باشد. پس سه گودال و سوراخ در زمین می‌کنند و زن در دو گودال نخست با گومیز یا ادرار گاو غسل می‌دهند و در گودال سوم با آب شستشو می‌دهند. اگر در فصل تابستان باشد باید دو بست مورچه دزدانه (غله) و در زمستان دو بست خرفستر (حشره) که مخلوق اهریمن هستند از هر نوع بکشد».

زنان در ایام حیض، حق خوردن نذری ایزدان را نداشتند، بنابر اعتقاد زرتشتیان، عادت ماهیانه زن، اثر اهریمنی بود که در زن پدیدار می‌شد، زیرا در این ایام، اهریمن به زن نزدیک می‌شد و او را پلید می‌ساخت. در کتاب ارداویراف‌نامه تأکید شده، زنان حائض نباید به آسمان و خورشید بنگرند. علاوه بر این پنهان کردن دوران حیض، نزدیکی و مقاربت با زنان حائض از جرم‌های سنگین معرفی شده و از گناهانی شمرده می‌شده که ارتکابش موجب حد شرعی مرگ بوده است.

از دیگر مباحث قابل طرح درباره زنان، احکام ازدواج و طلاق در مورد آنان است. زناشویی، نوعی پیوند برابر بین زن و مرد بوده و به همین سبب زرتشت، مردان و زنان را به طور یکسان مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید در انتخاب همسر، خرد را ملاک خود قرار دهید. سن ازدواج برای دختران پانزده سالگی ذکر شده است و آنان حق داشتند در مورد همسر آینده خود تصمیم بگیرند،

اگر چه رضایت والدین یکی از شروط ازدواج بود. در دین زرتشت، پدر حق نداشت دختر خود را به ازدواج با کسی مجبور کند. در دین زرتشت، ازدواج انواع مختلفی داشت: پادشاه زن: دختر، پس از رسیدن به سن بلوغ با موافقت پدر و مادر خود با پسری ازدواج می‌کرد، وی از کامل‌ترین حقوق و مزایای زناشویی برخوردار بود.

چاکر زن: زنی بیوه به عقد و ازدواج با مرد دیگری در می‌آمد، این زن، حقوق و مزایای پادشاه زن را در سراسر زندگی مشترک دارا بود، اما پس از مرگ آیین کفن و دفن و سایر مراسم مذهبی اش تاسی روزه توسط شوهر دوم یا بستگانش برگزار می‌شد؛ ولی هزینه‌های بعدی به عهده بستگان شوهر اولش بود.

ایو کزن: زمانی که مردی دختر یا دخترانی داشت و فرزند پسر نداشت، از دواج تنها دختر یا کوچک‌ترین دخترش تحت عنوان ایو ک ثبت می‌شد. اولین پسر تولد یافته از این ازدواج به فرزند پسر پدر دختر در می‌آمد و نام پدر دختر را بعد از نامش می‌آوردند.

ستر زن: وقتی فرد بالنی بدون ازدواج می‌مرد، پدر و مادر یا خویشان وی موظف بودند به خرج خود و به یاد فرد در گذشته، دختری را به ازدواج پسری در آورند. شرط این نوع ازدواج، فرزند خواندگی یکی از پسران این زوج برای فرد مرده بود.

خودسز زن: اگر دختری برخلاف میل والدین خود با مردی ازدواج می‌کرد. دختر از ارث محروم می‌شد، مگر اینکه والدینش به خواست خود چیزی به او می‌دادند یا وصیت می‌نمودند که چیزی به او برسد.

در دین زرتشت طلاق گرفتن امری ساده نبود و به چهار مورد زیر محدود می‌شد:

۱- ارتکاب زن به عمل زنا و محرز شدن فساد اخلاقی او؛

۲- در صورتی که زن به جادوگری پرداخته و آن را تعلیم می‌داد؛

۳- عقیم بودن زن؛

۴- اگر زن، ایام عادت ماهانه خود را مخفی نگه می‌داشت.

زن فقط در صورتی که مرد توانایی جنسی نداشت، می‌توانست در خواست طلاق نماید.

اگر زنی فرزند مرده به دنیا می‌آورد، نجس محسوب می‌شد. چنین زنی را در محوطه‌ای نگه می‌داشتند و بعد از سه روز، به وسیله موبدان با ادرار گاو و آب تطهیر و تمام لباس‌های او دور انداخته می‌شد.

منابع

۱. بویس، مری، تاریخ کیش زرتشت.
۲. پورداد، ابراهیم، یشت‌ها.
۳. بیستا.
۴. نیبرگ، هنریک ساموئل، دین‌های ایران باستان، ترجمه سیف‌الدین نجم آبادی.
۵. کریستن سن، آرتور، مزدپرستی در ایران قدیم، ترجمه ذبیح‌الله صفا.



رواق ادیان ایران



همچنان مهجور

رضارضایی

در سده پانزدهم میلادی، شخصی به نام گورو نانک، با التقاط آیین هندوئیسم و اسلام، آیینی جدید را بنیان نهاد که هم‌اکنون به عنوان پنجمین آیین سازمان یافته جهان قلمداد می‌شود. ظهور این آیین، در بستر هندوئیسم، بشارت یک زندگی بهتر را برای مردمان خصوصاً زنان جامعه هند می‌داد و تلاش می‌کرد تا با آموزه‌های جدید خود، پیروان زیادی را برای خود دست و پا کند.

هر چند در این دوره، سیک‌ها با همان نگاه هندوئیسم به ازدواج به عرصه آمدند و ازدواج را اتحاد دو روح و پیوندی مادام‌العمر می‌دانستند، آنها از قیودات هندوئیسم خود را رها نکرده بودند. سیک‌ها به شدت از آداب و رسوم سخت‌گیرانه هندوئیسم تبری می‌جستند؛ اما تمام تلاش خود را بر این معطوف می‌داشتند که ازدواج، هیچ‌گاه منقطع نشود و در این راه، فرقی میان زن و مرد قائل نمی‌شدند. با این حال در این آیین هم موارد بسیاری دیده می‌شود که قوانین سخت‌تری در مورد زنان در نسبت با مردان، اعمال می‌شود که ریشه در بنیان عقاید هندوئیسم و باورهای محلی و باستانی هندوستان دارد که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره خواهیم داشت.

در نگاه سیک‌ها اگر طلاق میان زوجین صورت می‌گرفت، بی‌اندازه نجس و بدیمن تلقی می‌شد و آن را کیفر خطاهای گذشته می‌دانستند. اما سخت‌ترین وجه طلاق، داغ ننگی بود که بر پیشانی زن باقی می‌ماند.



در نگاه سیک‌ها اگر طلاق میان زوجین صورت می‌گرفت، بی‌اندازه نجس و بدیمن تلقی می‌شد و آن را کیفر خطاهای گذشته می‌دانستند. اما سخت‌ترین وجه طلاق، داغ ننگی بود که بر پیشانی زن باقی می‌ماند.



ننگی بود که بر پیشانی زن باقی می‌ماند. در اخلاق جنسی در میان سیک‌ها، آموزه‌های دینی ایشان، پیروان خصوصاً مردان را به شدت از افکار جنسی هم‌منع کرده است. اما در عمل، قواعد مربوط به اخلاق جنسی در مورد زنان، بیشتر و سخت‌گیرانه‌تر اعمال می‌شود. مثلاً به مردان لزوم وفاداری زواجی، همیشه یادآوری می‌شود یا پوشش کاج - لباس زیرین سیک‌ها - برای زن و مرد واجب است و یا اینکه همیشه به مردان توصیه می‌شود که چشم از زیبایی همسران مردم بگیرند؛ اما با این حال، تکلفات اخلاقی برای زنان بیش از مردان در آموزه‌ها وجود دارد.

تک‌همسری در میان پیروان سیک‌ها رایج است؛ اما گورها (روحانیون) می‌توانستند از این قاعده مستثنی باشند؛ چرا که برخی از پیروان متعبد و راست‌کیش، دختران خود را نذر معابد سیک‌ها می‌کنند که این مسئله، یکی از بزرگ‌ترین ستم‌های این آیین به زنان است.

منابع

۱. اخلاق در شش دین جهان، ورنر منسکی، ... (و دیگران)، ترجمه محمدحسین وقار، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۸.
۲. تیواری، کداریات، دین‌شناسی تطبیقی، ترجمه مرضیه (لونی) شنکایی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۱.
۳. هیوم، رابرت ارنتست، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، راستین، تهران، ۱۳۸۶.
۴. هینلز، جان راسل، راهنمای ادیان زنده، ترجمه عبدالرحیم گواهی، بوستان، کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۷، ج. ۱.

رواق ادیان ابراهیمی



پیروان تک‌م‌ارزش

محمدصادق احمدی

مسئله زن در یهودیت با کتاب مقدس آغاز می‌شود؛ جایی که خداوند پس از خلقت آسمان و زمین و بهائیم، انسان را می‌آفریند. خداوند به روایت کتاب پیدایش مرد را از خاک آفرید، مانند همه حیوانات و از روح خود نیز در او دمید. پس از این نوبت به خلقت زن رسید که او را از دنده مرد خلق کرد: «و یهوه خدا خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد. و یهوه خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود، زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد. و آدم گفت: همانا این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم از این سبب "نسا" نامیده شود؛ زیرا از انسان گرفته شد». در ادامه مهم‌ترین تکالیف و حقوق زن در یهودیت را از نظر می‌گذرانیم.

۱. شهادت در دادگاه

در باره تکالیف حقوقی زن در قانون مقدس یهودی، نخستین مسئله که برای زن سالاران محل نقد و اعتراض فراوان بوده است، عدم حجیت شهادت زن در دادگاه معتبر یهودی است. فمینیست‌ها معتقدند که از نظر قانون یهودی زن در رابطه با شهادت در دادگاه، مانند انسان کر دیوانه یا نابالغ یا بدتر از این، قمارباز و رباخوار یا ساده و زودباور است.^۱ بنا بر حقوق یهودی زنان نمی‌توانند به عنوان قاضی دادگاه یهودی انتخاب شوند؛ زیرا شهادت دادن که در درجه انتخاب پایین‌تری است، از ایشان پذیرفته نمی‌شود و ایشان نمی‌توانند در دادگاه جلوس نمایند؛ در



از حقوقی فرودست تا برابری حقوق

نویسنده «محسن گلپایگانی»

بررسی پیشینه حقوق زن در ادوار تاریخی نشان دهنده تسلط مردسالاری بر آن است. یعنی غالباً مزایا و موقعیت‌های مهم اجتماعی در اختیار مردان بوده است و زنان در وضع فرودست قرار داشته‌اند. برخی مصادیق این موضوع عبارت‌اند از: جواز تعدد زوجات، سلب حق انتخاب شوهر از دختران، به‌ارث برده شدن بیوه زنان از جانب نزدیکان همسر، مالکیت نداشتن زنان بر اموال خود و محروم بودن آنان از ارث، رواج خشونت در باره زنان، سهولت قوانین کیفری در مورد جنایات وارد شده بر زنان و ...^۱

در شریعت یهود، زن در خانواده وضع حقوقی مطلوبی نداشت. اما پس از ظهور مسیحیت، زنان موقعیت اجتماعی مناسب‌تری یافتند. با این حال اساس الهیات مسیحی قائل به فرودستی زنان در نظام آفرینش است. ارتباط مناسب بین جنس‌ها ارتباطی است از نوع فرمان و اطاعت است. زنان باید اوامر مردان را اطاعت کنند و واسطه آنها (در آوردن) فرزندان باشند. این فرودستی در حقوق و تکالیفی که از نظر فردی، دینی و اجتماعی مربوط به زنان است تأثیر گذار بوده است.

در اروپا در قرون وسطی، در انسانیت زن تردید می‌شد، چنان‌که در سال ۵۸۶ میلادی کنفرانسی در فرانسه به این نتیجه رسیدند که زن انسان است، اما انسان طفیلی که فقط برای خدمت به مردان خلق شده است و زنان دارای روح هستند، اما روح حیوانی.^۲ به گفته «ویل دورانت»، در اروپا زنان تا حدود سال ۱۹۰۰ کمتر دارای حقی بودند که مرد ناگزیر باشد بر اساس قانون آن‌را مراعات کند.^۳

تا اوایل قرن بیستم در برخی کشورهای غربی کلیه اموال زن پس از ازدواج به همسرش منتقل می‌شد و حتی زن نام خانوادگی خود را از دست می‌داد. اما بر اثر رواج تفکر آزادی خواهی، به عنوان حمایت از حقوق زنان، جنبش «فمینیسم» به وجود آمد. این جنبش معتقد بود روابط زن و مرد در نظام خانواده ظالمانه است و برای رهایی از حاکمیت مرد بر زن باید شکل فعلی نهاد خانواده ممنوع شود.^۴

امروزه اصل برابری حقوق زن و مرد در بیشتر کشورهای غربی پذیرفته شده و بر این مبنا قوانینی به تصویب رسیده است، از جمله: ممنوعیت تعدد زوجات، برابری زن و مرد در آموزش و اشتغال، طلاق، حضانت فرزندان و انتخاب مسکن و اشتراک زن و شوهر در دارایی‌های حاصله پس از ازدواج.^۵ با این همه، زنان، به ویژه زنان شاغل، در این جوامع مشکلات عملی و حقوقی عمده‌ای دارند.^۶ اکنون به بررسی برخی از حقوق و تکالیف زن در مسیحیت می‌پردازیم.

الف) حقوق و تکالیف زن در خانواده

۱. وظایف زن در برابر همسر

از سایر قبایل پس از مرگ او، اموال او به فرزندان و همسرش می‌رسد که در آن قبیله جدید هستند. برخی نیز این حکم کتاب مقدس را دال بر امکان خروج ارث یک قبیله به قبیله دیگر توسط ازدواج دختر دانسته‌اند و نهی کتاب مقدس را راجع به پیش‌گیری از این انتقال میراث می‌دانند.^{۱۲}

۵. نجاست

بر اساس روایت کتاب مقدس زن پس از اینکه دو مرتبه طلاق داده شد، نجس و ناپاک می‌شود.^{۱۳} همچنین پس از دوران عادت ماهیانه نیز زن هفت روز ناپاک می‌شود و شدت این نجاست به حدی است که اگر کسی در این مدت به او دست بزند، او نیز ناپاک می‌شود.^{۱۴}

علاوه بر این زنان در یهودیت امکان انجام بسیاری از عبادات را ندارند که مختص مردان است. همچنین نمی‌توانند در هر مکانی از معبد وارد شده و بدون اذن مردان حق رفتن به سفر را ندارند.

پی‌نوشت

۱. پیدایش، ۲: ۲۱-۲۳.
۲. Meiselman, Moshe, Jewish Woman in Jewish Law, KTAV Publishing House, Inc., ۱۹۷۸, p. ۲۳.
۳. Rosemary Skinner Keller, Rosemary Radford Ruether, Encyclopedia of Women and Religion in North America, Indiana University Press, ۲۰۰۶, p. ۵۸۲.
۴. Millen, Rochelle L. Women, Birth, and Death in Jewish Law and Practice, UPNE, ۲۰۰۴, p. ۵۷.
۵. Epstein, Louis M. The Jewish Marriage Contract: A Study in the Status of the Woman in Jewish Law, p. ۲-۱.
۶. خروج، ۲۱: ۶.
۷. تثبیت، ۲۲: ۲۸-۲۹.
۸. Bernard S. (Bernard Stuart) Jackson, JEWISH LAW ANNUAL ۱۹۸۱, Volume ۴, Brill Archive, ۱۹۸۱, p. ۱۲۷.
۹. see: Susan M. Weiss, Netty C. Gross-Horowitz, Marriage and Divorce in the Jewish State: Israel's Civil War, UPNE, ۲۰۰۳.
۱۰. Satlow, Michael L. Jewish Marriage in Antiquity, Princeton University Press, ۲۰۰۹, p. ۱۰۷-۱۰۶.
۱۱. اعداد، ۳۶: ۱۱.
۱۲. Epstein, Louis M. The Jewish Marriage Contract: A Study in the Status of the Woman in Jewish Law, p. ۱۲۱.

۱۳. تثبیت، ۲۴: ۴.
۱۴. لاویان، ۱۵: ۱۴.



نتیجه حق قضاوت نیز ندارد.^۲

۲. طلاق

در یهودیت زن حق طلاق ندارد و این امر به دست مرد یهودی قرار دارد. با این حال زن می‌تواند انتخاب کند که فرزند بیاورد یا خیر.^۴ در نتیجه هیچ دادگاه یهودی حق ندارد طلاق زن یهودی را صادر کند، بدون اینکه همسر یهودی وی اقدام به طلاق دادن او نموده باشد، زیرا این شوهر است که زن را طلاق می‌دهد و نه دادگاه.^۵ در حقیقت زن در قانون و حقوق یهودی پیش از ازدواج ملک پدر است و پس از ازدواج نیز همسر، مالک او می‌شود. نگاه ملکیتی به زن در حقوق و کتاب مقدس یهودی چنان فراگیر است که پدر می‌تواند دختر خود را به عنوان کنیز معامله نموده و به یهودیان بفروشد.^۶ همچنین اگر مردی به دختر یا کره‌ای تجاوز نماید، بر اساس کتاب مقدس فقط باید پنجاه مثقال طلا به پدر دختر داده و به عنوان مجازات او را به زنی گرفته و حق ندارد تا آخر عمر وی را طلاق دهد.^۷ طلاق طبق حقوق یهودی در دست مرد قرار دارد، اما وقتی مردی مرتکب زنا که گناه بزرگی است بشود، این حق از او سلب شده و نمی‌تواند فردی را که با او مرتکب زنا شده است، طلاق دهد.

مسئله دیگری که در متون حقوقی میشنا به آن تذکر داده شده، الزام طلاق سه دسته از زنان است. از نظر میشنا اگر زنی یکی از این سه مسئله را عنوان نماید، مرد باید او را طلاق دهد. اگر زنی به همسرش بگوید: «من تو را بی حرمت نمودم» یا «پهشت میان من و تو باشد» یا «ممکن است که من از یهودیت خارج شوم؟» میشنا حکم کرده که مرد باید او را طلاق دهد.^۸

۳. ازدواج

از نظر حقوق یهودی زن در امور مربوط به ازدواج نیز از کمترین حق برخوردار است و در کتوبایی که توسط خاخام‌ها تنظیم می‌شود نیز فقط به امور مربوط به شوهر در قبال زن پرداخته می‌شود. این رسوم در سال ۱۹۴۸ و پس از غصب فلسطین توسط صهیونیست‌ها تنفیذ شد و مشکلات فراوانی را برای خانواده‌های یهودی در امر ازدواج و طلاق به وجود آورد.^۹ در زمان ازدواج سن و سال زن نیز در نظر گرفته نمی‌شود و از نظر قانون یهودی همین که پدری بخواهد دخترش را به عقد مردی در بیاورد کفایت می‌کند. در متون کهن حتی از رو بودن اینکه دختران در زمان تولد نیز به عقد مردان در بیابند سخن گفته شده است. همچنین در صورت وجود نقصی در بدن دختر، مرد یهودی می‌تواند بدون پرداخت هیچ‌یک از تعهداتش که در کتوبای بدن ملتزم شده است، وی را طلاق دهد.^{۱۰}

۴. وراثت

در قوانین وراثت نیز کتاب مقدس زن را ارث بر معرفی کرده است؛ اما دستور به وارد شدن دختران در سایر قبایل داده است.^{۱۱} علت این حکم کتاب مقدس این است که باز ازدواج دختر با افرادی



اولین وظیفه زن در قبال همسر خویش، همان اطاعت از اوست، زیرا آفرینش زن، صرفاً به جهت خدمت مرد بود.

۲. محبت و احترام به زن

محبت به زن از جانب شوهر، در کنار سفارش زنان به اطاعت از شوهر عنوان شده است. (افسسیان ۵: ۲۴-۲۳؛ پطرس، ۳: ۷)

۳. تشویق به تجرد

در مسیحیت به علت رواج فرهنگ تنفر از زن و بی‌ارزش بودن او، عذوبت مرد تشویق می‌شد.^{۱۲} این مسئله ریشه در سخنان پولس دارد. (اول قرنتیان، ۷: ۸-۱۱؛ ۳۲-۳۵)

۴. طلاق

بر خلاف عهد قدیم، در عهد جدید محدودیت شدید در انجام طلاق مطرح شده و تنها دلیل طلاق را زنا معرفی کرده است (متی ۵: ۳۱-۳۲؛ متی ۱۹: ۳-۹). در مذهب کاتولیک طلاق مطلقاً حرام و تنها زندگی جداگانه زن و شوهر جایز است که در این صورت هم هیچ کدام حق ازدواج با شخص دیگری را ندارند. مذهب ارتدوکس طلاق را فقط در صورت زنا و مرد جایز می‌دانند، اما حتی در صورت طلاق اجازه ازدواج با شخص دیگری را ندارند.^{۱۳}

ممنوعیت طلاق در کشورهای غربی که از قوانین کلیسا تبعیت می‌کردند، مشکلات فراوانی را ایجاد کرده بود. رویکرد افراطی کلیسا زمینه مقابله با آن را به گونه‌ای تفریطی در غرب ایجاد نمود به طوری که امروزه در هیچ‌یک از کشورهای غربی و مسیحی نشین نه تنها قوانین کلیسا در مورد طلاق اجرایی گردید، بلکه در بسیاری از این کشورها مقررات بسیار آسانی برای طلاق پیش‌بینی شد و در نتیجه آمار طلاق به طور فزاینده‌ای بالا رفت.^{۱۴}

در اروپا در قرون وسطی، در انسانیت زن تردید می‌شد، چنان‌که در سال ۵۸۶ میلادی کنفرانسی در فرانسه به این نتیجه رسیدند که زن انسان است، اما انسان طفیلی که فقط برای خدمت به مردان خلق شده است و زنان دارای روح هستند، اما روح حیوانی



از نظر قانون یهودی زن در رابطه با شهادت در دادگاه، مانند انسان کر دیوانه یا نابالغ یا بدتر از این، قمار باز و رباخوار یا ساده زود باور است.



برخی نیز این حکم کتاب مقدس را دال بر امکان خروج ارث یک قبیله به قبیله دیگر توسط ازدواج دختر دانسته‌اند و نهی کتاب مقدس را راجع به پیش‌گیری از این انتقال میراث می‌دانند.



نقش زنان در جنبش‌های معنوی



پیامدهایی منفی برای زنان یهودی و مسیحی داشته است، به طوری که جایگاه اجتماعی و حقوقی مناسبی نداشتند.^{۱۱}

ج) تکالیف و حقوق دینی زنان

۱. **عبادت**
زنان در مسیحیت، در مقایسه با جایگاه عبادی و دینی زن در یهود، وضع خوبی دارند و با محدودیت کمتری مواجه هستند. اما در تاریخ کلیسا اغلب وظایف فرودست مردان را به عهده زنان می‌گذارند. مثلاً، در کلیساها، از زنان خواسته می‌شود که گل‌ها را تزئین نمایند، چای تهیه کنند، زمین را بشویند، در گروه کر آواز بخوانند و احتمالاً در مدرسه یکشنبه درس بدهند. در اغلب مذاهب مسیحی، زنان مجاز به امامت مراسم دینی نبوده‌اند. اما اکنون در اغلب مذاهب مسیحی، زنان در مراسم عبادی عمومی حداقل نقشی را بر عهده دارند، که البته هنوز در حد امامت مراسم نیست.^{۱۲}

۲. **انتصاب زنان به مقامات کلیسای**
کلیسای کاتولیک به شدت با انتصاب زنان به هر گونه مقام کلیسایی مخالفت می‌کند. این کلیسا در سال ۱۹۹۵ و در زمانی که بحث‌ها بر سر انتصاب زنان شدت گرفته بود، اعلام داشت که دیدگاه این کلیسا در مورد عدم جواز انتصاب زنان از خطا مصون است.^{۱۳} اما از نگاه برخی مسیحیان، منع انتصاب زنان به مقامات روحانی هرگز قابل پذیرش نیست. امروزه بسیاری از کلیساهای پروتستان زنان را نیز همانند مردان، به مقامات روحانی منصوب می‌کنند.^{۱۴}

۳. **تعمیم و تربیت**
پولس می‌گوید: «وزن را اجازت نمی‌دهیم که تعلیم دهد..... بلکه در سکوت بماند...» (اول تیموتائوس، ۲: ۱۱-۱۴).

بنابر یک سنت پیوسته از عهدین، اعضای مؤنث خانواده یعنی زنان و دختران هیچ حقی با عنوان ارث در اموال خانواده ندارند. بر پایه بیشتر اندیشه‌ها و باورهای قدیمی درباره ارث اعضای مؤنث خانواده بخشی از اموال و به دور از شخصیت حقوقی یک وارث مثل یک برده به شمار می‌آیند.

۴. **نذر و پیمان**
بنابر تعلیم کلیسا نذر و پیمان زن لزوماً به عهده وی نیست و باید پدرش یا همسرش موافقت کنند و اگر آنان نذر و پیمان‌های وی را نپذیرفتند، هیچ‌یک از آنها ارزش و اعتبار نخواهند داشت. گفتنی است این تعلیم تا اوایل همین قرن

کبری باقری

مقدمه

امروزه به همراه شکل‌گیری جنبش‌های معنوی به عنوان جنبش‌های اصلاح‌گرا، حضور جدی زنان را در عرصه حرکت‌های معنوی شاهد هستیم. بررسی نقش زنان در جنبش‌های معنوی نوپدید می‌تواند ما را در شناخت بهتر این پدیده یاری دهد.

زنان گاه نقشی اساسی در تأسیس و رهبری جنبش‌های معنوی دارند و به مقاماتی همچون استاد معنوی یا کشیش می‌رسند. این امر برخی جامعه‌شناسان را بر آن داشته تا بخشی از پژوهش‌های خود را به نقش زنان در جنبش‌های معنوی اختصاص دهند.^۱ حضور زنان به عنوان پیروان فرقه‌ها نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

حضور چشمگیر زنان نسبت به مردان و میزان تعلق آنها به فرقه‌ها تا حد سرسپردگی، نشان می‌دهد زنان در جنبش‌های معنوی نسبت به سایر جنبش‌های اجتماعی فعالیت بیشتری دارند. در نگاه نخست شاید حیطه پژوهش در مورد نقش زنان، منحصر در نقش رهبری و پیروی باشد؛ ولی با نیم‌نگاهی به آموزه‌ها و الهیات جنبش‌های نوپدید معنوی، تأثیر زنان در شکل‌گیری معنویت زنانه و الهیات فمینیستی کاملاً آشکار می‌شود.^۲ در این نوشته سعی شده نقش زنان در عرصه رهبری اجتماعی و رهبری فکری معنویت‌های نو ظهور بررسی شود.

رهبران و مبلغان

در تعالی معنوی اسلامی و تکامل انسان، نگاه جنسیتی و تفکیک زن و مرد معنا ندارد؛ اما در مکاتب غربی و ادیان کهن، زنان نقشی فعال ندارند و حتی گاهی از ورود به عبادتگاه‌ها منع شده‌اند و فقط به عنوان راهبه‌ای که چراغ عبادتگاه را روشن نگاه می‌دارد و جارو می‌کند، ایفای نقش می‌کردند.

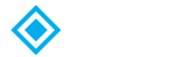
امادر جنبش‌های معنوی جدید، جایگاه اجتماعی زنان از جنس فرومایگی و گناهکار بالفطره بودن، به رهبری و حتی کشیشی ارتقا می‌یابد. پژوهشگران عرصه جنبش‌های معنوی نوپدید، بخشی از مطالعات خود را به نقش زنان در این

جنبش‌ها اختصاص داده‌اند؛ چنان‌که برایان ویلسون در کتاب جنبش‌های نوین دینی، یکی از علل گرایش زنان به جنبش‌ها را یافتن موقعیت اجتماعی جدید در نقش یک رهبر مطرح می‌کند:

پیش‌فرض استارک و باین بریچ این است که «یکی از چیزهایی که به خصوص زنان جاه‌طلب را بر کیش‌ها جذب می‌کند، دادن فرصت برای رهبر شدن یا مؤسس



خانم ماریان ویلیامسون به صراحت از ابعاد متعالی وجود زنان، فقط به جسم فیزیکی زنان اشاره می‌کند و مهم‌ترین موهبت الهی یعنی عشق را خلاصه در این بدنه زمینی می‌کند: «اگر بدن‌هایمان وسیله عشق بخشیدن و دریافت عشق هستند، پس ما بزرگ‌ترین برکت دنیا هستیم و احتیاجی به افزودن به آن سرشت ارزشمند نداریم»



تکاملی جهان‌امر قابل توجهی است که بررسی پژوهشگران این عرصه را می‌طلبد. در ساختار تشکیلاتی فرقه‌ها، حضور رهبران کاریزما، نقشی محوری دارد؛ ولی مطالعه فرقه‌هایی که از توفیق بیشتری برخوردارند، حضور نخبگان اصلی این تشکیلات نشان می‌دهد. حضور اقشار مختلف جامعه اعم از زنان

و مردان، کهن‌سالان و جوانان، دانشمندان و مبلغان دینی، فرقه‌های نوپدید دینی را متمایز از دیگر پدیده‌های اجتماعی قرار داده است. بیشتر هدایت‌های پشت پرده از طریق این حلقه هستند - که در بیشتر فرقه‌ها اغلب اعضای آن زنان هستند - صورت می‌گیرد. با مطالعه حلقه‌های مختلف معنوی، نقش هدایت‌گرانه زنان را شاهد خواهیم بود. نقش کلیدی «شیلا» در جنبش اشو، یا حضور اشخاصی همچون «مرتل فیلمور»، «اسکاول شین» و «کاترین پاندر» در رأس کلیسای یونیتی، یا نویسندگانی چون «دبی فورد»، «شاکتی گواین» و «لوئیز هی» در هدایت جنبش تفکر نوین، نمونه‌هایی از ده‌ها جنبش معنوی نوپدید است. اهمیت این امر زمانی روشن خواهد شد که نیم‌نگاهی به



ترجمه و چاپ گسترده آثار این افراد داشته باشیم. برای مثال، کتاب قانون توانگری خانم کاترین پاندر از سوی چهار ناشر در داخل کشور منتشر و ۷۵ بار تجدید چاپ شده است. یا کتاب چهار اثر اسکاول شین بیش از ۹۶ بار تجدید چاپ شده است. همچنین کتاب شفای زندگی لوئیز هی به بیش از سی زبان و در



تیراژ بیش از ۳۵ میلیون نسخه در جهان منتشر شده است. این کتاب بیش از بیست سال است که در کشور ماروی گیشه‌های کتاب‌فروشی قرار دارد.

معنویت‌های بومی نیز به دنبال جنبش‌های شرقی و غربی به همین راه می‌روند و نقش هدایت‌گری در آنها بر عهده زنان است. برای نمونه در عرفان انحرافی کیهانی بیشتر اعضای حلقه اولیه و اصلی را زنان تشکیل می‌دادند. گذشته از این، شاهد جریان‌هایی در کشور هستیم که از پایه توسط زنان پایه‌گذاری شده است و هم‌اکنون بسیاری از آنها در شهرهای بزرگ نظیر تهران و اصفهان، در قالب مؤسسات فرهنگی و جلسات و دوره‌های گوناگون، مشغول فعالیت هستند.

الهیات فمینیستی

جنبش‌های معنوی نوپدید با رویکردی به اصطلاح اصلاح‌گرایانه سعی کرده‌اند، در واکنش به برخی از آموزه‌های ناکارآمد ادیان گذشته چهره‌ای متفاوت ارائه دهند و نظام باوری جدیدی با عنوان الهیات فمینیستی وارد کنند و این در آثار رهبران این جنبش‌ها مشهود است.

پائولو کولویو با لحنی شکوکه‌انگیز مطرح می‌کند که: «ادیان چهره مؤنث خداوند را که جز رحمت و عشق به زندگی انسان‌ها و چیز هانیست، پنهان می‌کنند. من این را نمی‌پسندم». از این رو وی سعی دارد در جای‌جای آثار خود حضور نیمه‌مادینه خدا را مطرح کند.



این رویکرد بازتاب فمینیسم در جوامع غربی است؛ ولی در این جنبش‌ها، جهت‌گیری فمینیسم از مسائل اجتماعی به الهیات تغییر یافته است؛ لذا به مفاهیم معنوی با نگاهی زنانه نگر بسته می‌شود و حتی بنیادی‌ترین باورها، مانند باور به خدا نیز از این



محراب

مسجد / شماره ۱۸۳ / فروردین ماه ۱۳۹۳



قاعده مستثنی نیست.

ارائه چهره مادینه از خدا نشان از این رویکرد دارد. این نوع باور امر جدیدی نیست و می‌توان ریشه‌های آن را در مکاتبی همچون کابالا یافت؛ اما این بار این اندیشه‌ها فقط در شرق یافت نمی‌شود؛ بلکه پرورش این اندیشه در جوامع غربی و حتی در تفسیرهای جدید از آیین مسیحیت، خود را نشان می‌دهد.

رهبران این جنبش‌ها سعی دارند به صورت همسو با یکدیگر، تصویری خصوصی و نامتشخص از خدا تحت عنوان خدای درون ارائه دهند. با این تفاوت که در الهیات فمینیستی به جای خدای درون، بیشتر عنوان الهه درون به کار برده می‌شود. تعبیر خدای درون، مسیح درون، بودای درون یا الهه درون، محوری‌ترین بحث در خداشناسی معنویت‌های نوپدید است. در این نوع باور، جایگاه متعالی خدا فرو کاهش کرده و این انسان است که با خلق خدایی موهوم در ذهن خویش، بر مسند الهی می‌نشیند. در نتیجه ما شاهد تغییر جایگاه انسان و خدا در این جنبش‌ها هستیم.

البته این جنبش‌ها با ادعای جهان‌شمولی آموزه‌های خود، سعی می‌کنند مفاهیم الهیات ادیان دیگر، حتی ادیان غیر الهی را نیز در جهت القای باور پلورالیستی خویش به کار گیرند. جان هیک عامل مشترک تمامی ادیان را تجربه عرفانی معرفی می‌کند. بنا به باور پلورالیست‌ها با شخصی شدن خدا و دین در غرب، خدا امری درونی می‌شود که هر کس به شکلی آن را در درون خود می‌یابد. در این جنبش‌ها نیز تصویری که از خدا ارائه می‌شود، اساطیر پوسیده چین، یونان و مصر باستان است که به نام الهه درون، تمدن بشری آنها را از خاک بیرون می‌کشد و فطرت خداجوی انسان را به سرابی رهنمون می‌سازد.

انسان جستجوگر معنویت، بارقه‌های الهی را هر لحظه در درون خود مشاهده می‌کند؛ اما این تجلی ضعیف از آن پر تو الهی دلیل بر محدودیت خدا در درون انسان نیست. این تجلی فقط نشانه‌ای است تا جستجوگران نور را به منشاء فروزانش برساند. انسان هر لحظه دوست دارد هم‌نشینی با خدای خویش را تجربه کند و او را نزدیک‌تر

از همه به خود بیابد. از آنجا که آدمی موجودی ضعیف و محدود است، دوست دارد خدای باشکوه را بیابد تا در سختی‌ها به او تکیه کند و از جلالش سر تعظیم بر بی‌همتایی او فرود بیاورد.

در جنبش‌های معنوی نوپدید، بسیاری از مفاهیم ارزشی معنای خود را از دست می‌دهد. ارزش‌های رفتاری فردی به صرف اینکه رفتاری مردانه است، کنار گذاشته می‌شود و مفهوم صلح درون با بی‌توجهی به بُعد ترکیه و تربیت انسانی، تنها ارزش مورد قبول از جانب این جنبش‌ها است.

انگیزه‌های گرایش

علت حضور گسترده زنان در جنبش‌های نوپدید معنوی را باید در هویت گمشده آنان در جوامع مدرن و سبک زندگی غربی جستجو کرد؛ هویتی که مدرنیته آن را به یغما برده و جالب آنکه زنان در جستجوی هویت خویش سر سپرده فرهنگ غرب شدند. فرقه‌های نوظهور معنوی با هویت بخشی واهی توانسته‌اند بسیاری از زنان جداشده از نهاد خانواده را به خود جذب کنند.

سرکردگان این فرقه‌ها با ایجاد فضای زندگی کمونی، در صدد جبران نیازهای عاطفی زنان برآمدند؛ نیازهایی که زنان نمی‌توانستند در خانواده آن را ارضا کنند.

زنی که شکوه معنوی درون خود را از یاد می‌برد و استعدادها و نیازهای معنوی‌اش را به‌درستی نمی‌شناسد، ناگزیر جایگزینی برای آن می‌جوید. در این جنبش‌ها زنان احساس قدرت و آزادی بیشتری می‌کنند، ولی در واقعیت، فقط چنین احساسی به آنان دست می‌دهد. علت جذب زنان به فرقه‌های نوظهور، القای «احساس قدرتمندی» به آنان است: «زن‌ها تمایل دارند جنبش‌هایی را انتخاب کنند که میدان بیشتری برای توانایی‌های آنها باز می‌کند»^۱.

در معنویت‌های نوپدید توجه به مهم‌ترین ویژگی‌های معنوی زنان از جمله نقش عارفانه مادری و نقش عاشقانه همسری مورد غفلت سرکردگان این جنبش‌ها قرار گرفته و با تأثر از رسوبات فکری مدرنیته، زن وسیله‌ای جهت نیل به لذات جنسی است. خانم ماریان ویلیامسون به صراحت از ابعاد

متعالی وجود زنان، فقط به جسم فیزیکی زنان اشاره می‌کند و مهم‌ترین موهبت الهی یعنی عشق را خلاصه در این بدن زمینی می‌کند: «اگر بدن‌هایمان وسیله عشق بخشیدن و دریافت عشق هستند، پس ما بزرگ‌ترین برکت دنیا هستیم و احتیاجی به افزودن به آن سرشت ارزشمند نداریم»^۲. در پرتو چنین بینش انسان‌شناسانه، الهیات جنسی جایگزین متعالی‌ترین باورها در مورد ارتباط انسان با خدا خواهد بود؛ الهیاتی که سکس را برابر با سلوک می‌داند و لذت‌های عظیم و وصف‌ناپذیر معنوی را با لذت‌های حسی در یک رتبه می‌نشانند.

معنویت‌های نوظهور با نشان دادن چشم‌اندازی از آزادی و قدرت به زنان، زمینه‌ای برای اسارت دوباره آنان فراهم آورده و عرصه معنوی زندگی را به معرکه‌ای برای نمایش زنان و سرگرم‌سازی آنها - و از این طریق سرگرم‌سازی مردان - تبدیل کرده‌اند. نقشی که تا دیروز زنان در عرصه تجارت صنعتی بازی می‌کردند، امروز در تجارت معنوی اجرامی شود و علی‌رغم همه ادعاهای فمینیستی در حوزه‌های اجتماعی و الهیاتی، در معنویت‌های نوظهور و عرفان‌های کاذب، زن به موضوعی برای سرگرمی و سرگرم‌سازی مردان تبدیل می‌شود.

پی‌نوشت

۱. رک، مقاله الیزابت پوتیک در کتاب جنبش‌های نوپدید دینی، وی در این تحقیق با بررسی فرقه‌های مختلف، نقش زنان در جنبش‌ها را بررسی کرده و برخی از این ویژگی‌ها را در پیامد فمینیسم معرفی می‌کند: «تحقیقاتی که از اواسط دهه ۱۹۸۰ انجام شده، نشان‌دهنده تصویر مثبت تری از قوانین جنسیت است که شاید بازتاب فمینیسم در جوامع غربی باشد».
۲. حمیدرضا مظهری سیف، به سوی یک دین جهانی، ص ۱۷۹.
۳. برایان ویلسون، جیمی کرسول، جنبش‌های نوین دینی، ترجمه محمد قلی‌پور، ص ۱۷۹.
۴. همان.
۵. محمد تقی فعالی، نگرشی بر آرا و اندیشه‌های پائولو کولنیو، ص ۶۴.
۶. برایان ویلسون، ماریان، جنبش‌های نوین دینی، ترجمه محمد قلی‌پور، ص ۱۸۱.
۷. همان.
۸. ماریان ویلیامسون، ارزش زن، ترجمه نوشین ری‌شهری، ص ۲۶.

کتابنامه

۱. برایان ویلسون، جیمی کرسول، جنبش‌های نوین دینی، ترجمه محمد قلی‌پور، مشهد: مرندیز، ۱۳۸۶.
۲. مظهری سیف، حمیدرضا، به سوی یک دین جهانی، قم: صهبای یقین، ۱۳۹۱.
۳. فعالی، محمد تقی، نگرشی بر آرا و اندیشه‌های پائولو کولنیو، تهران: عابد، ۱۳۸۸.
۴. ویلیامسون، ماریان، ارزش زن، ترجمه نوشین ری‌شهری، تهران: ویستار، ۱۳۸۵.
۵. دونالد والش، نیل، ابداع زندگی: میراث باربارا مارکس هایدو آینده تو، ترجمه فرخ‌یافته، قم: میم، ۱۳۹۱.





پرچم داران بهشت

گزارشی از همایش تجلیل از ائمه جماعات برگزارکننده نماز جماعت صبح

گزارشگر: علی اصغر غلامی



ماهنامه آموزش فرهنگی ترویجی

«پرچم داران بهشت» نام گردهمایی است که مرکز رسیدگی به امور مساجد روز پنجشنبه سی ام بهمن ماه سال ۹۳ برگزار کرد. در این روز یک اقدام زیبا انجام گرفت: ائمه جماعات استان تهران که نماز جماعت صبح را در مساجد اقامه می کنند، به این همایش دعوت شدند و از تعدادی از آنها با تقدیم تقدیرنامه‌هایی قدردانی شد.

زمان برگزاری برنامه یک صبح بارانی زیبا و باطراوت است. هوا بهشتی است و پرچم داران بهشت راهی سالن برنامه هستند. سفیدی عمامه‌هایشان، به جبران برف نیامده در تهران، فضای وسیع مرکز ارتباطات اسلامی را سفیدپوش کرده است. زمزمه‌های گاه‌به‌گاه روحانیون دعوت‌شده، سکوت صبح بارانی آخرین روز بهمن را می‌شکند و این پرچم داران بهشت تک‌تک و گروه‌گروه وارد می‌شوند.

خوشا به حال نماز گزارانی که...

مجری برنامه در ابتدا در مورد موضوع برنامه و نام آن که جهت بزرگداشت و تکریم ائمه جماعات نماز صبح است، با آوردن احادیث و صحبت‌های مقام معظم رهبری درباره ارزش و اهمیت اقامه نماز صبح به جماعت در مساجد، توضیح می‌دهد.

اولین برنامه اجرای تواشیح است با جملاتی از اذان و عباراتی در وصف و نعت پیامبر مکرم اسلام ﷺ. بعد از آن کلیبی بخش می‌شود که با اذان مؤذن زاده اردبیلی آغاز می‌شود. در آن با علما و بزرگان دین مصاحبه شده و آنها به بیان اهمیت نماز جماعت صبح می‌پردازند، با بیان حدیث در این موضوع و تبیین آسیب‌ها و راهکارها. «یا ایها ذر خوشا به حال نماز گزارانی که در روز قیامت پرچم‌ها را به دوش گرفته و پیش از همه وارد بهشت می‌شوند. آنان کسانی هستند که برای نماز صبح به مسجد می‌روند».

«کسانی که برای نماز صبح بیدار می‌شوند گویی تمام شب را احیانگه داشته‌اند».

«اگر کسی همچون کسی را احترام کند گویی خدا را احترام کرده و هر که چنان کسی را بی احترامی کند گویی خداوند را بی احترامی کرده است».

«نماز آنان همچون نماز ابرار است». اهتمام بر گزار کنندگان برنامه بر آن است که یاد پیامبر اکرم ﷺ گرامی داشته شود. به همین جهت اشعاری در بزرگداشت مقام ایشان در فواصل برنامه‌ها قرائت می‌شود.

به راستی انسان غبطه می‌خورد به حال آنان که سال‌های طولانی، سی سال، چهل سال یا بیشتر، هر روز پیش از اذان صبح از خواب برخاسته و خود را به مسجد رسانده و نماز صبح را به جماعت خوانده‌اند. چه بسیار کسانی که در این راه متحمل سختی‌ها شده‌اند، راه طولانی را در تاریکی و سرما طی کرده‌اند، مورد توهین و اذیت و آزار قرار گرفته‌اند و... اما این فریضه ارزشمند را رها نکرده‌اند.

آغاز یک نهضت

«حجت‌الاسلام آقای بی»، معاونت هماهنگی مرکز رسیدگی به امور

مساجد اولین سخنران برنامه است. او صحبت‌های خود را با خیر مقدم به میهمانان آغاز می‌کند و این طور ادامه می‌دهد: «نام این گردهمایی برگرفته از حدیثی با این مضمون است. پرچم داران بهشت، ائمه جماعات محترمی هستند که سال‌هاست به برگزاری نماز جماعت صبح اهتمام داشته‌اند. مطالبه‌ای بود که مقام معظم رهبری از سال‌های هفتاد و یک، هفتاد و دو از ما دارند که ندای اذان صبح در ام القرای جهان اسلام، یعنی شهر تهران و دیگر شهرها ملین انداز شود. در این سه سال اخیر که دوره مدیریت جدید مرکز بود، نماز صبح در ۵۶۰ مسجد اقامه می‌شد. بعد به هفتصد مسجد رسید و حالا با اهتمام شما بزرگواران، به نهضت مسجد رسیده‌است. البته فاصله تا نتیجه مطلوب و مورد نظر زیاد است؛ اما این بشارت را به ما می‌دهد که می‌توانیم این راه را طی کنیم.

این جلسه آغاز یک نهضت برای ترویج نماز جماعت صبح در مساجد است. بنا بر آن داریم که با کمک شما بزرگواران و با استفاده از ظرفیت حوزه‌های علمیه استان تهران، سال آینده در چنین جلسه‌ای اعلام شود تعداد مساجد اقامه کننده نماز صبح، به عنوان مثال به ۱۵۰۰ مسجد رسیده است.

قطعا بار سنگین ادای این مسئولیت به دوش شما است. اگر هر مسجد که امکان این کار را ندارد، خودش را معین مسجد نزدیک خود اعلام کند و هم، نوای اذان صبح از آن مسجد به گوش رسد و هم نماز در آن مسجد که مکانش را دارد اقامه شود، ظرفیت اقامه نماز، عملا دو برابر می‌شود. همچنین باید از طریق انجام فعالیت‌های فرهنگی سعی در ترویج فرهنگ برگزاری نماز صبح شود.

آمارها نشان می‌دهد که بعضی عزیزان حدود سی چهل سال است که نماز صبح

را اقامه می‌کنند و چندین کیلومتر راه را طی می‌کنند و به مسجد می‌آیند و حجت را بر مردم تمام می‌کنند. بعضی عزیزان بعد از نماز، کلاس‌های درس برگزار می‌کنند. البته زحمات خدام محترم را نیز نباید نادیده گرفت؛ چون آنها هستند که در مسجد را باز می‌کنند، گرما و سرما و نظافت مسجد را تأمین می‌کنند و... که در نماز جمعه قرار است از آنها تقدیر شود.

حجت‌الاسلام آقای بی یادآوری می‌کند که: روز چهارده اسفند همایش ستارگان جاوید برگزار خواهد شد. بخش اول این همایش سال گذشته با حضور مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی برگزار شد. قرار است در این همایش از ائمه جماعات جانباز، رزمنده و آزاده با حضور همه ائمه جماعات استان تهران قدردانی شود.

همچنین سلسله برنامه‌های بزرگداشت مفاخر ائمه جماعات که از سال گذشته آغاز شده، هم‌زمان با سالروز درگذشت آیت‌الله خوشوقت در مسجد ایشان برگزار خواهد شد.

حجت‌الاسلام آقای بی، سخنرانی خود را با بیان این جمله که: ما به اقامه نماز جماعت صبح، به عنوان یک مطالبه قرآنی که بزرگان دین و مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند، اهتمام ویژه داریم، به اتمام رساند.

بخش دوم کلیپ هم بخش می‌شود. یکی از عزیزان مصاحبه‌شونده معتقد است که پیش از انقلاب موضوع نماز صبح مغفول بود و طی این سی سال این فریضه اجرا شده است. دیگری انتقاد می‌کند که مردم توجه لازم را در اقامه نماز جماعت، خصوصا صبح را ندارند و عزیز دیگر به بیان اهمیت این فریضه، حتی با اعضای خانواده در خانه می‌پردازد.

قرآن فجر

دومین و آخرین سخنران این همایش مختصر و مفید، حجت‌الاسلام حاج علی اکبری است. او این جلسه را بی‌سابقه توصیف می‌کند؛ چون دلیل گرد هم جمع شدن این جمع، نماز صبح است و اضافه می‌کند: این جمع، باصفا و نورانی است؛ خصوصا با این موضوع و نام زیبای آن. مطلب اهمیتش بیش از این حرف‌ها است. مسئله‌ای که ما تحت عنوان نماز صبح داریم، بحمدالله رشد خوبی داشته است. به لحاظ کمی و کیفی رشد داشته‌ایم، اما با نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم.

خداوند بر نماز صبح تحت عنوان «قرآن فجر» تأکید می‌کند. صبح، مشهود فرشتگان است. زمانی که ملائکه شب و روز گروهی در رفتن و گروهی در آمدن هستند، ثواب این عمل در کارنامه مؤمنان دو برابر ثبت می‌شود و به علاوه، شهود خود پیامبر مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ پس این نماز باید خیلی جذاب و زیبا و متفاوت برگزار شود.

در کتاب وسائل الشیعه در باب استحباب نماز جماعت صبح و مغرب و عشا، گفته شده که کسی که به آن مقید باشد، از پشتیبانی الهی برخوردار می‌شود. از بین نمازها نمازی که از همه برای منافق سخت‌تر است و آنها را به خشم و غضب می‌آورد، نماز صبح است.

روایت است پیامبر که در نمازها از مؤمنان احوال‌پرسی می‌کردند و در نماز صبح حاضر، غایب می‌کردند. اسم می‌بردند و می‌پرسیدند فلانی کجا است؟ ما باید درباره این نماز متفاوت فکر کنیم و گویا دشمن در این زمینه موفق بوده که وضعیت ما در نماز صبح این گونه است. این وضعیت نه با مسلمانی ما متناسب است و نه با حکومت اسلامی و فتوحاتی که بعد از انقلاب برای ما رخ داده است.



آمارها نشان می‌دهد که بعضی عزیزان حدود سی چهل سال است که نماز صبح را اقامه می‌کنند و چندین کیلومتر راه را طی می‌کنند و به مسجد می‌آیند و حجت را بر مردم تمام می‌کنند. بعضی عزیزان بعد از نماز، کلاس‌های درس برگزار می‌کنند.

در همه جلسات یادآوری شد که به نماز صبح اهمیت ویژه داده شود و صبح‌ها درهای رحمت الهی یا همان درهای مساجد به روی مردم باز باشد.

ما باید خودمان شروع کنیم. اشتباه است که ما ائمه جماعات منتظر بمانیم کسی بیاید و این کار را انجام دهد. جز آن روحانی دلسوز زمان شناس چه کسی می‌تواند این کار را انجام دهد؟ جریان نفاق که حساس تر از کفر است، حالا جدی به میدان آمده و ما باید جدی تر باشیم. آیاراه و سنگری جز مسجد وجود دارد؟ آیا در مقابل نفاق و کفر راهی جز دعوت از مؤمنان و زمینه‌سازی برای حضور آنها در مسجد وجود دارد؟

تعداد مساجد برگزار کننده نماز صبح از



۵۶۰ به نهصد مسجد رسیده که اتفاق بسیار مبارکی است.

وظیفه ما: رفع این عیب بزرگ

ما باید در رفع این عیب بزرگ، یعنی بسته بودن در مساجد در صبح‌ها و عدم اقامه نماز صبح در آنها کوشش کنیم. امیدوارم با همکاری هم، سال آینده که این گزارش را خدمت مقام معظم رهبری می‌دهیم، تعداد مساجدی که در آن نماز صبح اقامه می‌شود، به نصف کل مساجد کشور رسیده باشد.

این بهترین جمع برای اشاعه نماز صبح است و مطمئن باشیم خداوند متعال کمک خواهد کرد. باید این عیب بزرگ را از مساجد، خصوصاً ابتدا از مساجد استان تهران برطرف کنیم.

مسائلی که باید بررسی شود

بسته بودن در مسجد در صبحگاهان؛ نبودن امام جماعت در وقت نماز صبح؛ ضعف انگیزه مردم برای حضور در مسجد در صبح؛ البته تغییر سبک

زندگی مردم هم بسیار تأثیر گذار است؛ عدم همت هیئت امناء و بزرگان مسجد در این زمینه؛ عدم استقبال خادم مساجد؛ مشکلات و مشغله امام جماعت.

عوامل مؤثر در برگزاری نماز صبح

عامل اول امام جماعت است. امام جماعت، رهبر جمع و پیشوا است. باید جدیت کند تا برنامه‌ریزی تسهیل شود. هیئت امناء نیز باید به نماز صبح معتقد باشند؛ چون بعضی به نماز صبح و ظهر اعتقادی ندارند و فقط نماز مغرب برایشان مهم است. به علاوه باید به خادمین عزیز رسیدگی لازم شود و اگر مشکلی هست، برطرف شود. یا می‌توان از اهالی محل خادم افتخاری گرفت.

چند راهکار برای برگزاری جذاب نماز صبح

باید برنامه‌هایی که جاذبه نماز صبح را زیاد می‌کنند، قبل یا بعد از نماز در مسجد اجرا شود. مثل تلاوت قرآن که خودم تجربه آن را داشته‌ام. یک ربع قبل از نماز قرآن می‌خواندیم تا آماده نماز شویم و حال خوشی دست می‌داد و بعد از مدتی، قرآن را ختم می‌کردیم.

یا می‌توان بعد از نماز یک برنامه پیاده‌روی یا کوهنوردی داشته باشید. عده‌ای را تشویق کنید که نذرشان را بدهند. می‌توان از تبلیغ تلویزیونی برای این امر استفاده کرد.

استفاده از ظرفیت نهادها راه دیگر است که به عهده ما است. به عهده مرکز ما است که هماهنگی‌های کلانش را انجام دهد؛ از حوزه گرفته تا شهرداری و بسیج.

راه دیگر استفاده از ظرفیت اسوه‌ها و پرچم‌داران است؛ اینکه تجربیات خود را در اختیار دیگران بگذارید.

ما همچنان فعالیت می‌کنیم، همکاری نهادها را دریافت می‌کنیم و از نواحی گزارش می‌خواهیم تا دیگر مسجدی نباشد که نماز صبح در آن برگزار نشود. امسال بانام حضرت فاطمه زهرا (ع) آغاز می‌شود. فرض بر این است که برنامه عید مردم برگزار شود؛ اما باید فاطمیه

را پررنگ برگزار کرد. تعطیلات باعث نشود این مناسبت کم‌رنگ بر گزار شود. امیدوارم خداوند ما را از آبادگران مساجد قرار دهد.

قدردانی از پرچم‌داران صبح

در پایان برنامه از تعدادی از مدعوین قدردانی شد. این افراد تقدیرنامه‌های خود را از دست حجت الاسلام حاج علی اکبری، حجت الاسلام صادق زاده مدیریست محترم فعالیت‌های دینی شهرداری تهران و حجت الاسلام مطلبی، عضو شورای سیاست‌گذاری مرکز امور مساجد، دریافت کردند. آقای حاج علی اکبری تصریح کرد: آنچه دلخواه ما است این است که از همه شما بزرگواران تقدیر شود، اما با توجه به امکانات، بر اساس شاخص‌هایی عده‌ای برای این کار انتخاب شده‌اند.

افراد تقدیر شده در برنامه به ترتیب این بزرگواران بودند: آیت‌الله محمدرضا غروی از مسجد گلشن، آیت‌الله محمدتقی محمدی گلپایگانی از مسجد حجت (ع) آیت‌الله سید علی اصغر هاشمی از مسجد جامع چیدر، حجت الاسلام اسماعیل گوهری، حجت الاسلام علی اکبر حسینی از مسجد فائق، حجت الاسلام محمدباقر شریعت‌پناه از مسجد حضرت عباس (ع) حجت الاسلام غلامعلی شجاع منظری از مسجدالرسول، حجت الاسلام سید ابراهیم سیدی نژاد از مسجد ثارالله (ع) حجت الاسلام حسین محقق قمی از مسجد امام سجاد (ع) حجت الاسلام سید محمد بنی سعید لنگرودی از مسجد شهده، حجت الاسلام سید مسعود قاضوی از مسجد امام جعفر صادق (ع) حجت الاسلام محمد قاسمی از مسجد بعثت، حجت الاسلام حسین منطقی از مسجد المتقین، حجت الاسلام سید ابوالفضل نوری از مسجد چهارده معصوم (ع) حجت الاسلام محمدحسن بهشتی از مسجد صاحب الزمان (ع) و حجت الاسلام حسن عدالتی از مسجد سادات حسینی.

خادمان بهشت‌های زمین

گزارشگر: علی اصغر غلامی

«حدود ۳۸۰۰ مسجد در استان تهران وجود دارد که از این تعداد، در بیش از ۲۵۰۰ مسجد نماز جماعت اقامه می‌شود و ۲۵۱۱ خادم دارای پرونده در مرکز امور مساجد هستند».

این را حجت الاسلام آقایسی، معاون مرکز رسیدگی به امور مساجد، در همایش خادمان بهشت عنوان کرد؛ همایشی که برای پاسداشت زحمات خادمان مساجد تهران برگزار شده بود. این همایش شاید اولین همایشی بود که موضوع آن خادمان مساجد بودند. خادمان اغلب مسن بودند و صفای ظاهر و باطن آنها در نگاه اول قابل تشخیص بود. بازحمت‌هایی که می‌کشند و حساسیت‌هایی که نسبت به نظافت مسجد دارند، برای اهالی مسجد کاملاً آشنا هستند. معمولاً «مشتی»‌هایی هستند که با کمری اندک خمیده، جارو به دست در گوشه گوشه مسجد می‌توان ردی از آنها یافت؛ همان‌هایی که با تشرهای گاه‌وبیگاه، موجبات فرار همراه با خنده بچه‌های شیطان و کم‌سن و سال را فراهم می‌آورند.

این همایش از آن جهت اهمیت دارد که به قشری توجه داشت که به نظر نمی‌آید در فرآیند تکامل جامعه نقشی داشته باشند. آری! «بابا»‌های مسجد نقش «ابراهیم خلیل الله» را برای خانه خدا ایفا می‌کنند؛ چرا که:

خداوند مسئولیت پاکی خانه‌اش را به حضرت ابراهیم سپرد

حجت الاسلام حاج علی اکبری، رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، تصریح کرد: پروردگار متعال وقتی می‌خواست عظمت و شأن جایگاه خدمتگزاری خانه خویش را بیان کند، با صدای بلند و در قرآن کریم نام یکی از بزرگ‌ترین پیامبران خود، یعنی حضرت ابراهیم و فرزندش حضرت اسماعیل (ع) و سرسلسله خلقت، حضرت خاتم‌رامی برد و وظیفه نظارت، طهارت و پاک نگه داشتن خانه خویش را به حضرت ابراهیم (ع) می‌سپارد: «وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ؛ و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: خانه مرا پاکیزه کنید».

وی ابراز داشت: اگر کسی خدمتگزاری خانه خدا نصیبش شد، باید از خدا در خواست کند که این کار را از او بپذیرد؛ چه اینکه ابراهیم و

اسماعیل (ع) چنین تقاضایی کردند و به خداوند متعال عرضه داشتند: «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ ای پروردگار ما، از ما بپذیر که در حقیقت، تو شنوای دانایی». همچنین باید در ادامه بگوید: «وَتُبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ و بر ما بخشش‌گر، که توبی توبه‌پذیر مهربان». هر قدر هم انسان به درستی خدمت کند و خانه خدا را برای مؤمنان و زائران الهی مهیا کند، گویا کوتاهی کرده و باید به درگاه الهی طلب عفو و بخشش نماید.

ایشان با بیان اینکه شخصیتی مانند حضرت مریم (ع) برای خدمتگزاری خانه خدا برگزیده می‌شود، گفت: برای اینکه مریم بتواند از عهده این کار بزرگ بر آید، مادرش او را به حضرت زکریا (ع) سپرد و از خداوند چنین درخواست کرد: «رَبِّ اِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي؛ پروردگار، آنچه در شکم خود دارم، نذر تو کردم تا آزادشده [از مشاغل دنیا و پرستشگر تو] باشد؛ پس، از من بپذیر».

وی اظهار داشت: راز خادمی خانه خدا این است که شما خادمان مساجد به جای صاحب‌خانه از میهمانان استقبال می‌کنید و در واقع خداوند متعال به عنوان صاحب‌خانه، این کار را به شما سپرده است.

رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد با بیان اینکه کار شما خادمان از مصادیق بارز عمران و آبادانی خانه خدا است، عنوان کرد: کسی لایق خادمی خانه خدا است که دارای این صفات باشد: اهل زکات بودن، نترسیدن از غیر خدا، با ایمان بودن و صفاتی از این قبیل. لذا خادمی مساجد نعمت بزرگی است و به کسی که این امکان داده می‌شود، در جایگاه ابراهیم، اسماعیل و در مقام مریم (ع) و اولیای خدا قرار می‌گیرد.

وی با تأکید بر اینکه به همان اندازه که منزلت خادمان خانه الهی بزرگ است، مسئولیتش نیز سنگین است، تصریح کرد: مردم ما عظمت و ظرفیت خدمت به مسجد را آن گونه که شایسته است، نمی‌شناسند و این، نیازمند فرهنگ‌سازی است؛ به



طوری که همه مردم آرزو کنند مسجدا را جوارو بزنند و به مقام شما غبطه خورند.

حجت الاسلام حاج علی اکبری اظهار داشت: از لحاظ معنوی نمی‌توان جایگاه خادمی مسجد را با کار دیگر مقایسه کرد؛ اما به لحاظ دنیایی شغل خادمی مساجد باید جزء مشاغل سخت لحاظ شود.

وی ادامه داد: در بیشتر موارد مساجد ظرفیت و امکانات لازم را برای عرض ارادت به مؤمنان ندارند؛ از این رو مرکز رسیدگی به امور مساجد به لحاظ قانونی و مادی هر اندازه که بتواند، باید از جایگاه خادمان حمایت و دفاع کند. رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد ابراز داشت: بر خود فرض می‌دانیم از طریق آموزش خادمان، جایگاه، شأن و توان خادمان مساجد را برای خدمت بهتر ارتقا دهیم و به خانواده‌ها و فرزندان ممتاز شما عزیزان توجه تازه‌ای داشته باشیم.

وی خطاب به خادمان مساجد حاضر در جلسه خاطر نشان کرد: نباید نوع نگاه مردم و کارگزاران مسجد و امور مساجد باعث شود شما کارتان را دست کم بگیرید؛ چرا که اولیای خدا کار شما را بزرگ می‌دانند. این گونه نباشد که به دلیل اینکه دیگران قدر کار شما را نمی‌دانند، شما از مسئولیت خود کوتاه آید؛ بنابراین شما خادمان مساجد عاشقانه، هنر مندانه و مجاهدانه خدمت کنید.

حاج علی اکبری گفت: امیدوارم روزی برسد که خادمی مساجد دارای رتبه ویژه علمی شود و هر کسی نتواند به آن راه یابد. خادمان مسجد باید با روان‌شناسی کودک و حرفه لازم برای سلامت مسجد و تمامی مشکلاتی که ممکن است برای حضور مؤمنان در مسجد اتفاق افتد، آشنا باشند

و دوره‌هایی را در این زمینه بگذرانند.

نابین نوع نگاه مردم و کارگزاران مسجد و امور مساجد باعث شود شما کارتان را دست کم بگیرید؛ چرا که اولیای خدا کار شما را بزرگ می‌دانند.

پی‌نوشت

۱. بقره: ۱۲۵.
۲. همان: ۱۲۷.
۳. همان: ۱۲۸.
۴. آل عمران: ۳۵.



فرآیند یک فراخوان

فرآیند ایده‌های مسجدی

محمد رضا محمدی پیام

مقدمه

«عضوهیئت داوری و سردبیر فرآوری ایده‌های مسجدی» در این مقاله سعی دارد بار عایت اختصار، پس از شناساندن مفهوم ایده در خوانش مسجدی آن، چگونگی تولید ایده‌های مسجدی و مراحل آن را توصیف کند. این مقاله، اهداف فام، مؤلفه‌های فرم ایده، جهات مثبت و منفی و محاسن و معایب ایده‌ها، مراحل فرآوری و ساماندهی ایده‌ها را نیز از نظر گذرانده است.

شاید وقتی مهمان خانه خدا، یعنی مسجد، می‌شویم، به در و دیوار نگاه می‌کنیم و تندتند نقشه می‌کشیم که اگر اینجا خانه ما بود، کدام دیوارش را بر می‌داشتیم و کجا اثیغه می‌کشیدیم و چه طرح‌ها و بر نامه‌ها در این پایگاه معنوی اجرا می‌کردیم! غافل از اینکه یادمان می‌آید اینجا خانه خداست و تمام نقشه‌های مادر ذهنمان نقش بر آب می‌شود. پیام رهبر انقلاب را باز خوانی می‌کنیم؛ می‌بینیم مسجد خانه خدا و خانه مردم نامیده شده است. پیام خدا را قرائت می‌کنیم: «وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفُتِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ» در می‌یابیم که مسجد خانه‌ای است برای یک دیدار و نجوای عاشقانه و اجتماعی آگاهانه که یک سوی این ملاقات، خداست و سوی دیگر بندگان خدا.

وانگهی تمام ایده‌های تخیلی ما به واقعیت می‌پیوندند و می‌توانیم طرح‌ها و ایده‌ها یمان را در یک همایش به نام «فام» شرکت دهیم.

ایده چیست؟

ایده یک اصطلاح است. امروزه طرح‌واره‌هایی که نه «تصور محض» به شمار می‌روند و نه «طرحی پیش‌رفته و حرفه‌ای»، ایده نام دارند. نقشه‌های پیچیده پروژه‌های عمرانی در آغاز یک تصور بوده، ولی پس از اندکی ابتدا به یک ایده، سپس به دست متخصصان به طرح و نقشه فنی تبدیل شده است.

ایده مسجدی چیست؟

ایده‌هایی که در باره مسجد از ذهن‌های هوشمند اهل مسجد می‌تراود، گاهی در حد نیم خط، یک خط، یک بند و یک صفحه تا یک مقاله و حتی در حد یک طرح نافر جام است. اهل مسجد می‌اندیشند و برای رونق مسجد، دائم موضوعاتی به ذهنشان خطور می‌کند؛ از در ورودی تا سقف مسجد و از محراب تا سرویس‌های بهداشتی و از برنامه‌های جوانان تا هنرمندی‌های بانوان و تک‌تک شئون مسجد. این اندیشه‌ها که نامش را ایده‌های مسجدی می‌گذاریم، می‌توانند منشأ صدها طرح اثر گذار باشند.

فام چیست و چه اهداف و برنامه‌هایی دارد؟

«فراخوان ایده‌های مسجدی» که به اختصار فام نامیده می‌شود، برای دریافت، دسته‌بندی، فرآوری، انباشت در بانک ایده و قرار دادن در معرض بهره‌برداری امامان جماعت و هیئت‌امنا و دیگر ارکان و اعضای مساجد، در سایت مرکز رسیدگی به امور مساجد تأسیس گردیده است که به اقدامات زیر می‌پردازد:

۱. تولید و دریافت ایده با برگزاری فراخوان و مسابقه و پشتیبانی از سامانه ارسال و مصاحبه و تحقیق جهت شناخت و تعریف ایده به وسیله سایت و آموزش رابطان در سراسر استان‌ها؛

۲. تهیه «فرم ایده» برای انتقال یک‌دست طرح‌های ایده‌پردازان و تسهیل مراحل داوری و

طبقه‌بندی؛

۳. شناسایی ایده‌های نامتوازن که شامل تمام شاخص‌های ایده نیستند و تبدیل آنها به ایده‌های منضبط و استاندارد (مطلوب) با افزودن یا کاستن از آنها (تکمیل یا تلخیص)؛

۴. اصلاح ادبیات و عبارات و جایگزین کردن واژگان کلیدی به جای واژگان نامتعارف یا خارج دستور؛

۵. رنگ‌بندی ایده‌ها در طیف‌های سبز (عالی)، آبی

(خوب)، فیروزه‌ای (متوسط)، سفید (تکراری) و زرد (ضعیف) برای سهولت دستیابی و ارزشیابی آنها توسط کاربران بانک ایده؛

۶. تغییر و پرورش ایده‌های تکراری با برجسته‌سازی نقاط تمایز آنها و آفرینش ایده‌های جدید؛

۷. باز تولید ایده‌های معمولی برای ارتقای آنها در حد ایده‌های سبز و آبی.

فرم ایده ۲ شامل چه مؤلفه‌هایی است؟

۱. عنوان‌های پیشنهادی

عنوان‌های پیشنهادی در دو شکل انجام می‌شود: شکل اول عنوان‌های ادبی و زیبا است که شاید محتوای ایده از آنها قابل فهم نباشد؛ مانند شکوفه‌های بهشت برای ایده مهدکودک مسجد. اما شکل دوم عنوان‌های فنی و گویا است. این عنوان نیز برای تبیین فنی ایده لازم است؛ مانند مهد قرآن مسجد که عنوان گویایی است.

۲. گفتمان‌سازی

در این بخش فرم، ایده‌پرداز به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا مقدمات فکری و فرهنگ‌سازی برای اجرای این ایده لازم است؟ اگر پاسخ بله است، چه مقدماتی و چگونه؟

۳. بیان مسئله

هر ایده‌ای در پی یک مسئله در ذهن افراد شکل می‌گیرد. باید ایده‌پرداز بنویسد که درد چه بوده که در مان آن با اجرای این ایده تحقق خواهد یافت؟

۴. فرآورده‌ها

نتایج عملی و ملموس ایده در این بخش نوشته می‌شود.

۵. مکان و زمان

محل و زمان دقیق یا محدوده زمانی و مکانی اجرای ایده در این بخش ذکر می‌شود.

۶. مجری و مخاطب

افراد فعال، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با اجرای ایده و نیز مخاطبان و گروه هدف در بهره‌مندی از این ایده، در این بخش مشخص می‌شوند.

۷. توضیح اجمالی و توضیح تفصیلی

یک بار ایده در کمتر از دو سطر و بار دیگر به صورت گویا و با ادبیات معیار و عمومی بیان

می‌شود.

۸. بایدها و نبایدها

قیود ایجابی و سلبی ایده در بایدها و نبایدها و قیود غیر لازم، ولی اثر گذار و رسانای بهتر ایده به مقصود، در بخش زینت‌ها نوشته می‌شود.

۹. ایده‌های مرتبط

ایده‌های مکمل و مقدمه‌ساز برای ایده مورد بررسی، در این بخش یاد می‌شود.

۱۰. برچسب‌ها

واژگان راهنما و کلیدی که با ساختن فرهنگ اصطلاحات ایده می‌توانند شبکه‌ای برای دسترسی آسان به ایده‌ها بسازند، در این بخش می‌آید. این بخش بر عهده فراوران بام می‌باشد.

۱۱. اسناد موجود

فایل‌های ضمیمه، عکس، فیلم، متن، جزوه، کتاب، نمودار، طرح، فرم، لیست منابع و مآخذ و صوت و نرم‌افزار، هر یک می‌توانند به اجرای بهتر ایده در دیگر مساجد کمک کنند.

۱۲. نمونه‌ها

نشانی مساجدی که این ایده به صورت آزمایشی یا دائمی در آنجا اجرا شده، در این بخش نوشته می‌شود تا با مراجعه به آنها بتوان نمونه عینی ایده را بررسی کرد.

۱۳. پشتوانه نظری

غالباً ایده‌دارای مبانی علمی-دینی یا اجتماعی-سیاسی یا تجربی-عقلی هستند. این مبانی در این بخش ذکر می‌شود.

۱۴. ایده‌پرداز

مرکز بنا دارد هر ایده بنا نام و مختصات اولین ایده‌پرداز در این بخش به نمایش گذاشته شود تا هم حق تألیف رعایت شود و هم بزرگداشتی باشد برای وی و هم راهی برای اینکه کاربران بتوانند ایده را از طریق خود او دنبال کنند. در این راستاسن، تجربه، سمت و تحصیلات شخص، به اختیار وی در سایت درج می‌شود. ایده‌های منفی و مثبت با چه ملاک‌هایی مشخص می‌شوند؟

یک ایده ممکن است جهات منفی و مثبتی داشته باشد که

در موارد زیر به آن اشاره شده است.

جهات منفی	جهات مثبت
ایجاز مختل و اطناب ممل	مساوات و بلاغت در عبارات
ابهام در عبارات و مفاهیم	فصاحت و روشنی متن و تبیین اصطلاحات
ادبیات نامناسب و غیر معیار	ادبیات معیار و پیراسته و ویراسته
ادبیات نامتوازن و ناهمگون؛ گاه ادبی، گاه ساده	ادبیات یک‌دست و یکپارچه
ادبیات دشوار نگار و اصطلاح‌پرداز	ادبیات ساده و همگانی
ادبیات محلی، بومی و منطقه‌ای	ادبیات عمومی و جهانی
تخیلی بودن و شخصیت‌پردازی کاذب	واقع‌گرایی در نگارش و صداقت در بیان جزئیات
شخصیت‌زدگی و توجه بیشتر به افرا ده جای ایده	توجه به ایده به جای شخصیت‌ها و اسامی
نداشتن اسناد و ضائم مورد نیاز	دارا بودن اسناد و فایل‌های اثباتی واضح و منطقی
سرقت ایده از ایده‌پرداز اصلی	اصیل بودن و ابتکاری بودن ایده
تکراری بودن ایده	جدید و بدیع بودن
پیش پا افتادگی و نازل بودن	برجستگی و تحسین برانگیز بودن
حل نکردن مسئله‌ها و مشکلات مسجد	اثر بخشی، ثمر بخشی، در مانگری و مسئله‌محور بودن

ایده‌ها چه فرآیندی را طی می‌کنند؟

ایده‌های مسجدی پس از دریافت و دسته‌بندی اولیه توسط رابطان یا از طریق سایت، به دست داوران می‌رسد و آنها پس از بررسی و گزینش اولیه، ایده‌های منتخب را به مرحله نهایی داوری ارسال می‌کنند. این تقسیم‌بندی‌ها تا مرحله پایانی جهت تسهیل کار بوده، اثر تعیین‌کننده در داوری فنی نخواهد داشت. پس از این مرحله و تعیین ایده‌های سبز و برگزاری مراسم تجلیل از ایده‌پردازان برتر، کار فرآوری ایده‌ها توسط تیم تکمیل و تلخیص و تصحیح آغاز شده، ایده‌ها برای حضور در بانک، ساماندهی می‌شوند. البته باید ایده‌پرداز مطالبش را با فرم کلیشه‌ای و مصوب بانک هماهنگ و همخوان نماید تا در مرحله داوری بتواند رتبه برتر را به خود اختصاص دهد.

یکی از مهم‌ترین کارهای فراوران، یک‌دست‌سازی واژگانی و ادبی ایده‌ها است. ادبیات نوشتاری و لغات ارجاعی در این مرحله با درخت‌واره و پیوندی‌های تار عنکبوتی بام هماهنگ می‌شوند و هر گونه کاستی و ناهم‌واری نگارشی ایده‌ها اصلاح می‌گردد. این بخش در حیطه فعالیت تیم فرآوری است؛ اما حسن اجرا در بقیه بخش‌ها می‌تواند در این بخش تأثیر گذار باشد.

پی‌نوشت

۱. «و اگر خدا بعضی از مردم را با بعض دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجد... حج: ۴۰»
۲. در شماره سوم در بخش اهداف و برنامه‌های فام به آن اشاره شد.





نیاز حقیقی و نیاز غیر حقیقی

حوزه‌های گوناگون نیازمندی به ایده

دکتر میثم لطیفی

میل جوانی

مرتضی اسلامی

«شخصی که به مسجد می‌آید و نماز جماعتش ترک نمی‌شود، توسط یکی از مقدسین مورد عتاب قرار می‌گیرد که اگر مسمانی چرا ریشت را این طور کرده‌ای؟ آواز همان جاسجاده را برمی‌دارد و می‌گوید: این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان. رفت که رفت»^۱

یکی از مهم‌ترین گروه مخاطبان مساجد، جوانان هستند. دوران جوانی به دلیل ناپختگی، کم‌تجربگی، احساسات شدید و مشکلات بلوغ، اقتضانات خاص خود را دارد. در این دوران از یک طرف خطاپذیری و از طرفی روحیه استقلال‌طلبی و ستیزه‌جویی، زمینه چالش‌ها و تضادهای این بزرگ‌ترها و این قشر به وجود می‌آورد.

شیوه بر خوردن با جوانان بسیار ظریف و حساس است و متأسفانه بسیاری از دست‌اندرکاران مساجد، بدون توجه به واقعیات و روحیات و خواسته‌های دوران نوجوانی و جوانی و مشکلات ویژه آن دوران، اقدام به واکنش‌های تند و افراطی می‌کنند و چه بسا یک یا دو برخورد نسنجیده، برای همیشه یک عده را از مساجد و عرصه تربیت دینی دور گرداند.

جوانان به کسی نیاز دارند که بتواند آنها را درک کند و با مشکلات آنان آشنا باشد. کسی که بفهمد در دنیای کنونی که انواع و اقسام راه‌های ارتباطی فراهم است و دشمن دام‌های نهفته خود را برای جلب آنها پهن کرده است، چه راهکارهایی برای جذب آنان به مسجد و معنویت وجود دارد؟ کسی که بفهمد، نیازهای جوان امروزی با جوانان دیروز و میان سالان و کهن سالان امروز متفاوت است.

باید راه‌های ارتباط با جوانان را شناخت و از روش‌های کارآمدی‌جادر تباط استفاده کرد. توجه به این داستان، می‌تواند ما را در این امر یاری کند. امیر المؤمنین (ع) با خدمت‌کارش قنبر برای خرید لباس به بازار رفتند و دو پیراهن دوو سه در همی خریدند. امام (ع) پیراهن سه در همی را به قنبر دادند. قنبر گفت: شما به آن سزاوار ترید، چون شما بالای منبر می‌روید و خطبه می‌خوانید. امام (ع) در پاسخ فرمود: «لَتَّ شَابٌ وَ لَك شُرَّةُ الشَّبَابِ»؛ تو جوان هستی و میل جوانی داری». بنابراین هر برنامه‌ای که قرار است برای این قشر طراحی شود، باید با در نظر گرفتن «میل جوانی» باشد.

پی‌نوشت

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۰۱.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹۳.

ایده، حرف نو و ارزشمندی است که ظرفیت و قابلیت تبدیل شدن به جریان ارزشمند را دارا است. ایده مثل بذراست. بذرها گوناگونند، برخی ارزشمند هستند و برخی ارزان؛ برخی مفیدند و برخی مضر. همان طور که همه بذرها قیمت یکسان ندارند، ایده‌ها هم ارزش برابر برخوردار نیستند.

حال این سؤال اساسی پیش می‌آید که قیمت ایده به چیست؟ چه چیزی ایده‌ای را از دیگر ایده‌ها ممتاز می‌کند و نگاه‌ها و توجه‌ها را به خود جلب می‌کند؟ قطعا در ذهن خواننده معیارهای متعددی وجود دارد که بسیاری از آنها درست است. اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل ارزش‌گذاری ایده، میزان نیاز به آن ایده است. نیاز امروز و فردا، نیاز فردی، خانوادگی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی، نیاز فوری و نیاز عمقی، نیاز

حقیقی و نیاز غیر حقیقی؛

اینها نکات مهمی هستند که ایده‌پرداز در انتخاب موضوع و حوزه ایده، باید به آن توجه کند تا آنچه می‌نویسد و عرضه می‌کند، مفید باشد و از ایده و علم غیر نافع فاصله گیرد. مسجد یک پدیده مقدس اسلامی است که در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی اثرگذار است. مسجد از عناصر و مؤلفه‌های متعددی

تشکیل شده است که هر یک نیازمند توجه و دقت هستند تا عملکرد بهتری داشته باشند.

آنچه امروز نیاز اساسی مساجد است، ایده‌پردازی در حوزه ایفای هر چه بهتر نقش مسجد در جامعه است؛ نقشی جامع و کامل؛ همان گونه که در صدر اسلام بوده است. ایده‌پردازی در خصوص نقش امام جماعت در ارتقای نقش مسجد، نقش مدیریت داخلی و هیئت‌امناى مسجد، نهادهای فعال و مقدس بسیج و کانون فرهنگی، نقش اهالی محله در رونق و ارتقای کارکردهای مسجد و مواردی از این قبیل، نیازمند ایده‌پردازی است.

مسجد، خانه خدا و مردم و مکان خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم است؛ بنابراین کارکرد اصلی آن فراهم آوردن زمینه عبادت است. آیا مساجد ما عموماً چنین ویژگی را دارند؟ راه‌های تقویت کارکردهای عبادی و ارتباط و تعامل مؤمنان در مسجد چیست؟

البته مسجد کارکردهای متنوع دیگری نیز دارد؛ چه اینکه عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی، پایگاه سیاست و نهاد تعلیم و تربیت نیز است. شناسایی کارکردهای مورد نیاز برای هر مسجد با توجه به مکان، زمان و مخاطب خاص، از نیازهای جدی است که باید همواره

نمایان ساختن تصویر مسجد اسلامی در میان بناهای دیگر و فاصله گرفتن آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان دیگر و عمران مساجد و پرداختن به آرایه‌های معنوی و ظاهری آن، از ضرورت‌هایی است که به مطالعه و ارائه طرح‌های عملی توسط شهرسازان و معماران و در نگاهی کلان‌تر برنامه‌ریزان مدیریت شهری نیاز دارد.

سنجیده، مقایسه و به‌روز شود.

امروزه و در هیاهوی ساختمان‌های عریض و طویل و مجلل - خصوصاً در کلان‌شهرها - مساجد گم شده‌اند. نمایان ساختن تصویر مسجد اسلامی در میان بناهای دیگر و فاصله گرفتن آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان دیگر و عمران مساجد و پرداختن به آرایه‌های معنوی و ظاهری آن، از ضرورت‌هایی است که به مطالعه و ارائه طرح‌های عملی توسط شهرسازان و معماران و در نگاهی کلان‌تر برنامه‌ریزان مدیریت شهری نیاز دارد.

به علاوه راهکارهای نوین بسیج‌خیرین مسجدساز و شیوه‌های هدایت سرمایه‌های خردمردمی در ساخت و احیای مساجد، می‌تواند ما را از خطر کمبود مسجد یا ضعف و نارسایی مساجد مصون سازد. راهکارهای انگیزه‌بخشی و توانمندسازی خیرین و عموم مؤمنان از حوزه‌های نیازمند ایده‌پردازی است.

شناسایی و تقویت رابطه تمام‌عیار میان مسجد و مراکز آموزشی، اعم از کلاس‌های محلی قرآن، مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه در هر محل، یکی از نیازهای ضروری است که باید درباره آن ایده‌پردازی کرد. تشویق دانش‌آموزان برجسته و ممتاز محله، در مسجد و در برابر چشم مردم و از سوی



دارالتربیت

مرتضی اسلامی

مسجد مکانی است که کسی نمی‌تواند ادعای ملکیت آن را داشته باشد. آنها خانه‌های خدا بر روی زمین هستند و در آن به روی همه انسان‌های آزاده باز است. هر کسی می‌تواند به فراخور حال خود بهره‌ای از آن ببرد و در آن حضور پیدا کند.

یکی از مکان‌هایی که مسجد را آن احداث می‌کنند، بازار است؛ جایی که مردم زیادی برای تأمین مایحتاج خود در آن حضور می‌یابند. ساخت مسجد در بازار، مخصوصاً در شهرهای بزرگ که تردد در آن با مشکلاتی مواجه است، به ویژه برای بیماران، کهنسالان، کودکان و بانوان، اقتضانات خاص خود را می‌طلبد.

در گذشته نیز برای نیازهای عمومی و معمولی چاره‌اندیشی می‌شده است. مثلاً در مسجد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که محل انجام کلیه امور حکومتی بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) محل‌های متعددی را برای فعالیت‌های خاص در نظر گرفته بودند که امروزه نیز در محل هر یک از آنها ستونی قرار دارد و به نام آن شناخته می‌شود؛ مثل «استوانه الوفود» که محل ملاقات پیامبر (صلی الله علیه و آله) با قبایل و گروه‌هایی بود که برای دیدار آن حضرت به مدینه می‌آمدند، یا «استوانه الحرس» یعنی ستون پاسداری که مکان خاصی بود که امیرالمؤمنین (ع) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) پاسداری و نگهبانی می‌کردند. مکان دیگری بود که حضرت در آنجا استراحت می‌نمودند که به «ستون سریر» به معنای «تخت» نامیده می‌شد یا ستون‌های دیگری که هر کدام به مناسبتی قرار داده شده بودند؛ مثل ستون توبه، ستون قرعه و ستون تهجد.^۱

نکته مهم اینکه همه این مکان‌ها برای کار مشخصی بود؛ اما در وقت نماز از همه آنها برای اقامه نماز جماعت استفاده می‌شد.

مساجد بازار نیز می‌توانند با تأسی به این سیره، پذیرای کسانی باشند که برای انجام کارهای شخصی و امور زندگی در بازار حضور پیدا می‌کنند و به دلیل مشکلاتی به استراحت نیاز دارند. در این بین مسجد می‌تواند با در نظر گرفتن رسالت فرهنگی خود، در قالب CD، نرم‌افزار، بروشور و سایر کالاهای فرهنگی و با توجه به نیاز مخاطب و رعایت حال او، فعالیت فرهنگی خود را پیگیری کند.

پی‌نوشت

۱. رسول جعفریان، آثار اسلامی مکه و مدینه، ج ۱، ص ۲۲۷.

کودک ایده پرداز

مرتضی اسلامی

هر ساله با هدف افزایش هوش و خلاقیت کودکان، در دروس آموزشی تغییراتی صورت می گیرد. امکانات، تجهیزات و فناوری اطلاعات نیز با این هدف در دسترس نوجوانان و جوانان قرار می گیرد. با این حال یکی از بزرگ ترین دغدغه های خانواده ها و مسئولان تربیتی، پرورش فرزندان خلاق و باهوش است.

مسجد به نوبه خود می تواند در حوزه پرورش خلاقیت کودکان ورود پیدا کند و راهکارهایی را در نظر بگیرد که بتواند کودکانی ایده پرداز در فضای دین و مسجد تربیت کند.

مساجد می توانند با استفاده از امکانات بسیار محدود و کم هزینه، این فضا را برای کودکان فراهم آورند و از این ظرفیت عظیم بهره ببرند.

همنشین کتاب
برگزاری جلسات و نشست های کتابخوانی در پرورش خلاقیت کودکان بسیار مؤثر است. کودک از این طریق با تفکرات و واژه ها و ادبیات جدیدی آشنا می شود و ذهن او درگیر یک مسئله جدید خواهد شد. می توان در بعضی از کتاب ها، از کودک بخواهیم تا پایان کتاب را او بنویسد یا باز گو کند. البته نباید فراموش کرد که از کتاب های مناسب سن و جنس آنها استفاده شود.

خانه نقاشی

هر مسجد می تواند با استفاده از امکانات و مکانی که در اختیار دارد، فضای را فراهم آورد تا کودکان در موضوعات مورد نظر به طراحی و نقاشی بپردازند. آشنایی با شیوه های ساده نقاشی و نمایش نقاشی های کودکان می تواند به کودکان کمک کند که از ایده های دیگران در نقش و رنگ برای طرح خود استفاده کنند.

صنایع دستی

کار دستی می تواند با استفاده از خمیر بازی یا وسایل دورریختنی یا کاغذ و چسب و ... انجام بگیرد. در ضمن آموزش مهارت ساخت کار دستی، می توان از آنها در خواست کرد که در باره یک موضوع خاص، ایده و کار دستی خود را ارائه دهند و در پایان، برای تشویق و برانگیختن حس رقابت آنان، آثار آنها را ارزیابی و درجه بندی کرد.

محراب ← پرونده مسجد



مسجد ایده پرداز

نقش امام جماعت در ایده پردازی و اجرای ایده

حجت الاسلام و المسلمین هادی قهّار

«عمران مساجد و پرداختن به آرایه های معنوی و ظاهری آن، وظیفه همگان است و هر کس به اندازه توان و همت، باید در آن سهیم گردد. روحانی دانا و مسئولیت پذیر و پرهیزگار می تواند و می باید محور این منظومه تلاش مقدس باشد»^۱.

در آباد کردن مساجد عوامل متعددی نقش دارند که امکانات مالی و سخت افزاری، بخشی مهم از آن را تشکیل می دهند؛ اما مهم تر از آن، داشتن برنامه و نرم افزار مناسب برای آباد کردن مسجد است. موقعیت مالی و امکانات فوق العاده، بدون وجود طرح و برنامه های مناسب، گره گشای مشکلات مسجد نخواهد بود. چه اینکه ممکن است مسجدی با وجود مشکلات مالی و کمبود امکانات، به دلیل وجود طراحی و برنامه ریزی های بهینه، آبادی اش بیش از میزان امکانات مادی ظاهری اش باشد.

اما این طراحی و برنامه ریزی بر عهده کیست؟ از کجا باید ایده های نو و مناسب برای عمران معنوی و ظاهری را تهیه کرد؟ پاسخ این است که این مسئولیت علاوه بر هیئت امنای مساجد، بر عهده همه مؤمنان است؛ چرا که: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ؛^۲ مساجد خدا را تنها کسانی آباد می کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده اند».

سؤال بعدی اینکه چگونه باید طرح های مؤمنان و اهالی مسجد را جذب کرد و به کار گرفت؟ به نظر می رسد امام جماعت به عنوان شخصیت اصلی ای که هدایت برنامه های فرهنگی - معنوی مسجد بر محور او می چرخد، می تواند از این جایگاه و موقعیت برای خلق، ترویج و اجرای ایده بهره گیری نماید. جزئیات این قضیه که چگونه باید اهل مسجد را تشویق به ایده پردازی و تلاش برای اجرای آن کرد، تا حدود زیادی به ذهن خلاق و شخصیت خود امام جماعت برمی گردد.

علاوه بر این، نکاتی کلی نیز وجود دارد که قابل توصیه به عموم ائمه جماعات است و حالت عمومی دارد. این نکات کلی که برای اهل آن فقط تذکر و یادآوری است، ممکن است حاوی برخی نکات جدید برای برخی دیگر نیز باشد.

۱. در منبر های عمومی به عنوان یک مقدمه یا نکته ویژه، روایاتی خوانده شود که در اهمیت عمران و آبادانی مساجد، هم از بُعد ظاهری و هم از بُعد معنوی - وارد شده است. این مطلب به صورت مکرر مطرح شود تا تأثیر گذار باشد. بیان این نکات باید به گونه ای باشد که مخاطب حس لازم برای ایده پردازی در مورد بهبود و رشد وضعیت مسجد را پیدا کند. در این مرحله می توان از نکاتی از تاریخ صدر اسلام و فعالیت های مختلف پیامبر

اکرم و امیر المؤمنین (علیهما السلام) در مساجد استفاده کرد تا ذهن اهالی مسجد به کارکردهای مختلف مسجد جلب شود.

۲. از مردم خواسته شود مشکلات، نقص ها و ضعف های برنامه های مسجد را بیان کنند. سپس دیدگاه های آنان جمع بندی شود و خلاصه و گزارشی از آن برای همگان بیان گردد.

۳. از مردم خواسته شود برای حل مشکلات و مسائل مطرح شده، راه حل هایی ارائه کنند. این راه حل ها به نام افراد ثبت شود و در صورت ویژه بودن، به صورت عمومی مطرح شود تا انگیزه های برای دیگران شود تا راه حل هایی را که به فکرشان می رسد، مطرح کنند.

۴. برای اینکه راه حل ها منطبق بر واقعیت باشد، محدودیت های امکانات مسجد نیز گوشزد شود.

۵. انتظار این است که بیشترین و بهترین ایده ها از نسل جوان اخذ شود. از آنجایی که در بیشتر مساجد جوانان صرفاً بخشی از نماز گزاران را تشکیل می دهند، برای اینکه به طور ویژه بتوان از ظرفیت فکر و خلاقیت آنان استفاده کرد، بهتر است امام جماعت جلسات ویژه ای برای جوانان مسجد برگزار کند و آنها را از اهمیت عمران معنوی و ظاهری مسجد، مشکلات و نقایص آن مطلع سازند و از آنان بخواهد که برای حل این مشکلات، راه حل ارائه دهند. این جلسات می تواند به صورت بارش فکری یا طوفان فکری صورت گیرد تا افراد درون جلسه، ذهنشان درگیر حل مشکلات مسجد شود.

۶. بعد از به دست آوردن ایده های مناسب، زمان اجرا است. برای این کار بهترین افراد کسانی هستند که به خلق ایده کمک کرده اند؛ البته در مقام اجرا خوب است از حمایت و تجربه بزرگ سالان نیز کمک گرفته شود. معمولاً انگیزه جوان ها و نوجوان ها برای چنین کارهایی بیشتر است. امام جماعت می تواند با تقسیم کار متناسب با ظرفیت افراد و مدیریت صحیح، اجرای ایده را به طور دقیق پیش ببرد.

۷. اقدام نهایی در این فرآیند، تهیه گزارش از برنامه های اجرا شده و عرضه آن به اهالی مسجد است. گزارش باید حاوی نکات مثبت و دستاوردهای اجرای ایده باشد.

پی نوشت

۱. بخشی از پیام معظم رهبری به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز؛ ۱۳۸۹.
۲. توبه؛ ۱۸.



مسجدی مطابق میل بانوان

مرتضی اسلامی

بر خلاف مردان که همیشه باید در جلو و مرکز و جایی که سهل الوصول تر باشد حضور داشته باشند، زنان در کناره ها و تاریک ترین جای مساجد جای دارند. این روند همیشه به همین شکل بوده و تغییر آن با مشکلاتی همراه است. حداقل کاری که در این حوزه می توان انجام داد این است که از بانوان کمک گرفته شود تا مکانی را که در اختیار آنان قرار گرفته است، بتوان بهتر مدیریت کرد و بر کمبودها و مشکلات فائق آمد.

هر چند که هزینه طراحی دکوراسیون برای مساجد زیاد است، هستند دانشجویان و مهندسان طراحی که حاضرند این کار را «قربه الی الله» انجام دهند. بانوان نیز به جهت جنسیت و روحیاتی که در زمینه چیدمان، نظافت و طراحی منزل دارند، می توانند ایده های جذابی ارائه دهند تا مسجد و مکان حضور آنان نیز از آراستگی و چیدمان راحتی برخوردار باشد.

شاید یکی از دلایل در نظر گرفتن جایگاه مردان در طراحی و معماری مسجد این باشد که بیشتر مباحث مهندسی مساجد، توسط مردان صورت می گیرد. مثلاً در کشور ترکیه بیش از ۸۲۶۰۰ مسجد وجود دارد که همه آنها - به جز یکی - توسط مردان طراحی شده است.

مسجد «شاکرین» در شهر استانبول، تنها مسجدی است که با همکاری خانم زینب فادیلی اوغلو، متخصص طراحی داخلی، طراحی شده است. در طراحی داخلی مسجد شاکرین، توجه ویژه ای به جایگاه زنان شده است. فضایی که برای محل عبادت زنان در نظر گرفته شده، از نظر وسعت و حجم تزئینات، به اندازه قسمت مردان است. فادیلی اوغلو در این باره می گوید: «من قسمت زنانه را در قسمت بالکن قرار دادم؛ زیرا در زمان اقامه نماز جماعت، زنان باید پشت مردان قرار گیرند... اما من تصمیم گرفتم بالکن مسجد را به یکی از زیباترین قسمت های مسجد تبدیل کنم؛ جایی که چلچراغ کریستالی مسجد درست در مقابل آن قرار دارد و شما می توانید از آنجا به راحتی محراب را ببینید».



ایده‌های اجرایی

چگونگی اجرای موفق یک ایده

مقدمه

افزایش روزافزون سرعت و حجم تغییرات در ابعاد مختلف زندگی بشر، هر سیستم و سازمانی را برای بقا، به نوآوری در فعالیت‌های خود نیازمند ساخته است. نوآوری، خود معلول پدیده و فرآیند دیگری با عنوان ایده و ایده‌پردازی است. تغییرات سریع و گسترده ذکر شده، در کنار پیچیدگی کم‌نظیر حوزه فرهنگ، اهمیت ایده و ایده‌پردازی را در فعالیت‌های این حوزه دوچندان می‌نماید. در همین راستا فراخوان ایده‌های مسجدی (فام)، گامی اولیه اما ان شاء الله مبارک در این مسیر است که با هدف اعتلای مساجد کشور از طریق تولید و ترویج ایده‌های مترقی، آغاز گردیده است. ایده یک مفهوم یا یک اثر ذهنی است که در پی رفع یک چالش، حل یک مسئله یا پاسخ به یک نیاز مطرح می‌شود. لازمه بدیهی دستیابی به اهداف ایده‌پردازی، تحقق فزاینده ایده و تبدیل آن به یک عینیت خارجی در قالب‌هایی چون محصول، خدمت، اثر، فعالیت و برنامه است.

از سوی دیگر چون نو بودن، عنصر اصلی ایده به شمار می‌رود، نداشتن سابقه قبلی و تجربه عملی در مورد آن ایده، ویژگی طبیعی آن خواهد بود. این دو نکته یعنی عدم پشتوانه تجربی و ضرورت تحقق خارجی ایده از یک سو و ملاحظات و حساسیت حوزه‌های فرهنگی و به طور خاص مساجد، ضرورت اهتمام به الزامات اجرای ایده‌های مسجدی را روشن می‌سازد. بر همین اساس و اکنون که بحمدالله جریان تولید ایده‌های مسجدی در مسیر رشد قرار گرفته است، در راستای ترویج و اجرای موفق ایده‌های ناب تولیدشده، مراحل و ملاحظات کلی جهت جاری‌سازی ایده‌های مبارک مسجدی به اختصار مورد توجه قرار می‌گیرد.

از کجا شروع کنیم؟

تمام تلاش ایده‌پردازان و فعالان حوزه فرآوری ایده‌های مسجدی، با اهتمام به مسائل، چالش‌ها و نیازهای

مساجد کشور انجام می‌پذیرد؛ اما طبیعتاً دغدغه‌ها و مسائل و اولویت و اهمیت آنها با توجه به اقتضات مساجد مختلف کشور، متفاوت است. بر همین اساس به منظور بهره‌مندی مؤثر و بهینه از بانک ایده‌های مسجدی (فام)، گام مقدماتی، شناسایی دقیق مسائل و اهمیت هر یک از ایده‌ها در مسجد یا مساجد هدف است. تهیه فهرستی از مسائل و نیازهای مسجد یا مساجد مورد نظر، می‌تواند ما را به شناسایی ایده‌های مناسب و اولویت اجرای آنها رهنمون سازد.

چه مراحل را طی کنیم؟

ایده‌ها یا یکدیگر متفاوتند؛ اما پس از انتخاب ایده، گام‌های زیر به صورت کلی برای جاری‌سازی هر ایده قابل تصور است:

۱. تبدیل ایده به طرح: باید توجه داشت که یک ایده خام، لزوماً یک طرح عملیاتی نیست. گام اول برای اجرای ایده، تهیه طرح اجرایی برای آن است. در صورتی که یک ایده فقط بیان یک راه حل کلی باشد، باید طرح آن مشتمل بر مقدمات و پیش نیازها، الزامات، شرایط مکانی و زمانی، مجری، مخاطب، زمان بندی، فهرست هزینه‌ها، موانع و محدودیت‌ها و سایر عوامل مؤثر در اجرای ایده، تهیه شود.

۲. توجیه و جلب مشارکت افراد ذی‌نفع یا ذی‌نفوذ: هر فعالیت و برنامه‌ای، مجموعه‌ای از افراد را در خارج یا داخل مسجد، تحت تأثیر قرار داده یا تحت تأثیر عکس‌العمل مجموعه‌ای از افراد قرار می‌گیرد. باید ضمن شناسایی این افراد یا گروه‌ها، برای توجیه ایشان و در صورت نیاز، تأمین نظر یا جلب مشارکت آنها، اقدام نمود. از این طریق زمینه توفیق هر چه بیشتر ایده و رفع نواقص یا موانع را فراهم ساخت. این افراد ممکن است امام جماعت، هیئت امناء، کانون فرهنگی، بسیج، همسایگان مسجد، شهرداری، رسانه‌ها و... باشد.

۳. فراهم نمودن مقدمات: یک طرح

مناسب، مقدمات و پیش نیازهای مؤثر در اجرای ایده را شامل می‌شود که باید این پیش نیازها قبل از ورود به فاز اجرا فراهم شود. نمونه‌ای از این مقدمات می‌تواند شامل کسب مجوزهای لازم از مراجع ذی‌صلاح، اطلاع‌رسانی، هماهنگی با مجموعه‌های ذی‌ربط، تأمین منابع انسانی و مالی یا حتی در مواردی فرهنگ‌سازی باشد.

۴. اقدام: در این مرحله متناسب با نوع ایده، اجرای ایده صورت می‌گیرد. طبیعتاً ممکن است به تناسب تفاوت ایده‌ها اجرای ایده خود دارای گام‌ها، مراحل یا الزامات جزئی تری باشد. اجرای مرحله به مرحله، استمرار و تکرار، سطح بندی و زمان بندی متفاوت، از جمله اقتضات مرحله اقدام برای ایده‌های مختلف است. برای مثال ممکن است ایده یک دوره آموزشی دارای سطح بندی خاص خود باشد که باید در مرحله اقدام، به تقدم و تأخر سطوح توجه نمود.

۵. ارزیابی فرآیند و نتایج اقدام: ایده‌ها عموماً پیش از اجرا در جریان امکان‌سنجی، ارزیابی می‌شوند؛ اما طبیعی است که در مقام عمل نتایج متفاوتی حاصل شود. این نتایج می‌تواند ناشی از دو موضوع باشد. منشأ اول ماهیت خود ایده است که به دلیل نو بودن دارای زوایای پنهانی است که در جریان اجرا آشکار می‌شود. منشأ دوم عملکرد مجریان در مقام تهیه طرح و اجرا است که می‌تواند به تقویت یا تضعیف ایده منجر شود. چه بسا یک طرح کامل در کنار اقدام سنجیده و حساب شده، نواقص ایده را پوشش داده و کارآمدی آن را ارتقا دهد یا ضعف در اجرا، برای ایده‌ای ناب نتایج معکوسی در پی داشته باشد. ارزیابی اقدام، زمینه شناسایی ضعف‌ها و قوت‌ها و منشأ آنها را فراهم می‌سازد.

۶. مستندسازی و ثبت تجارب: این مرحله از آن جهت که بیشتر مورد غفلت واقع می‌شود، نسبت به سایر مراحل از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که یک ایده نو، در جریان اجرا، آزمایش می‌شود و به یک تجربه

تبدیل می‌گردد. مستندسازی مراحل، نتایج، محدودیت‌ها، ضعف‌ها، قوت‌ها و بازخوردهای اخذ شده، زمینه اصلاح، بهبود و نهایتاً ترویج و نشر ایده را فراهم می‌آورد و از دوباره کاری جلوگیری می‌کند.

چه نکاتی زمینه توفیق بیشتر اجرای ایده را فراهم می‌کند؟

توجه و تأکید به برخی نکات راهنما، زمینه‌ساز پیشگیری از اشکالات و فراهم آوردن زمینه‌های موفقیت بیشتر است. برخی از این ملاحظات عبارتند از:

– مطمئن شوید که ایده منتخب را به درستی فهمیده‌اید: نکته اساسی در فهم یک ایده، درک هدف آن و به تعبیری مسئله یا نیازی است که ایده برای آن طرح شده است. این هدف همیشه به صورت صریح در بیان ایده نیست؛ اگر چه در تبدیل ایده به طرح باید مورد توجه قرار گیرد. فهم درست ایده، تضمین‌کننده انتخاب مناسب آن برای اجرا است.

– مطمئن شوید که ایده نیاز شما را برطرف می‌کند: باید مراقب بود که نداشتن پاسخ مناسب با مسئله پیش روی ما یا مواجهه با ایده‌ای جذاب، نباید ما را به انتخاب ایده‌ای ناسازگار با مسئله سوق دهد. به کارگیری ایده‌های غیر منطبق با نیاز، نتیجه‌ای در بر ندارد و باعث می‌شود ایده، در جای خود قابل استفاده نباشد.

– اقتضات ایده را نیز در نظر بگیرید: شاید این ادعا که در هیچ زمینه‌ای ایده‌ای جهان‌شمول وجود ندارد، گراف نباشد. به صورت طبیعی، هر ایده‌ای برای ظرف زمانی و مکانی خاص یا مخاطبی ویژه یا متناسب با منابعی مشخص، مطرح شده است. پس باید از انطباق این اقتضات با موقعیت کاربری ایده اطمینان حاصل نمود. برای مثال چه بسا ایده‌ای برای کودکان و نوجوانان مسجدی جذاب و مؤثر باشد و در مقابل، برای عموم نمازگزاران بزرگ‌سال زنده و آسیب‌ناجلوه کند.

– با پیش بینی موانع و محدودیت‌های

پیش رو، تدابیر لازم را اتخاذ کنید: طبیعی است که هر حرکتی - به ویژه هنگامی که دارای نوآوری و همراه با تغییر باشد - با موانع و محدودیت‌هایی مواجه خواهد بود. در تهیه طرح و اجرای ایده، تلاش کنید فعالانه این موانع و محدودیت‌ها را شناسایی کنید و برنامه‌ریزی مقتضی را انجام دهید. مقاومت افراد، عدم استقبال مخاطب و فقدان منابع کافی، از جمله موانع معمول به شمار می‌رود.

– ایده را در زمان مناسب خود به کار گیرید: یک ایده مطلوب همانند یخ است که اگر به موقع استفاده نشود، آب می‌شود و از دست می‌رود. از دست دادن زمان منجر به کهنگی ایده و بعضاً ناکارآمدی آن می‌شود. برای مثال، ایده‌ای که برای فضا سازی قبل از ماه مبارک رمضان یا هدف رونق حضور نمازگزاران در مسجد، مطرح شده است، اگر پس از شروع ماه رمضان به اجرا درآید، اثر بخشی لازم را نخواهد داشت.

– به عمق و دامنه اثر ایده توجه کنید: ایده‌های مختلف، هم به لحاظ گستره اثر گذاری و هم به لحاظ ماندگاری و عمق اثر، متفاوتند. بدیهی است هر چه گستره و عمق تأثیر ایده بیشتر باشد، برای اجرای مطلوب‌تر است و اولویت بالاتری دارد. بر همین اساس ارزیابی دقیق و پیش‌بینی این دو بُعد در مورد هر ایده، مجریان را در انتخاب ایده‌های کارآمدتر یاری می‌رساند.

– بایدها و نبایدهای ایده را هم در نظر بگیرید: هر ایده - هر چند هم خوب - بر اثر عدم توجه به الزامات آن می‌تواند عوارض یا حتی نتایج معکوس در پی داشته باشد. طرح خوب برای یک ایده، شامل مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها است که بیانگر فعالیت‌های شایسته اقدام یا ترک، به منظور اثر بخشی ایده است که باید مورد توجه قرار گیرد.

در خاتمه و از باب تذکر باید تأکید کرد که میزان اثر بخشی این نکات و نکاتی از این دست، قطعاً در گرو و منوط به داشتن اخلاص در عمل است که فقط و فقط خدا است که به اعمال ما نتیجه و برکت می‌بخشد.



در صورتی که یک ایده فقط بیان یک راه حل کلی باشد، باید طرح آن مشتمل بر مقدمات و پیش نیازها، الزامات، شرایط مکانی و زمانی، مجری، مخاطب، زمان بندی، فهرست هزینه‌ها، موانع و محدودیت‌ها و سایر عوامل مؤثر در اجرای ایده، تهیه شود.



نکته اساسی در فهم یک ایده، درک هدف آن و به تعبیری مسئله یا نیازی است که ایده برای آن طرح شده است. این هدف همیشه به صورت صریح در بیان ایده نیست؛ اگر چه در تبدیل ایده به طرح باید مورد توجه قرار گیرد.



مستندسازی و ثبت تجارب: این مرحله از آن جهت که بیشتر مورد غفلت واقع می‌شود، نسبت به سایر مراحل از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که یک ایده نو، در جریان اجرا، آزمایش می‌شود و به یک تجربه تبدیل می‌گردد. مستندسازی مراحل، نتایج، محدودیت‌ها، ضعف‌ها، قوت‌ها و بازخوردهای اخذ شده، زمینه اصلاح، بهبود و نهایتاً ترویج و نشر ایده را فراهم می‌آورد و از دوباره کاری جلوگیری می‌کند.



حجت الاسلام دکتر محمدی پیام

باید دو محور را در نظر داشته باشیم: اول هدف نهایی و دوم گام‌های متمادی که به هدف نهایی ختم می‌شود. ایده‌ها اندیشه‌های جدیدی هستند که قرار است به طرح تبدیل شوند؛ لذا باید در برنامه‌های بعدی، تبدیل این ایده‌ها به طرح رادر دستور کار داشته باشیم. بدین منظور ایده‌ها باید در بانک ثبت و تکمیل شوند و ایده‌های تکمیل و تجهیز شده، برای مرحله اجرا آماده گردند.

یک سری واژه‌های کلیدی در بانک ایده‌های مسجد وجود دارد که می‌توان آنها را به عنوان فرهنگ مسجد یا فرهنگ واژگان مسجد تدوین کرد تا نقشه راه بام طراحی شود. در بعضی از این واژگان تا به حال خلق ایده صورت نپذیرفته و با این کار، این خلاقیت‌سازایی و رفع می‌شود.

وقتی این ایده‌ها به طرح تبدیل شدند، نوبت توسعه و پخش می‌رسد. بدین منظور باید قابلیت‌هایی برای این طرح‌ها تعریف کرد تا در هر مسجدی با هر گونه ظرفیت و پتانسیلی به اجرا آیند.

مرحله بعدی مکتوب و مدون کردن طرح به منظور عملیاتی شدن آنها است.

گام بعدی، نظارت بر طرح‌های در حال اجرا و ارزیابی پس از اجرا است که مستلزم امتیاز بخشی و تشویق و ترغیب طرح‌های موفق است.

مرحله بعدی، آسیب‌شناسی طرح‌های اجرا شده به منظور آسیب‌زدایی آنها است.

در مرحله آخر، این ایده‌ها و طرح‌ها به تألیف درآید و به صورت کتاب یا نشریه در اختیار عموم مخاطبان قرار گیرد. علاوه بر این، باید آن را در قالب یک نرم‌افزار به زبان‌های گوناگون درآورد تا مخاطبان در سایر کشورها نیز بتوانند از آن بهره‌گیری کنند. می‌توان از طریق سایت و فضای مجازی نیز این هدف را دنبال نمود.

۲. اجرای ایده: از این به بعد تعداد ایده‌های دریافتی به شدت کاهش یا حتی پایان می‌یابد؛ لذا باید به دنبال اجرایی کردن آنها باشیم.

۳. پیگیری: پس از اجرایی کردن ایده‌های رسیده، باید اجرای ایده‌ها ارزیابی و نحوه اجرای آنها مشمول امتیاز و تشویق و ترغیب شود. از مخاطبانی که ایده‌ها را اجرایی کرده‌اند، گزارش‌هایی مبنی بر اجرای آن ایده به منظور ارزیابی و مستند کردن فرآیند اجرا دریافت شود. ۴. تمهیم: وقتی مرحله ارزیابی صورت پذیرفت و فهمیدیم ایده‌ای قابلیت اجرا دارد و موفقیت آن در عمل نیز ثابت شده است، می‌توانیم با فرهنگ‌سازی مناسب و تبلیغ، آن ایده را به سایر مساجد تعمیم دهیم.

نیاید از عرصه تبلیغ غافل شویم. در سفری که به کره رفته بودم، در سئول برای نماز به مسجدی رفتم که در دست وهابی‌ها بود. یا در ترکیه به قصد بازدید، به سازمان دیانت رفتم. خیلی خلوت بود. به ما گفتند: اعضا حضور ندارند و هم‌اکنون امکان بازدید فراهم نیست. وقتی از آنها علت را جویا شدیم، گفتند: ایام تبلیغی است و برای تبلیغ به سراسر ترکیه رفته‌اند. با اینکه ترکیه یک کشور لائیک است، به امور تبلیغی اهتمام دارند. ما نیز باید به تبلیغ اهمیت دهیم. بدین منظور شایسته است این اقدامات صورت گیرد:

۱. سایت ایده‌ها به دو یا چند زبان دنیا ترجمه شود. در یک مستند تلویزیونی، شخصی به نام عمر عبدالله که شیعه شده بود، دلیل شیعه شدنش را آشنایی با تفکر امام عنوان می‌کرد. او نام فرزندانش را امام خمینی، سید علی خامنه‌ای، محمد حسینی بهشتی و مرتضی مطهری گذاشته بود و می‌گفت: فقط به کتاب و مطالب نیاز دارم تا بتوانم در اینجا تبلیغ کنم و چیز دیگری از شما نمی‌خواهم. بنابراین ضروری است به زبان‌های دیگر نیز سایت داشته باشیم تا تبلیغاتمان فراگیر و جهانی باشد.

۲. افرادی را استخدام کنیم که این سایت را به زبان‌های مختلف معرفی کنند و به جهان اسلام بشناسانند.

در پایان، این نکته را متذکر می‌شوم که نام‌گذاری ایده‌ها و شناسنامه‌دار کردن آنها یعنی مشخص ساختن صاحبان آن - همچنین مکتوب کردن چگونگی اجرای آن، الزامی می‌نماید.

پس از به اجرا درآوردن ایده‌ها، نوبت به فراخوان تخصصی در زمینه رفع خلأها می‌رسد.

بنده با این نظر که ایده‌ها پایان خواهد یافت، مخالفم؛ زیرا هر روز فضای جدیدی در امور فرهنگی و حتی مسائل مسجد به وجود می‌آید که به تناسب آنها، باید ایده جدید طراحی و اجرا شود.

تبدیل این ایده‌ها به قانون و ابلاغ از ارگان‌هایی مثل امور مساجد و نهادهای مرتبط یا حتی مجلس و اختصاص بودجه به آن، یک امر ضروری در به اجرا درآوردن آنها محسوب می‌شود. مثلاً در مساجد یک صفحه قرآن خواندن در هر شب یک فرهنگ شده است؛ به طوری که حتی نمازخانه‌های سرراهی هم که امام جماعت و نماز جماعت دارند، آن را اجرا می‌کنند. این فرهنگ‌سازی باید به طریق صحیح به اجرا درآید و تدبیری اتخاذ شود که به سهولت انجام گیرد. ضمن اینکه باید از تهران شروع کنیم؛ چرا که مقام معظم رهبری فرمودند: «اگر تهران درست شود، کشور هم درست می‌شود و اگر تهران خراب شود، بقیه کشور هم خراب می‌گردد». پس چنانچه مساجد تهران اصلاح شود، سایر مساجد کشور نیز درست می‌شوند؛ بنابراین امر فرهنگ‌سازی و تهیه یک الگوی مناسب از این ایده‌ها، باید از مساجد تهران آغاز شود.



آقای دکتر لطفی

بعد از فام و تکمیل بانک ایده‌های مسجدی باید در چند حوزه کار صورت گیرد:

۱. پذیرش ایده: باید ایده‌ها در عملیاتی حساب شده به شکلی درآیند که مسجدی‌ها و مخاطبان آنها، با آرامش خاطر بتوانند این ایده‌ها را بپذیرند و به کار ببندند؛ یعنی باید جامعه هدف بپذیرد که ایراد و اشکالی وجود دارد که بدین وسیله می‌توان آن را رفع کرد.



محراب - پرونده مسجد

برجام فام

میزگرد تحلیل بر نامه‌های حال و آینده فام

تدوین: علی بانثی

مرکز رسیدگی به امور مساجد، با هدف دستیابی به مسجد طراز اسلامی و در راستای جذب حداکثری ایده و طرح‌های مسجدی از سراسر کشور، اقدام به برگزاری فراخوان ایده‌های مسجدی کرده است. این مرکز در صدد است با تکمیل و غنی‌سازی این ایده‌ها، بانک ایده‌های مسجدی تشکیل دهد. اولین دوره این فراخوان سال گذشته صورت گرفت که حدود ۱۸۴ اثر در قالب مقاله، ایده، شعر، داستان، فیلم، عکس و... به دبیرخانه فام ارسال شد. این دبیرخانه امسال نیز فراخوانی داده است با موضوع ایده‌های جدید و اجرای ایده.

در گفتگویی با مسئولان این طرح، چشم‌انداز فام، فرآیند خروجی و اجرایی کردن ایده‌ها و سرانجام فام را بررسی کردیم. آنچه در ادامه می‌خوانید، حاصل این گفتگو است.

نکته بعدی در بحث اجرای طرح است. با پشتیبانی و کمک‌های ویژه، می‌توان از فرآیند اجرایی این طرح‌ها، اعم از مالی و ظرفیت‌سازی، حمایت کرد. مثلاً با ایزنی‌های کلان با ارگان‌های مرتبط با مساجد، می‌توان کمک‌های آنان را جذب کرد و نباید در این زمینه به مساجد امید داشت؛ زیرا مساجد معمولاً توانایی رفع نیازهای خود را نیز ندارند.

گام بعدی، پیام‌دسنجی و اثرسنجی ایده‌ها است. ویژگی ایده نو بودن است. پس ممکن است چیزی به ذهن بیاید که در قالب عملیاتی، نتوان به آن استناد کرد یا مشکلاتی به وجود بیاید که پیش‌بینی نشده‌اند. باید راهکار لازم در این مورد پیش‌بینی شود.

مرحله بعدی، ترویج و حرکت بین‌المللی در این عرصه است. باید ایده‌های فراملی جذب و ثبت شوند و این بانک ایده‌ها در صحنه بین‌المللی و مساجد جهان اسلام، قابل دسترسی و اجرا باشد. در این میان نباید از ایده‌های سیاستی غافل باشیم؛ ایده‌هایی که نیازمند قانون و مقررات ویژه است. متأسفانه امروزه در این حوزه با کاستی‌هایی روبه‌رو هستیم.

بحث بعدی تولید محصولات فرهنگی متناسب با این ایده‌ها است؛ مثل مهر امین که وقتی ایده آن داده شد، محصول اجرایی آن نیز در اختیار



آقای دکتر رازینی

قبل از هر کاری، باید ابتدا چشم‌انداز بلندمدت فام تبیین گردد. ضروری است که نهاد‌های مرتبط با مسجد نیز در این برنامه دیده شوند. سپس برای تثبیت و استحکام این چشم‌انداز، آن را به صورت مکتوب و مدون در آوریم و روند اجرای طرح‌ها، از ابتدا تا انتها، شرح داده شود. مرحله بعدی ثبت این طرح به عنوان یک حرکت فرهنگی است. علی‌رغم همه ضعف‌های این طرح، یک تجربه موفق و خوب بوده است که نهاد‌های مرتبط باید از آن مطلع شوند. ضمناً لازم است با فراهم آوردن قابلیت رصد و الگوبرداری، به مجموعه اسنادی تبدیل شود تا بتوان آن را معرفی کرد.



حجت الاسلام آقای حسینی

باید برنامه و الگویی برای اجرای ایده‌ها طراحی گردد.



۵۴



۶



۵۹

**نامی که
نخواست**

**رویارویی
علمای شیعه
با تمدن
غرب**

۶۲



۶۳



۶۴



۶۵



۶۶



۶۸



۷۰



۷۲



بر بلندای فام

معرفی سایت‌های بام و فام

کاری از دبیرخانه فراخوان ایده‌های مسجدی

«بام» عنوان اختصاری «بانک ایده‌های مسجدی» محصول نورسته اولین فراخوان ایده‌های مسجدی (فام ۱) است که مراحل تکامل آن در قالب دومین فراخوان ایده‌های مسجدی (فام ۲) در حال پیگیری است؛ فراخوانی که بنا دارد پوششی باشد ایمانی در راستای آبادانی مساجد الهی و کاهنده فاصله آن تا مسجد طراز اسلامی.

این محصول که در نوع خود بدیع و بی‌مانند است، تارنمایی است در فضای مجازی به نشانی

<http://bam.masjed.ir>

که قصد دارد چنان سفره‌ای رنگین، کام‌ذائقه‌های گوناگون اعضای خانواده مسجد، مردان، زنان، کودکان، نوجوانان و جوانانی که با عناوینی چون امام جماعت، مأموم، هیئت امناء، خادم، اعضای کانون فرهنگی، اعضای پایگاه مقاومت بسیج را که ماهیان این دریای عمیق اند، شیرین کند؛ لذا در این راه طیف متنوعی از ایده‌های خرد و کلان را در خود جای می‌دهد. در زیر به برخی از بخش‌های گوناگون آن اشاره می‌شود.

■ **صحن اصلی:** عنوان صفحه‌ای است که پس از ورود به «بام»، به عنوان صفحه آغازین، به معرفی چستی و چرایی «بام» می‌پردازد.

■ **ایده‌ها:** در این بخش دسته‌بندی‌های متعددی از ایده‌ها، به فراخور نیاز کاربر قرار گرفته است. این دسته‌ها عبارتند از:

■ مکان اجرای ایده: داخل مسجد، حیاط مسجد، خارج مسجد؛

■ مناسبت زمانی اجرای ایده: اعیاد و ولادت‌ها، رحلت‌ها و شهادت‌ها، دهه فجر و...؛

■ مجری ایده: امام جماعت، هیئت امناء، خادم، مأمومین، مسئولین، تشکل‌های مسجدی و...؛

■ مخاطبان ایده: عموم نمازگزاران، دانش‌آموزان، دانشجویان، بانوان، مسئولان و...؛

■ ایده‌های پرفیض (پرامتیاز): ایده‌هایی که از جانب کاربران، بیشترین امتیاز را گرفته‌اند؛

■ جدیدترین ایده‌ها: ایده‌هایی که به لحاظ زمانی، به تازگی بارگذاری شده‌اند؛

■ ایده‌های نرم‌افزاری: ایده‌هایی که شرط تأثیر آن، استفاده از سخت‌افزار خاصی نیست؛

■ ایده‌های سخت‌افزاری: ایده‌هایی که در قالب یک سخت‌افزار و با محوریت آن به ثمر می‌نشینند؛

■ **کلیدواژه‌ها:** آمیزه‌ای از واژگان اساسی و کلیدی ایده‌ها که به کاربر کمک می‌کند سریع‌تر به ایده مورد نظرش دست یابد؛

■ **رسانه:** عکس‌ها و فیلم‌های ایده‌محور در این بخش قرار دارند؛

■ **ارسال ایده:** چنانچه قصد بارگذاری ایده دارید، کاربرگ مربوطه در این بخش را تکمیل کنید؛

■ **عضویت:** شرط عضویت در این بانک، ثبت ایمیل (به عنوان نام کاربری) و یک رمز عبور است.

پی‌نوشت

۱. جهت آشنایی بیشتر خوانندگان محترمی که قصد شرکت در فراخوان ایده‌های مسجدی را دارند، درگاه bam.masjed.ir با یاد و بخش کلی فام ۱ و فام ۲ معرفی می‌شود که پاسخگوی تمامی نیازهای ایشان، اعم از تاریخچه، آیین‌نامه، راهنمای شرکت در فراخوان، اخبار فام و... است.
۲. «المؤمن فی المسجد کالسّمک فی الماء»؛ مؤمن در مسجد مانند ماهی در آب است. محمد غزالی، احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۱۳.

مطلب که دولت‌های قبل و حال تا چه اندازه به این نام‌گذاری‌ها جامه عمل پوشانده‌اند یا خیر، باید عرض کنم که اگر بگوییم هیچ نمره ندارند، سخنی نادرست است و اگر هم بگوییم نمره کامل دارند نیز درست نیست. به طور کلی دولت‌های بعد از انقلاب نوعاً تلاش کرده‌اند خود را همراه با ولایت نشان دهند، منتها عملکردشان در این راستا کم و زیاد داشته است. هیچ دولتی بعد از انقلاب نیامده که به صراحت اعلام رویاروی با ولایت کند و تا این قانون اساسی و این فرهنگ باقی است، چنین دولتی نخواهد آمد. وقتی مبنا چنین باشد، قهراً دولت‌ها تلاش می‌کنند در حد توان، خود را به این اهداف نزدیک کنند؛ البته در این عرصه معمولاً شعار دولت‌ها بیشتر از عمل بوده است. اما پاسخ برای ارزیابی کلی قوای سه‌گانه در این رابطه، این موضوع خودبه‌خود موضوع یک مصاحبه مستقل است و نمی‌شود در این مختصر صحبت کرد؛ ولی به طور مفصل در برنامه «شناسنامه» نظر خود را بیان کرده‌ام. به اختصار باید تصریح کرد که مجلس شورای اسلامی وظیفه قانونی خود را دارد و به عنوان تجلی مردم سالاری دینی تلاش کردند در این عرصه همراهی داشته باشند؛ اما اینکه چقدر قوانین مناسب وضع کرده‌اند، باید بگوییم هر سال یک نامی دارد و باید ارزیابی کرد در سال‌ها و نام‌ها چه مقدار تناسب بوده است.

در مورد دولت‌ها چون بنده دقیق خبر ندارم در دولت‌ها چه کارهایی در این راستا صورت گرفته است، خلاف انصاف می‌دانم که به عملکرد آنها نمره دهم. اما آنچه را که می‌دانم، این است که هم قوه مجریه، هم قوه مقننه، هم قوه قضائیه در مقام اظهار نظر، ابزار همراهی دارند. در مقام واقع و عمل هم احساس می‌کنم که در حدی که می‌توانستند کار کرده‌اند.

به نظر شما تبلیغ‌هایی که از رسانه‌ها یا در سطح

چرا اول سال این اتفاق می‌افتد؛ در حالی که قاعدتاً با تنظیم بودجه سال، یعنی قبل از سال باید این نام‌گذاری انجام شود؟ گاهی به نظر می‌رسد بودجه‌های مصوب دولت و مجلس با رویکرد این نام‌گذاری‌ها هماهنگ نیستند.

ابتدا باید تأکید کرد این نام‌گذاری‌ها ربطی به تنظیم بودجه سال ندارد. به دیگر عبارات این نام‌گذاری جهت‌گیری کلی است و جهت‌گیری به معنای پیگیری اهداف کلان کشور با هر اندازه از بودجه کشور است. هدف از نام‌گذاری‌ها این است که امکانات موجود در خدمت این اهداف قرار گیرد. اگر امکانات کم است، به همان اندازه و چنانچه این امکانات زیاد است، به مقدار زیاد؛ بنابراین نیازی نیست که قبل از سال تصمیم‌گیری برای نام‌سال شود؛ چرا که بیان اهداف و اصول است و نه مسائل خرد و ریزه‌کاری‌های کشور و قطعاً باید مسئولان نظام با این جهت‌گیری‌ها هماهنگ باشند.

آیا دولت‌های قبل و حال به این نام‌گذاری‌ها جامه عمل پوشانده‌اند یا به قول حضرت آقا، عملکرد دولت‌ها بیشتر تکرار لفظ بوده است؟ ارزیابی حضرت‌تعالی از عملکرد قوای سه‌گانه در راستای هماهنگ‌سازی خود در رابطه با نام‌سال چیست؟

کار صدا و سیما عمل در عرصه اجرایی نیست؛ بلکه وظیفه صدا و سیما اعلام و تبلیغ است. به نظر من صدا و سیما به وظیفه‌اش عمل می‌کند که در گوشه‌ای نام‌سال را می‌زند. اگر ایرادی باشد، ایراد بر آن وارد است که شعار عمل می‌دهند و عمل نمی‌کنند. اما اینکه «این گونه تبلیغ بی‌فایده است»، من چنین اعتقادی ندارم.

من حل مشکل را در طرح سؤال شما یعنی به طور کلی «تبلیغ را کنار بگذاریم، تلویزیون لازم نیست بنویسد سال فلان، بنر هم لازم نیست بزنند، بیلبورد هم لازم نیست بزنند و در عوض بروند کار کنند» بنده با این ادبیات مخالف هستم و معتقدم نباید افراط و تفریط داشت.

فلسفه نام‌گذاری‌های سال‌ها چیست؟ آیا این نام‌گذاری‌ها سمبلیک و نمادین است یا حکایت از یک حقیقت خارجی دارد؟

این نام‌گذاری‌ها که ابتکار مقام معظم رهبری است، در حقیقت کاری است اساسی در رابطه با سال‌های نو که حاوی باری فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. بار فرهنگی این نام‌گذاری‌ها آن است که نیاز جامعه در آن سال را نشان می‌دهد و اهمیت نیازسنجی جامعه را بیان می‌کند. بار اجتماعی نام‌گذاری سال، نشان‌دهنده این است که اجتماع باید به کدام سمت و سو حرکت کند تا به اهداف بایسته نائل شود و بار سیاسی این نام‌گذاری‌ها، جهت‌گیری سیاسی دستگاه‌های نظام را در بر دارد.

به عنوان نمونه سالی که در آن هستیم و در روزهای پایانی آن به سر می‌پریم، از سوی مقام معظم رهبری، سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نامیده شد که در این نام‌گذاری تمامی نیازهای کشور لحاظ شده است. باید تصریح کرد که در این نام، مسئله اقتصاد و فرهنگ مطرح است و راهکار این مسائل نیز با عبارت «عزم ملی و مدیریت جهادی» هم‌بیان شده است.

در پاسخ به سمبلیک بودن این نام‌گذاری‌ها باید تأکید کرد که بی‌تردید این نام‌گذاری‌ها نشان از یک واقعیت دارد و به هیچ عنوان نمادین و سمبلیک نیست. همان‌طور که بیان شد، هم نیازسنجی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور در آن قرار دارد، هم راهکار این نیازسنجی؛ لذا قطعاً عنوانی سمبلیک نیست.

مخاطب این نام‌گذاری‌ها چه کسانی هستند؟ مردم، دولت یا هر دو؟

هر دو، یعنی هم مردم و هم دولت. لکن مسئولیت دولت در تحقق اهداف این نام‌گذاری‌ها یقیناً بیشتر است.



اقتصاد بیمار موروث طاغوت وبی‌تدبیری

اهمیت و حسن تدبیر مقام معظم رهبری در نام‌گذاری سال‌ها در گفت‌وگو با آیت‌الله سید احمد خاتمی

«به کوشش مرتضی کاشانی»

بیش از یک دهه از نام‌گذاری رسمی سال نهم‌زمان با تحویل سال توسط مقام معظم رهبری می‌گذرد. این عمل به عنوان یکی از ابتکارات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۷۸ هم‌زمان با صدمین سال تولد رهبر کبیر انقلاب با عنوان «سال امام خمینی» به طور رسمی در کشور ایران نهادینه شد و هر سال به طور هم‌زمان با تحویل سال جدید شمسی، پیام ایشان خطاب به مردم و مسئولان از طریق صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به همگان اعلام و اطلاع‌رسانی می‌شود.

این رسم نام‌گذاری در سال نونشان‌گر مسیر اصلی و چراغ راهی برای امور مختلف کشور از جمله مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی است و چشم‌اندازی برای سال پیش‌رو در راستای حرکت در مسیر تعالی و پیشرفت ایران اسلامی برای تمامی مسئولان و مردم ترسیم می‌کند.

از آنجایی که در سال‌های اخیر، تأکید مقام معظم رهبری در نام‌گذاری سال جدید بر مسائل اقتصادی بوده است تصمیم به گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین احمد خاتمی، امام جمعه موقت تهران گرفتیم و درباره چرایی این نام‌گذاری‌ها توسط مقام معظم رهبری با ایشان گفت‌وگو کردیم.



شهرها می‌شود گاهی تأثیر عکس ندارد؟
صدا و سیما در طول سال بهترین کاری که می‌کند نام سال را به صورت یک لوگو گوشه و کنار صفحه تلویزیون به نمایش می‌گذارد، شهر داری‌ها نام سال را به صورت پوستر و بیلبورد از در و دیوار آویزان می‌کنند، در حالی که این گونه تبلیغ بی‌فایده است. باید وجدان‌ها را بیدار کرد. پیشنهاد شما در این زمینه چیست؟

سخن این است که نباید «نام سال» فراموش شود؛ زیرا اولین گام اجرایی شدن اهداف، فراموش نشدن این نام‌گذاری‌ها است. سؤال بنده این است که «اگر در تلویزیون گوشه صفحه نام سال نوشته شود، این چه منکری است؟» من عقیده‌ام این است که هم در قضاوت‌ها، هم تحلیل‌ها همه‌جانبه‌نگر باشیم. عملکرد تلویزیون و شهر داری برای تکرار نام سال در حد نیازش ضروری است، نه در حد افراط و اسراف. نکته‌ای که شما بیان دارید این است که به شعار اکتفا نشود. کار صدا و سیما عمل در عرصه اجرایی نیست؛ بلکه وظیفه صدا و سیما اعلام و تبلیغ است. به نظر من صدا و سیما به وظیفه‌اش عمل می‌کند که در گوشه‌ای نام سال را می‌زند. اگر ایرادی باشد، ایراد بر آنان وارد است که شعار عمل می‌دهند و عمل

نمی‌کنند. اما اینکه «این گونه تبلیغ بی‌فایده است»، من چنین اعتقادی ندارم.

بی‌فایده بودن این گونه تبلیغات به این دلیل است که علی‌رغم تکرار زیاد آنها در تمامی نهادها به خصوص صدا و سیما و شهر داری، عمل به آن نمی‌شود و صرف این تکرار موجب هجمه بار منفی برای مردم می‌شود. از طرف دیگر هشت، نه سال گذشته در نام سال‌ها نگاه اقتصادی وجود داشته که خود نشانه‌ای از ادامه داشتن مشکلات اقتصادی و اقتصاد بیمار است. به نظر شما تا چه زمانی باید در انتظار نام‌های اقتصادی بود؟

علت اینکه چندین سال است اقتصاد در نام‌گذاری‌های مقام معظم رهبری جایگاه دارد، این است که در عرصه عمل دشمن از این راه می‌خواهد ضربه بزند و این مسئله جزء بدیهیات است. البته مقام معظم رهبری از طرف دیگر در عرصه آرمانی روی مسئله فرهنگ تکیه کرده‌اند؛ زیرا دشمن در صدد دگرگون کردن هویت ملت و مردم ایران است که این مسئله را از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای انجام می‌دهند. در عرصه اجرایی هم قانون فشار بر انقلاب اسلامی و حتی دیگر ملل «مسائل اقتصادی» است و مقام معظم رهبری، این چشم‌بیدار است، درست تشخیص دادند که مشکل اقتصادی هست. اما من حل مشکل را در طرح سؤال شما یعنی به طور کلی «تبلیغ را کنار بگذاریم، تلویزیون لازم نیست بنویسد سال فلان، بنر هم لازم نیست بزنند، بیلبورد هم لازم نیست بزنند و در عوض بروند کار کنند؟» بنده با این ادبیات مخالف هستم و معتقدم نباید افراط و

تفریط داشت. نهادهایی که کارشان تبلیغ و اعلام است، آنها به وظیفه خودشان عمل می‌کنند و باید یادآوری دائم داشته باشند. البته مسئولان هم باید کار کنند و فقط شعار ندهند. این واقعیتی است و هر چیزی را باید در جای خود دید.

تا وقتی که آسیب هست، باید تلاش در جهت درمان این آسیب باشد. اما اینکه اقتصاد چپ‌زده‌ای را بیمار می‌خوانید، مسئله اقتصادی بیمار اولاً اقتصادی

است که ما از طاغوت به ارث بردیم و طی ۳۶ سال گذشته که طاغوتی در کار نبوده، مسئله اقتصاد کاملاً اصلاح نشده است؛ زیرا تغییر و اصلاح چاره‌جویی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی کشور زمان زیادی می‌برد و طول می‌کشد. از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران در عرصه اقتصادی در حال جنگ است؛ جنگی تمام‌عیار. همان‌طور که او با مادر تبلیغات انتخاباتی‌اش گفت که بی‌ظن‌ترین تحریم‌ها را در یک صد سال اخیر بر ایران تحمیل کرده‌ایم. وقتی وضعیت اقتصاد این چنین است، قطعاً باید گفت بخشی از بیماری اقتصاد ما «تحمیلی» است و این بیماری را به اقتصاد ایران تزریق کرده‌اند. البته بخشی را هم نمی‌شود انکار کرد که برخی سوءتدبیرها بوده و ریشه این سوءتدبیرها نگاه سیاسی به مسائل اقتصادی است. نباید به مسائل اقتصادی نگاه سیاسی داشت؛ بلکه باید در پی علاج در چارچوب قوانین و مقررات نظام اسلامی بود. باید نگاه به درون داشت، نه نگاه به بیرون؛ زیرا نگاه به بیرون آسیب‌زا است. اگر مردم را در انتظار توافق با پنج به علاوه یک گذاشتیم، این آسیب‌زا است. دلیل آنکه ما می‌دانیم طرف ما نمی‌خواهد اوضاع ما سامان یابد و مشکل طرف ما هم بمب اتم نیست. مشکل طرف مقابل هویت نظام اسلامی است. آنها نمی‌خواهند نظام اسلامی وجود داشته باشد و بهانه‌جویی آنها برای این مسئله است. وقتی وضعیت این چنین است، ما هیچ راهی نداریم که به عرصه اقتصادی نگاه کنیم. جز نگاه به درون داشته باشیم که در چارچوب اقتصاد مقاومتی است.

برای رفع این چالش‌ها چقدر ارتقاء فرهنگی می‌تواند تأثیر داشته باشد؟

من معتقدم ارتقای فرهنگی جامعه، تأثیر تام دارد. در این عرصه حتی نگاه فرهنگی و سیاسی در اقتصاد هم مؤثر است. نگاه فرهنگی یک مرتبه این است که ما به درون نگاه داشته باشیم و بر اساس امکانات موجود، اقتصادمان را ساماندهی کنیم. نگاه دیگر این است که دنیا یک مجموعه به هم پیوسته شده است و ما هم باید به جهانی شدن بیندیشیم. این دو نگاه

قطعاً باید گفت بخشی از بیماری اقتصاد ما «تحمیلی» است و تزریق کرده‌اند. البته بخشی را هم نمی‌شود انکار کرد که برخی سوءتدبیرها بوده و ریشه این سوءتدبیرها نگاه سیاسی به مسائل اقتصادی است. نباید به مسائل اقتصادی نگاه سیاسی داشت؛ بلکه باید در پی علاج در چارچوب قوانین و مقررات نظام اسلامی

تأثیر مستقیم در اقتصاد دارد.

یادر عرصه سیاسی یک نگاه این است که ما یک دولت هستیم، مثل دولت‌های دیگر، بدون توجه به ارزشی بودن؛ یعنی مثل دولت‌های دیگر ضمن اینکه مستقل هستند، اما بعضی رفتارها را ندارند، یک شعار را مدام تکرار نمی‌کنند و «مرگ بر آمریکا» شعار مداومشان نیست؛ این یک نگاه است. نگاه دیگر این است که ما یک نظام مثل دیگر نظام‌ها نیستیم، بلکه یک نظام ارزشی هستیم و اهداف و اصولی برای ما در بالاترین درجه اهمیت قرار دارد و اسلام، استقلال و نفرت از استکبار برای ما مهم است. این نگاه با نگاه قبلی متفاوت است. آن نگاه می‌گوید برویم به سمت سازش، این نگاه می‌گوید برویم به سمت «هیاهات من الذله». روشن است این دو نگاه تأثیر اقتصادی هم دارد؛ بنابراین ما باید به مسئله فرهنگ - فرهنگ در اینجا یعنی فرهنگ و انقلاب - توجه کنیم؛ لذا باید این دو فرهنگ را در رأس امورمان بدانیم؛ زیرا تا فرهنگ دین و فرهنگ انقلاب اسلامی است، انقلاب ماندنی است. آنگاه انقلاب آسیب می‌بیند که این فرهنگ آسیب ببیند.

فکر می‌کنید حضرت آقا برای سال آینده چه نامی را انتخاب کرده‌اند؟

مقام معظم رهبری شخصیت والا و بزرگی است که همانند جد بزرگوارشان نبی اکرم ﷺ و ائمه علیهم‌السلام به پیشنهادها و مشورت‌ها بها می‌دهند. در راستای نام‌گذاری سال‌ها، به ایشان پیشنهادهایی می‌شود، مشورت‌ها می‌شود و نظرهایی داده می‌شود؛ ولی این شخص مقام معظم رهبری است که تصمیم‌گیری می‌کند و تا قبل از تصمیم‌گیری هیچ کس نمی‌داند ایشان چه تصمیمی دارند و قرار است چه نامی برای سال بگذارند.

من در مورد نام سال هیچ حدسی نمی‌زنم و نیازی هم برای این کار نمی‌بینم. بعضی از حدس‌ها که در سال‌های سابق زده شده، نادرست بود. بنابراین اصلاً نیازی هم به این دیده نمی‌شود. چه دلیلی دارد ما حدس بزنیم که چه نامی برای سال آینده توسط مقام معظم رهبری انتخاب می‌شود؛ ولی این قدر یقین داریم که ایشان شرایط کشور را کاملاً در نظر دارند و بر اساس مصالح موجود نام‌گذاری خواهند کرد.

هر سال گامی به سوی پیشرفت

مروری بر جهت‌گیری مقام معظم رهبری در نام‌گذاری‌های هفت سال اخیر
سیدمحمدطاهاموسی

۱. یکی از سنت‌های زیبا و حکیمانه مقام معظم رهبری نام‌گذاری سال‌ها است که به نوعی نشانگر جهت کلی کشور در سال آینده است. از آنجا که بر طبق مستندات فقهی و قانون اساسی کشور یک از وظایف مهم رهبری در جامعه اسلامی ترسیم خطوط کلی جامعه و تعیین اهداف و مسیر دستیابی به آن اهداف است، مقام معظم رهبری از فضای قانونی و فرهنگی کشور بهترین استفاده را می‌کند و از سویی سیاست‌های کلی نظام را در عرصه‌های مختلف تعیین می‌کند و به تمام قوا و نهادهای حاکمیتی ابلاغ می‌کنند، و از سویی دیگر از فضای عمومی کشور و افکار عمومی آحاد ملت ایران نیز بهره‌می‌گیرند و با خطاب قرار دادن آنها مسیر جامعه اسلامی و سبک زندگی اسلامی را برای عموم مردم تبیین می‌کند، چرا که در نظام اسلامی، صاحب کشور مردم هستند و کارها باید به دست مردم سپرده شود. «کار وقتی دست خود مردم سپرده شد - که صاحبان کشورند، صاحبان آینده‌اند - آن وقت کارها به سامان خواهد رسید ... در هر نقطه‌ای اگر کار دست مردم قرار گرفت و مردم دارای هدف بودند - نه [نه] آدم‌های بی‌هدف، آدم‌های سرگردان در امور زندگی، گرفتار امور روزمره شخصی، آنها نه - هر جور کاری، سخت‌ترین کارها، کارهای نظامی، کارهای امنیتی، دست مردم وقتی افتاد، صحنه وقتی در اختیار مردم قرار گرفت، پیش خواهد رفت». بنابراین یکی از اهداف نام‌گذاری سال‌ها توسط مقام معظم رهبری اعتماد ایشان به مردم و خواست ایشان از مردم است تا همپای مسئولان نظام به ساخت نظام و پیشرفت کشور کمک کنند.

۲. انتخاب نام‌ها از سوی مقام معظم رهبری، بر اساس درک صحیح از شرایط عینی جامعه

است. ایشان با اشراف کاملی که به تاریخ گذشته ایران و با بلندنظری خاصی که به آینده این مرزوبوم دارند سعی کرده‌اند که به رهبری و مدیریت جامعه اسلامی ایران بپردازد. از این رو، متناسب با شرایط تاریخی (وضع موجود) و آینده در پیش رو (وضع مطلوب) به انتخاب نام سال‌ها می‌پردازد؛ چرا که هر سالی حلقه‌ای از حلقات گذار از وضع موجود به وضع مطلوب، از عقب‌ماندگی تاریخی به پیشرفت و تعالی کشور و از حاشیه جهانی به تمدن‌سازی نوین اسلامی است. بنابراین نام‌گذاری سال‌ها متناسب با نیازها و شرایط عینی جامعه انتخاب می‌شود تا مردم و مسئولان یک دل و هماهنگ در مسیر اعتلا و پیشرفت کشور حرکت کنند و سال به سال به آن اهداف بلند انقلاب اسلامی دست پیدا کنند. ۳. روشن است که در مسیر پیشرفت و اعتلای ایران اسلامی، دشمنان ملت ایران ناخشنودانه سنگ اندازی می‌کنند؛ چون که بیش از یک قرن برای کشور سلطه داشتند و منابع زیرزمینی ملت را غارت می‌کردند و مسئولان دولت‌های قاجار و پهلوی نیز همچون نوکران بی‌مزد و مواجب، حمایت گر منافع کشورهای اروپایی، آمریکا و رژیم صهیونیسم بودند. اما با انقلاب اسلامی دست تک‌تک آنها از دست‌اندازی به منابع غنی ایران و تسلط بر موقعیت استراتژیک منطقه غرب آسیا کوتاه گردید. علاوه بر آن انقلاب اسلامی، الهام بخش سایر ملت‌های آزادی خواهی شد که از ظلم مستبدان داخلی و استعمار آمریکا و کشورهای غربی خسته شده بودند. در چنین شرایطی، انقلاب اسلامی ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین مانع بر سر راه اهداف استعماری و ظالمانه آمریکا و چند کشور اروپایی بود. به همین جهت از ابتدای انقلاب اسلامی از طرق مختلف به ضربه زدن





شبهستان - راهبرد

درددلی غیر تخصصی

توجهی بیشتر به نام گذاری سال‌ها توسط رهبر فرزانه انقلاب

محمد معینی‌فر

سازند. دوره بیشتر پیش روی ما قرار ندارد: یا نفت تمام شود یا توکل ما به نفت، توسعه و پیشرفت کشور بدون حمایت از تولید داخلی و غیر نفتی و تکیه بر درآمدهای غیر نفتی امکان پذیر نیست که اگر چنین بود، این امر باید در سی سال صادرات نفت با فراز و نشیب‌های مختلف به وقوع می پیوست. اقتصاد بیمار ایران با غده سرطانی به نام نفت عجین گشته و تا زمانی که این غده از آن جدا نشود، چهره یک اقتصاد قدرتمند را به خود نخواهد دید. با وجود تمام مشکلات اقتصادی که کشور با آن روبه‌رواست و مردم به عنوان اصلی‌ترین مخاطبان این اقتصاد بیمار، با آن دست و پنجه نرم می کنند، دولت‌های قبیل و حال و احتمالاً آینده، اقتصاد خود را موفق و رو به رشد قلمداد کرده‌اند. دولت‌های گذشته و حال همواره با نشان دادن نمودارها و آمارهای مختلف در صدد نشان دادن وضعیت مطلوب هستند که به دنبالش بودند و به آن رسیده‌اند. هر قدر هم که دولت مردان آمارهای مختلف اقتصادی برای نشان دادن ثبات کشور ارائه دهند، تا زمانی که مردم این تحول را در سطح جامعه و زندگی شخصی خود لمس نکنند، این آمارها را نخواهند پذیرفت و فقط اعداد و ارقامی هستند روی اوراقی بی ارزش؛ اوراقی که معمولاً دولت‌ها

رهبر معظم انقلاب سال ۹۳ را سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نام گذاری کردند. اقتصاد و فرهنگ شاید این روزها چالشی ترین معضل جمهوری اسلامی باشد. اما داستان اقتصاد ما مانند همان مردی است که زیاد تخمه مصرف می کرد و زمانی که به وی گفته شد این کار عقل تورا زائل می کند، پاسخ داد: من خانه‌ام را فروختم و همه را تخمه خوردم؛ ولی عقلم هنوز سر جایش است. ایران با دارا بودن ذخایر متنوع جزء کشورهای ثروتمند محسوب می شود؛ ولی در عین حال شاهد وضعیت شکننده در اقتصاد آن هستیم. اقتصاد ایران طی سال‌های متمادی مبتنی بر نفت بوده و این ثروت خدادادی، مسئولان امر را از تلاش‌های عملی و کاربردی در جهت تولیدات محصولات دیگر اعم از کشاورزی و صنعتی به نحوی بی نیاز کرده‌است.

توسعه و پیشرفت کشور بدون حمایت از تولید داخلی و غیر نفتی و تکیه بر درآمدهای غیر نفتی امکان پذیر نیست که اگر چنین بود، این امر باید در سی سال صادرات نفت با فراز و نشیب‌های مختلف به وقوع می پیوست

فروش نفت و کسب درآمد از طریق آن و صرف بخش عظیمی از این درآمدها برای اهدافی غیر از اهداف عمرانی، رفاهی، درمانی و به طور کلی توسعه در تمام ابعاد، یک خسران است. از طرف دیگر تکیه بر این سرمایه باعث شده است مستکبران از این فرصت سوء استفاده کنند و در درآمد دولت‌های جمهوری اسلامی خلل وارد

۴. روشن است که هر گونه تحریم و دشمنی زمانی می تواند کارگر باشد که نقاط ضعفی در یک مملکت وجود داشته باشد و الا اگر نقطه ضعف درونی وجود نداشته باشد بزرگ‌ترین دشمنی‌ها و تهدیدهای خارجی و تحریم‌های اقتصادی نمی تواند کارگر باشد. با توجه به کارشکنی‌ها و دشمنی‌های آمریکا و چند کشور اروپایی دوشکال بزرگ در اقتصاد ایران وجود دارد که موجب پیشروی آنها شده است همچنان که در فرمایش مقام معظم رهبری آمده است «دوشکال بزرگ در اقتصاد ما وجود داشته است. یکی اینکه اقتصاد ما نفتی بود؛ یکی اینکه اقتصاد ما دولتی بود» این دو موجب شده است که اقتصاد ایران در برابر تحریم‌های دشمنان آسیب پذیر باشد و برخی از دولت‌مردان احساس ضعف کنند. دلیل مشکل بودن این دو عامل در روند اقتصاد کشور این است که موجب می شود مردم از فضای اقتصاد کنار گذاشته شوند و دولت و کشور نتواند از استعدادها، توانمندی‌ها، ابتکارات عموم مردم و به خصوص جوانان بهره بگیرد.

علاوه بر این دو اشکال ساختاری، چند اشکال مهم در فرهنگ اقتصادی مردم نیز وجود دارد که آنها نیز به مشکلات اقتصادی کشور دامن می زند. مسائلی همچون اسراف، هدر دادن منابع عمومی، مصرف زدگی، گرایش به مصرف مصنوعات خارجی و بی‌اعتنایی و نامهربانی به محصولات داخلی، کیفیت پایین برخی محصولات داخلی، فرار مالیاتی، بی‌اعتدالی به جوانان از جمله مواردی است که موجب تضعیف فرهنگ اقتصادی و مشکلات داخلی اقتصاد ایران شده است.

۵. با توجه به مقدمات پیشین می توان فهم بهتری از نام گذاری سال‌های اخیر توسط مقام معظم رهبری داشت. حضرت آقا حداقل در هفت ساله اخیر تأکید فراوانی بر مسئله اقتصاد داشتند و در همین راستا جهت گیری‌های سالانه دولت و ملت را روشن کرده‌اند. ایشان در پیام‌های نوروزی خود از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷ بر مسائلی همچون «عدالت اجتماعی»، «وجدان کاری و انضباط اجتماعی و انضباط اقتصادی و مالی»، «مقابله با ریخت و پاش، زیاده‌روی و اسراف»، «مبارزه با اسراف و زیاده‌روی و نابود کردن اموال عمومی و اموال شخصی» و «صرفه جویی»

به ایران دست زدند؛ همچون: تحریم خاموش اقتصادی، کودتای نظامی، تحریک قومیت‌ها، ترور رهبران، کمک به رژیم بعث در جنگ هشت ساله. اما به کمک الهی، بصیرت مردم و رهبری امام خمینی و مقام معظم رهبری کاری از پیش نبردند. جنگ بزرگ اقتصادی را علیه ایران به راه انداختند و تحریم‌های ظالمانه آشکاری را از اواخر دهه شصت اعمال کردند و آن را در اواخر دهه ۸۰ به اوج خود رساندند. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید: «از بعد از تمام شدن جنگ، یعنی از سال ۶۷ که هشت سال دفاع مقدس تمام شد، یک برنامه ریزی عمومی قدرت‌های استکباری وجود داشت برای اینکه نگذارند ایران اسلامی تبدیل بشود به یک قدرت اثر گذار اقتصادی در منطقه؛ سعی کردند، روی این کار کردند. خب، جنگ که تمام شد، ما شروع کردیم به برنامه ریزی برای مسائل اقتصادی و پیشرفت‌ها؛ مشغول برنامه ریزی شدیم؛ اینها فهمیدند که اگر جلوی ایران را نگیرند، اگر چنانچه اخلا لگیری نکنند، دخالت نکنند، مزاحمت نکنند، ایران اسلامی با توانایی‌های خود... با تکیه به اسلام، با تکیه به مردم، تبدیل خواهد شد به یک قطب اقتصادی منطقه‌ای و روی اقتصاد منطقه و اقتصاد بین الملل اثر خواهد گذاشت. لذا برنامه ریزی شد برای اینکه نگذارند. در زمینه اقتصاد، دشمن به معنای واقعی کلمه برنامه ریزی کرد؛ بعضی جاها صریح وارد میدان شدند، بعضی جاها بدون صراحت وارد میدان شدند». ایشان در تبیین اهداف دشمن می گویند: «دشمن حداکثر استفاده را از حربه تحریم می کند؛ هدفشان هم این است که ملت ایران را تحقیر کنند؛ هدفشان این است که این حرکت عظیمی را که فقط روی دوش ملت ایران می توانست انجام بگیرد، متوقف کنند. حرکت انقلاب اسلامی، حرکت نظام اسلامی، حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی را می خواهند متوقف کنند؛ چون می دانند این حرکت درست نقطه مقابل منافع سرمایه دارهای صهیونیست و کمپانی‌دارهای ظالم و خون خوار دنیا است. این را می فهمند و می بینند که این حرکت چطور در دنیا توسعه پیدای کند و ملت‌ها را متوجه خودش می کند؛ می خواهند جلوی این را بگیرند. این تحریم‌ها و این تهدیدها و این شرط و شروط کردن‌ها به خاطر این است»^۲.

پی نوشت

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم آذربایجان: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹.
۲. همان.
۳. همان.
۴. پیام نوروزی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۰.
۵. پیام نوروزی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۱.



در رسانه‌ها آن را به رخ مردم می‌کشند و فعالیت‌های خود را بر طبق همان آمارها تحلیل می‌کنند و بعد از هر گزارش این چینی، متخصصان مخالف و موافق به دفاع و رد این آمارها و اعداد و ارقام آن می‌پردازند. اقتصاد بیمار با نشان دادن آمار به مردم شفاف نمی‌گردد. اقتصاد بیمار به عزمی جدی نیاز دارد و استفاده از راهکارهایی که رهبر فرزانه در نام‌گذاری سال‌ها در دهه‌های اخیر به آن اشاره کرده‌اند. اقتصاد با «همت و کار مضاعف» شکوفایی و شکوفایی و «اصلاح الگوی مصرف» بارور خواهد شد. در یک کلام اقتصاد با راهکاری اساسی که رهبر فرزانه با خلاقیت و ابتکار عمل به آن اشاره کردند رونق می‌گیرد و آن، توجه به اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی راهکاری است که ایشان برای مقابله با تحریم‌ها از یک سو و شکوفایی و زایش از سوی دیگر بر آن تأکید کرده‌اند. راه مقابله با تحریم‌های ظالمانه، نه روش قلدر مآبانه و داد و قال است و نه امید و خوشبینی به بیگانگان. زخم اقتصاد ایران عمیق است و درمان آن به «عزم ملی و مدیریتی جهادی» نیاز دارد. در غیر این صورت داستان ما همان داستان تخمه و عقل و فروش خانه است و همان طور که با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود، با تکرار عبارت اقتصاد مقاومتی پشت تریبون‌ها گره اقتصادی کشور را نمی‌توان حل کرد و با «تکرار زبانی هیچ اتفاقی نمی‌افتد، بلکه باید این مسئله در مجلس و دولت به طور جدی بررسی شود که برای اقتصاد مقاومتی به مفهوم حقیقی، چه کارهایی انجام گرفته و چه کارهایی باید انجام بگیرد»^۱.

اما داستان فرهنگ؛ داستان فرهنگ به مراتب از اقتصاد تلخ‌تر و تأسف‌بارتر است. شاید این جمله از زبان بلندپایه‌ترین شخص جمهوری اسلامی، اهمیت و جایگاه فرهنگ را بیشتر مشخص کند که: «فرهنگ و صف‌آرایی فرهنگی در مقابل دشمن آن چیزی است که بنده هم اگر در راه آن کشته شدم، احساس می‌کنم که در راه خدا کشته شده‌ام. هر کس در این راه کشته شود، در راه خدا کشته شده و هر کس در این راه، زحمتی متحمل شود، در راه خدا متحمل شده است. مسئله، مسئله کوچکی نیست... نقش فرهنگ به نظر من یک نقش تعیین‌کننده و اساسی است...»^۲.

با نگاهی منصفانه به برخی از معیارهای فرهنگی، می‌توان به عمق فاجعه پی برد. (فاجعه می‌گوییم؛ زیرا در کشوری اسلامی هر بی‌فرهنگی یک ضربه به اسلام و دین‌داران است).

۱. جایگاه تفکر و عقلائیت در کشور ما کجا است؟ چقدر برای رشد عقلانی جامعه یا فرزندانمان تلاش کرده‌ایم؟ آیا در فضای آموزشی به دانش‌آموز شیوه‌های برخورد عاقلانه با معضلات، مشکلات و مخاطرات آموزش داده می‌شود؟

۲. در طول روز در شهرهای بزرگ و کوچک چقدر با یکدیگر خوش رفتاری می‌کنیم و چقدر بدرفتاری؟ آیا هنگام خروج از مراکز دولتی و غیردولتی احساس خوبی از خوش رفتاری همشهری خود داریم؟
۳. وضعیت کار در کشور چگونه است؟ آیا برای ایران اسلامی با این ظرفیت جوان و پرانرژی ضعف نیست که سرانه و ساعت کار روزانه‌اش در بین کشورهای دنیا در پایین‌ترین سطح باشد؟
۴. وضعیت کتاب‌خوانی در کشور چگونه است؟ آیا در طول روز یک پاراگراف از یک کتاب را می‌خوانیم؟
۵. مصرف‌گرایی مردم ایران به کدام سمت در حرکت است؟ آیا فقط آنچه را که مورد نیاز است تهیه می‌کنیم یا به همان اندازه که در آمد کسب می‌کنیم، مصرفمان نیز بالاتر است؟
۶. نخبه‌گرایی در کشور به چه نحو است؟ آیا مراکز بزرگ و کوچک به دنبال جذب نیروهای متخصص هستند یا به دنبال آدم‌های حرف‌شنو و به اصطلاح خوب؟

۷. کیفیت آموزش و پرورش تا چه میزان با استانداردهای داخلی و خارجی مطابقت دارد؟ آیا در مدارس انسان تربیت می‌کنیم یا انسانیت و تربیت انسانی را به دیگران وامی‌گذاریم؟
۸. به چه میزان تعصب‌های قومی و قبیله‌ای در وجودمان زنده است؟
۹. جایگاه خرافات در اعتقادات ما به چه میزان است؟
۱۰. آیا باله‌های خود را سر ساعت در سط‌های زباله قرار می‌دهیم؟
۱۱. تمسخر اقوام مختلف، دروغ، رشوه، دزدی با تمام ابعادش، ریا، چالپلوسی چطور؟ آیا این واژگان برای ما قبح خود را حفظ کرده یا هر کدام نمادی از زبکی و فرار از حقیقتی دیگر است؟

شرم دارد اگر جواب‌های ما به سمتی برود که نشان از بی‌فرهنگی ما باشد. سؤال‌های بالا و ده و صدها نکته دیگر وجود دارد که نشان‌دهنده جایگاه فرهنگ یک کشور است. زمانی که مقام معظم رهبری سال ۹۳ را سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نام‌گذاری کردند، هم‌جای خوشحالی داشت و هم‌جای ناراحتی. خوشحالی از این جهت که مسئولان موظف هستند به فرهنگ، رشد و توسعه فرهنگی بیشتر توجه کنند. ناراحتی از این جهت که فرهنگ ما آسیب‌های جدی دارد؛ به طوری که رهبری احساس خطر کرده و برای این سال چنین نامی را انتخاب کرده است.

پی‌نوشت

۱. دیدار اعضای ستاد بزرگداشت روز ملی مهندسی با رهبر انقلاب؛ ۱۳۹۳/۱۲/۰۴.
۲. ۱۳۷۸/۰۹/۲۳.

نامی که نکواست

علی سعیدی

هر ساله با تحویل سال نو، اتفاق جدید دیگری می‌افتد و آن نام‌گذاری سال توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی است؛ حرکتی مبتکرانه و خلاقانه که ترسیم‌کننده رویکرد نظام در سال جاری است. مقام معظم رهبری با اشرافی که به مشکلات جامعه در حوزه‌های مختلف دارد و با مشورت با کارشناسان امر در زمینه‌های مختلف، تصمیم به نام‌گذاری سال جدید می‌گیرد. این نام‌گذاری‌ها از طرفی بیان‌کننده راه و جهت نظام در سال پیش‌رو است و از سوی دیگر، حرکتی فرهنگ‌ساز برای رفع مشکلاتی است که از خارج و داخل، کشور را احاطه کرده است. گاهی تصور بر این است که نام‌گذاری هاسرفاخر کتی نمادین است؛ ولی این امر بیان‌کننده این حقیقت است که ضعف کشور، مسئولان و مردم در کجانهفته است. برای مثال در سال ۸۸ زمانی که سخن از اصلاح الگوی مصرف به میان آمد، این عبارت بیان‌کننده این است که الگوی مصرف در کشور در وضعیت مناسبی قرار ندارد و باید اصلاح شود. در غیر این صورت نیازی نبود که مقام معظم رهبری بر روی این نکته تأکید داشته باشند. یا زمانی که سخن از همت و کار مضاعف به میان آمد، این امر رانسان می‌داد که وضعیت کار، نرخ کار و ساعت‌های کار در ایران از جایگاه خوبی برخوردار نیست. مقام معظم رهبری در اینجا همت‌های سست و تن‌پرور رانشانه رفتند؛ آفتی که به هزار و یک دلیل دامن‌گیر جامعه ایرانی شده است.

البته به این نکته نیز باید توجه کرد که این آفت‌ها و چالش‌ها فقط و فقط مربوط به سال پیش‌رو نیست؛ بلکه همواره باید به آن توجه کرد. اگر در سال ۸۹ دقیقاً همان روزی که مقام معظم رهبری بر همت و کار مضاعف تأکید کردند، تمام اقشار جامعه در هر سطحی و با هر تفکری، به این توصیه جامه عمل می‌پوشاندند و یک سال به تمرین بر کار و همت مضاعف می‌پرداختند، در سال ۹۰ که سال جهاد اقتصادی نامیده شد، به پشتوانه یک سال تمرین در کار و همت،

به بالندگی و شکوفایی مضاعفی نایل می‌آمدیم. همچنین چنانچه یک سال در امر اقتصاد جهاد می‌کردیم، شاید سال ۹۱، سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامیده نمی‌شد.

این نام‌ها برای تحقق، به تلاش تک‌تک افراد جامعه نیاز دارد، نه فقط دولت‌مردان؛ چه اینکه مخاطب اصلی در این نام‌گذاری‌ها، مردم هستند. بنابراین علاوه بر اینکه باید به این نام‌ها نگاهی استراتژیک داشت، توجه به شیوه فرهنگ‌سازی‌ای که مقام معظم رهبری در این زمینه از آن استفاده می‌کنند نیز مهم است. همت مضاعف، کار مضاعف، جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی و مواردی از این دست، باید به فرهنگ جامعه تبدیل شود که این امر نیازمند فرهنگ‌سازی و تلاش تمام اقشار جامعه در همه عرصه‌ها است.

متأسفانه این نام‌گذاری‌ها گاهی با بی‌توجهی برخی، به شعار تبدیل می‌شوند. رسانه ملی هم‌زمان با نام‌گذاری سال توسط رهبری، لوگویی را با همان عبارت در گوشه صفحه خود قرار می‌دهد و از روز دوم عید، شاهد نصب پلاکاردهای مختلف در نقاط گوناگون شهرهای کشور، در اندازه‌ها و رنگ‌های مختلف

سال	عنوان سال
۱۳۷۳	وجدان کاری و انضباط اجتماعی
۱۳۷۴	انضباط اقتصادی و مالی
۱۳۷۵	کار سازنده
۱۳۷۶	صرفه جویی
۱۳۷۷	صرفه جویی
۱۳۷۸	امام خمینی <small>ره</small>
۱۳۷۹	امام امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small>
۱۳۸۰	اقتدار ملی و اشتغال آفرینی
۱۳۸۱	عزت و افتخار حسینی
۱۳۸۲	نهضت خدمتگزاری
۱۳۸۳	پاسخگویی سه قوه به ملت ایران
۱۳۸۴	همبستگی ملی و مشارکت عمومی
۱۳۸۵	پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۳۸۶	اتحاد ملی و انسجام اسلامی
۱۳۸۷	نوآوری و شکوفایی
۱۳۸۸	اصلاح الگوی مصرف
۱۳۸۹	همت مضاعف و کار مضاعف
۱۳۹۰	جهادی اقتصادی
۱۳۹۱	تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی
۱۳۹۲	سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی
۱۳۹۳	اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی



اگر در سال ۸۹ دقیقاً همان روزی که مقام معظم رهبری بر همت و کار مضاعف تأکید کردند، تمام اقشار جامعه در هر سطحی و با هر تفکری، به این توصیه جامه عمل می‌پوشاندند و یک سال به تمرین بر کار و همت مضاعف می‌پرداختند، در سال ۹۰ که سال جهاد اقتصادی نامیده شد، به پشتوانه یک سال تمرین در کار و همت مضاعفی نایل می‌آمدیم. همچنین چنانچه یک سال در امر اقتصاد جهاد می‌کردیم، شاید سال ۹۱، سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامیده نمی‌شد.

هستیم. گاهی نیز نیروی‌های دولتی و انتظامی، به چسباندن نام سال بر روی خودروهای خود مشغول می‌شوند؛ غافل از اینکه در بسیاری از این تبلیغات، اصول تبلیخ، مخاطب‌شناسی، زمان‌شناسی و مکان‌شناسی رعایت نشده‌است. فرهنگ‌سازی به خلاقیت نیاز دارد؛ نه صرفاً صرف بودجه‌های اختصاص یافته به ارگان‌ها برای این امور. در بسیاری از این تبلیغات، اگر از تبلیغ غیر مستقیم استفاده شود، چه بسا توجه مخاطب را بیشتر به خود جلب کند. قطعاً منظور حضرت آقا نوشتن و تکرار جمله ایشان در گوشه و کنار شهر نیست. ایشان به دنبال عملی شدن این شعارها هستند؛ نه شعارزدگی و نصب پوستر به در و دیوار شهر.

بنابراین به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد، به جای نقل قول و تبلیغ مستقیم، می‌توان از روش‌های دیگر استفاده کرد؛ چراکه اثر گذارترند. برای مثال می‌توان از هنر نقاشی، کاریکاتور، شعر و عکس بهره برد. همچنین استفاده از ظرفیت‌های سینمایی یا مستند، در بیشتر موارد اثر گذارتر خواهد بود. چنانچه به جای آویزان کردن یک پوستر چند متری وسط یک پارک، یک کاریکاتور از بی توجهی خودمان به کار یا بی توجهی به خرید کالاهای ایرانی را در معرض دید قرار دهیم، قطعاً ثمر بخش‌تر خواهد بود. علاوه بر این، هر یک از ارگان‌ها باید به اندازه توان خود مشغول امر فرهنگ‌سازی باشند. صداوسیما با ابزارهای وسیع خود و استفاده از افراد خلاق، و آموزش و پرورش با آموزش عینی و عملی، به دانش‌آموزان بیاموزد که به عنوان مثال معضل کم‌کاری یا خرید کالای خارجی که باهمان کیفیت در داخل تولید می‌شود، به چه معناست. به این شکل در بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی فرهنگ‌سازی کنیم. بخشی از این بار سنگین نیز قطعاً به عهده مساجد، هیئات و … است. هشتاد مؤمنان در بارهٔ چالش‌های پیش‌روی کشور و ارائه راهکارهایی که دین و شرع بر عهدهٔ افراد گذاشته، باید در همین مکان‌ها صورت گیرد. در آخر هر سال نیز خود را ارزیابی کنیم و در رفتارهای فردی و اجتماعی خود تأمل کنیم که: آیا رفتار ما با نام‌سال همراهی می‌کرد یا در مقابل آن بود؟ رفتار دولت‌مردان چگونه بود؟ آیا فقط پشت تریبون‌های مختلف و اندیشه‌وران صور مواجهه و رویارویی عالمان شیعی نام سال را بر زبانشان جاری می‌ساختند یا فراتر از آن عمل کردند؟ خانواده‌های ما چه کردند؟ آیا به فرزندان خود یاد دادیم چگونه حرکت کنند یا خود بی توجه بودیم و آنها را نیز یک سال دیگر با بی توجهی بزرگ کر دیم؟

جریان‌شناسی۱۲

شبهستان ◄ **گفتمان**

رویارویی‌علمای شیعه باتهدن غرب۱

سینا فیاض

یکی از مسائل مهم در جریان شناسی عالم تشیع در دنیای معاصر، مواجههٔ علمای شیعه با دنیای غرب و تهاجمات مختلف غربیان و کشورهای اروپایی است. همزمان با شکل‌گیری دولت صفویه در ایران، تحولات بزرگی در نیم‌کره غرب زمین اتفاق افتاد که موجب تغییرات بنیادینی در نگاه آنها به عالم و آدم شد و در نهایت خود را مُحق دیدند که به کشورهای دیگر جهان دست‌درازی کنند و از هر راه ممکن در آنها نفوذ کنند و بر سرمایه‌های ملی و طبیعی و هویت و فرهنگ آنها مسلط شوند. برای این کار از دو طریق ۱. حمله نظامی و استعمار اقتصادی و سیاسی و ۲. تهاجم فرهنگی و استعمار فکری استفاده کرده‌اند.

ایران اسلامی نیز از هر دو صورت استعمار بی‌نصیب نبود و در طول پانصد سال گذشته رویارویی‌های متعددی میان جهان اسلام و به‌خصوص ایران با دنیای غرب به وجود آمد و حرکت‌های مختلف با رویکردهای متفاوت از سوی عالمان و رجال علمی و اندیشه‌وران مسلمان در مواجههٔ با دنیای غرب شکل گرفت که هر یک دارای ویژگی‌ها و ظرفیت‌های مختلف فکری و فرهنگی و با آثار و پیامدهای سیاسی و اجتماعی خاصی همراه بود. این مسیر بافت و خیزها و آزمون و خطاهایی نیز همراه بود؛ اما به جرئت می‌توان گفت جریانی رو به رشد و تکامل بود و امروز ما میراث‌دار چند قرن تلاش علمی و فرهنگی و مجاهدت سیاسی و نظامی عالمانی هستیم که بر مبنای عقلا نیت اسلامی و اجتهاد دینی، از فرهنگ و هویت اسلامی و کبان ملی ایران عزیز پاسداری کردند.

شناسایی صور مواجهه و رویارویی عالمان شیعی و اندیشه‌وران ایرانی با غرب و استعمار، یکی از لوازم و بایسته‌های جریان شناسی است؛ چراکه از سویی در فهم تحولات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دوران معاصر نقش فراوانی دارد و از سوی دیگر تجربیات آنها می‌تواند در س آموز

آیندهٔ ما باشد.

در یک دسته‌بندی کلی چهار دورهٔ کلی را می‌توان برای رویارویی علمای شیعه با جهان غرب ذکر کرد:

۱. مواجههٔ کلامی و مذهبی با شبیهات مبلّغان مسیحی که از دوران صفویه آغاز شد و تا اواسط دورهٔ قاجار به ادامه داشت.

۲. مواجههٔ سیاسی و تدافعی در برابرز یاده‌خواهی استعماری غرب که با جنگ‌های ایران و روس آغاز شد و با نهضت تنباکو و انقلاب مشروطه تا نهضت ملی شدن صنعت نفت ادامه یافت.

۳. مواجههٔ فلسفی و فکری با بنیان‌های فلسفی و زیربناهای ایدئولوژیکی تمدن غرب که ریشه های اولیه آن را می‌توان در آراء سید جمال الدین اسدآبادی و برخی از دیگر علمای شیعه در عصر مشروطه یافت؛ اما به طور جئی از حدود ۱۳۲۰ شمسی توسط امام خمینی(ره)، علامه طباطبایی آغاز شد و توسط استاد شهید مرتضی مطهری، شهید سید محمدباقر صدر، علامه محمدتقی جعفری، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله مصباح یزدی و دوستان و شاگردان آنها ادامه یافته و در دوران مبارزات انقلاب اسلامی به اوج خود رسید و منجر به پیروزی انقلاب اسلامی و بازگشت دین به حیات سیاسی و اجتماعی ملت ایران شد. ۴. مواجههٔ تمدنی که با استقرار نظام جمهوری اسلامی و رهبری حکیمانه امام خمینی و پس از ایشان، مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دامت بر کاته) شکل گرفته است و هم‌اکنون در اوج آن هستیم. در این دوران، به فضل الهی، امید می‌رود که با بیداری اسلامی و الگوگیری مستضعفان جهان از انقلاب اسلامی و بنیان‌های فکری و فلسفی آن، زمینهٔ شکل‌گیری «تمدن نوین اسلامی» فراهم شود.

ان‌شاءالله در ادامه این سلسله مطالب، به برخی از جریان‌های این رویارویی اشاره خواهد شد.



شبهستان ◄ **راهبرد**

جمهوری‌و اسلامی

به‌بهانه روز جمهوری اسلامی

محمد علی اکبری

جمهوری‌روشی از متدها و منش‌های زمامداری است که روش مردم‌سالارانه و غیر مردم‌سالارانه، مردم، حق حاکمیت بر سر نوشت اجتماعی خود را به طور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق زمامدارانی که بارضایت و رأی مستقیم یا غیر مستقیم آنان به گونه‌ای که توارث در آن دخالتی نداشته باشد، تعیین و آنان نیز اقتدارات معین قانونی خود را در یک مدت محدود و تحت نظارت آنان اعمال می‌نمایند. امروزه بیشینه دولت‌های موجود در دنیا نوعی نظام حکومتی جمهوری دارند؛ ولی این بدین معنا نیست که بافت و ساختار نظام حکومتی جمهوری در تمام این کشورها یکسان است.^۱

دو کلمه «جمهوری اسلامی» عبارتی عمیق، پر معنا، با مسمما، دقیق و جامع‌ترین نامی است که تاکنون بر یک نظام مردمی متکی بر مبانی اسلامی نهاده شده است. در اواسط فروردین ماه و به‌طور دقیق در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، همه‌پرسی در این کشور اسلامی بر گزار شد که تمامی اجزای آن نزد افکار جهانیان عجیب و تازه بود. حکومتی که با رأی مردم و پس از موافقت بیشتر آنها، با برقراری جمهوری اسلامی به جای حکومت مشروطه سلطنتی شکل گرفت. این جمهوری اولین حکومتی در ایران است که با این ویژگی‌ها موجودیت خود را در فضای سیاسی دنیای امروز اعلام نمود و سال‌ها استبداد، ظلم و حکومت مطلق یک نفر بر یک ملت را کنار گذاشت. از این رو توفیق در برقراری چنین نظامی آن هم در کشوری که در طول تاریخ چند هزار ساله خود همواره در سلطه شاهان وابسته به بیگانه قرار داشته است؛ یک امتیاز بزرگ برای انقلاب اسلامی مردم ایران به‌شمار می‌رود.

نام «جمهوری اسلامی» ابتدا از سوی معمار انقلاب اسلامی مردم ایران، امام خمینی(ره) برای بیان گونهٔ نظام سیاسی حاکم بر کشور پیشنهاد شد و مردم نیز که تاریخ پر فراز و نشیب ایران و ایرانی را با یاری و اعتماد به روحانیت پشت سر گذاشته بودند به این دعوت امام لبیک گفتند و در ۱۲ فروردین پای صندوق‌های رأی رفتند و با قاطعیت انقلاب خود را تکمیل نمودند تا به همه نشان دهند که شوری که سبب شد تا هم‌نوای رهبری انقلاب اسلامی گردند همراه با شعور بوده است.

جمهوری به معنای حکومتی است که مردم آن را به وجود آورده‌اند. حکومت‌های دنیا از منظر علم سیاست دارای انواع مختلفی است و در این دسته‌بندی‌ها جمهوری نیز نوعی از حکومت است که در آن صاحب منصبان اصلی حکومت به صورت موروثی انتخاب نمی‌شوند و ریاست کشور باراً^۲ مردم برگزیده شده و دورانی که فرد منتخب حکومت را به دست می‌گیرد محدود باشد. تأکید اصلی واژهٔ جمهوری در نام حکومت‌ها بر عدم وجود منسبی دائمی برای شخص اول مملکت است.

ریشه لفظ جمهوری، اصطلاح لاتین «respublica» به معنای «امر عمومی» است که در نوشته‌های لئوناردو برونو، تاریخ‌نگار ایتالیایی به معنی نزدیک و به معنی امروزی استفاده شد.^۳



اما برای آنکه عمق مفهومی و معنای فراندومی که در آن زمان انجام شد و به فراندوم جمهوری اسلامی معروف گشت را در یابیم به‌طور طبیعی باید به گفته‌ها و نوشته‌های کسی مراجعه نمود که پیشنهاددهنده این کلمه و معمار اصلی این مقوله بود. امام خمینی(ره) بارها و بارها در اوان انقلاب اسلامی و در فراز و نشیب‌های عقیدتی پس از انقلاب بر لفظ «جمهوری اسلامی» تأکید کردند و جمله‌ای معروف از ایشان به یادگار مانده است که: «جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر». ایشان قبل از برگزاری فراندوم ۱۲ فروردین که به‌حق و به اذعان جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی با برگزاری آن صورت و سیرت انقلاب اسلامی را خاص و از بقیه انقلاب‌ها جدا نمود برای مردمی که به صحنه آمده بودند تا انجام بدهند آنچه باید در تاریخ نوشته شود، پیامی منتشر کردند که از منظر نگارنده مفهوم دقیق فراندوم جمهوری اسلامی مدنظر ایشان را بیش از پیش روشن و هویدامی سازد. البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که در حال حاضر که سی و چند سال از برگزاری آن می‌گذرد، شاید برخی از این سخنان بدیهی به نظر برسد، حال آنکه این فراندوم و پیام امام خمینی(ره) در روزهایی روی داده است که تنها اندکی بیش از یک ماه از فروریزی نظام شاهنشاهی گذشته بود و مردم هنوز مفهوم آزادی و استقلال را به‌طور کامل درک ننموده بودند. در بخشی از پیام ایشان آمده است: «این فراندوم سرنوشت ملت ما را تعیین می‌کند. این فراندوم یا شما را به آزادی و استقلال می‌کشاند و یا مثل سابق، به اختناق و پیوستگی به غیر. این فراندوم چیزی است که همه باید در آن شرکت کنند… شما می‌توانید هر فرقه جمهوری دموکراتیک را بنویسید، رژیم سلطنتی یا هر چه را می‌خواهید بنویسید. در این مورد مختار هستید».^۴

این پیام حاوی دو نکته بسیار مهم است که در حقیقت همین دو پیام امروز نیز مد نظر نظام جمهوری اسلامی است و پایه و اساس نظام را تشکیل می‌دهد. یکی ضرورتی است که در تمامی انتخابات، مردم ما به خوبی آن را درک می‌کنند؛ یعنی شرکت همه‌جانبه مردم در انتخابات با توجه به وضعیت سیاسی حساس کشور و کمین دشمنان اسلام. پیام دیگر، آزاد بودن عموم مردم در انتخاب نظام دلخواهشان است که این گزیننه در روز گار ما، به آزادی انتخاب کاندیدا بدل شده است.

پی‌نوشت

۱. غلام حسن مقیمی، مشروطیت، جمهوریت، اسلامیت، ص ۵۹.

۲. در جمهوری‌های مختلف رأی مردم می‌تواند ریاست حکومت را به دو شیوه مستقیم یا غیر مستقیم انتخاب نماید. به نوع اول شیوه دولت محورو به نوع دوم شیوه پارلمانی یا پارلمان محور گفته می‌شود. ۳. Rubinstein, Nicolai. "Machiavelli and Florentine Republican Experience." in Machiavelli and Republicanism Cambridge University Press , ۱۹۹۲

۴. صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۶۵.



شبستان ◀ جامعه

روایت جنگی که جنگ نبود

لاله‌ای تقدیم به مزار شهید سید مرتضی آوینی
علی مهجور



بهشت با مادر بودن به زیر پای او قرار می‌گیرد با تعبیر «ماشین جوجه کشی»!!

مادرانه

مادری کردن، نیازمند داشتن دانش مادری است. باید با لوازم روانی و تربیتی مادری آشنا بود. در ذیل به برخی از مسائلی اشاره می‌شود که موجب ایفای هر چه بهتر نقش مادری می‌شود.

هوای پاک

مادر یعنی فضایی و هوایی که کودک در آن تنفس می‌کند. هر چه این فضا پاک‌تر، سالم‌تر و روح‌بخش‌تر باشد، روان کودک سالم‌تر، معنوی‌تر و زلال‌تر تنفس می‌کند و مسیر تربیت را می‌پیماید. پس اولین شرط مادری کردن، پاک‌زدگی کردن است. مادری که به مسائل اعتقادی توجه ندارد و در زندگی از مرز اخلاق و خط قرمزهای شرعی عبور نمی‌کند، هوای پاک است که کودک در آن اکسیژن ایمان را تنفس می‌کند.

مادر، هم‌به معنویت کودک خود دقت دارد و هم‌به دنیای او؛ هم‌به هوش او و هم‌به تربیت او. مادر می‌داند که زبان کودکان زیر شش سال بازی است؛ از این رو هر آنچه از دین و اخلاق و ادب می‌خواهد به فرزندش بر شش سالش بیاموزد، از طریق روش‌های مختلف بازی و قصه و البته روش‌های غیر مستقیم که همان الگو بودن برای کودک است، به او می‌آموزد.

مادر در مقابل تربیت جنسی فرزند خود هم دغدغه دارد. بهترین روش را هم با آموزش عملی حریم‌ها به او می‌آموزد. برای مثال از در اختیار قرار دادن وسایل آرایشی در اختیار دختر ممانعت می‌کند و اگر دخترش اصرار کرد، برای او لوازم آرایشی اسباب‌بازی تهیه می‌کند. اگر بهانه گرفت که اینها واقعی نیست، باید پاسخ بشنود که «مگر سایر اسباب‌بازی‌های تو مثل یخچال، گاز، جاروبرقی، ... واقعی است که این واقعی باشد؟ این برای مامان‌ها است و دختره‌ها نمی‌توانند استفاده کنند». اگر گفت که دختر همسایه پس‌چرا استفاده می‌کند؟ باید پاسخ بشنود که «به همان دلیلی که من اجازه نمی‌دهم شما استفاده کنی؛ به همان دلیلی که من با عموی شما صحبت و خنده نمی‌کنم؛ به همان دلیل که هر خانواده‌ای قوانین خاص خودش را دارد».

پی‌نوشت

۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۵۴.

۲. نهج الفصاحه، ص ۴۲۷.

سازد و بیننده روایت فتحش از زمین به آسمان رهنمون شود. نمی‌دانم شمایی که این سطرها را می‌خوانید آیا طنین صدای آوینی را به خاطر دارید یا نه؟ آیا صدای طبل را که روی تصاویر پخش می‌شد و حماسه و عرفان را توأم آن به جان بیننده فرو می‌بارید، به خاطر می‌آورید یا نه؟ آوینی همه عناصر سمعی و بصری را در روایت فتحش به کار می‌گرفت تا حال و هوای معنویت جنگ را در قاب تصویر تلویزیون‌های مابگنجانند. برای او و نیز برای ما مردم، حادثه اصلی این بود که راه آسمان به زمین باز شده بود؛ گویا شاهراهی از زمین به بهشت کشیده بودند و جبهه آستانه در گاه خداوند بود.

روایت فتح را که نگاه می‌کنی، به نظرت می‌رسد که خودت رفته‌ای توی معرکه پشت آن خاکریزها و گاهی قدم می‌زنی، گاهی مجبوری دولا دولا راه بروی، گاهی باید سرت را بندزی، گاهی توی کانال‌ها

شانه‌ات خاکی می‌شود و خلاصه تو در این میان فقط تماشا می‌کنی. گو اینکه دوربین فیلم‌برداران روایت فتح، دخلی در چندو چون روایت ندارد. آنها که در تصویر به این سو و آن سو می‌دوند، می‌خندند، سخن می‌گویند، دعا می‌خوانند و جان می‌دهند، رسته روایت و سخن را در دست دارند. این دقیقاً کاری بود که آوینی آگاهانه انجامش داد؛ یعنی روایت کرد؛ فیلم‌نساخت. دوربینش را وی فتح بود؛ نه دوربین سازنده ماجرای مستند.

شهید آوینی از صمیم جان باور داشت که مقدس بودن دفاع مقدس، متن حادثه‌ای است که باید به تصویر درآید و جنگ و خشونت، حاشیه‌ای بر این متن است. آوینی جذابیت را در لذتی که خرد خداگرای آدمی از حکمت و معنویت عایدش می‌شود، جستجو می‌کرد؛ از این رو تفکر رسانه‌ای حاکم بر رسانه‌های جهان را به چالش می‌کشید که چرا مقصد و مقصودشان سرگرم ساختن آدم‌ها شده است؟ او هنر را در پیوند تمامی مفاهیم مقدسی می‌دانست که به زندگی آدمی معنا می‌بخشند و به باور او چنین هنری می‌توانست زیبا باشد. زیبایی را منحصر در هنر قدسی می‌دانست و بسیاری از آنچه را که سینمای جهان به عنوان تصاویر سرگرم‌کننده عرضه می‌داشت، صرفاً برآمده از نگاه ناسوتی و دنیاگرایانه آدمی تلقی می‌کرد.

او دفاع مقدس را در امتداد فتح خون روایت می‌کرد. برای او دفاع مقدس امتداد قیام عاشورا بود؛ چرا که باور داشت آرمانی که برای امام حسین علیه السلام و یارانش مطرح بود، همان آرمان برای مردم ما مطرح است و آن، چیزی

جز مبارزه با ظلم نیست. ظلم‌ستیزی عامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی بود و باور ایستادگی در برابر ابرقدرت‌ها را برای مردم به ارمغان آورده بود. این ظلم‌ستیزی همچون ظلم‌ستیزی امام حسین علیه السلام، رنگ دینی داشت به همین علت شهادت، شجاعت، شادمانی در آن موج می‌زدور هبری دینی، آن را راهبری می‌کرد.

برای آوینی و مردم زمانه دفاع مقدس، اشعار و متونی که در تاریخ ادبیات، عرفان آمیخته به معاشرت با خلق و جانبازی در مقام فنار را روایت می‌کردند، معانی محسوسی پیدا کرده بود. «آن که مردن پیش چشمش تهلکه است / امر لا تلقوا بگیرد او به دست». امام خمینی (ره) این شعر را در رثای شهید مطهری خوانده بود و چنین مضامینی منحصر به ایام شهادت شهید مطهری نبود. این روح جاری در مردم آن زمانه بود که مردن پیش چشمشان تهلکه نبود؛ بلکه راه‌یابی به بهشت و سرای رضوان بود. آوینی معتقد بود بر واقعیت خشن جنگ، رنگی خورده است که ماهیت آن را به کلی تغییر داده و آن، رنگ خدا است؛ «صبغه الله و من احسن من الله صبغه».^۲

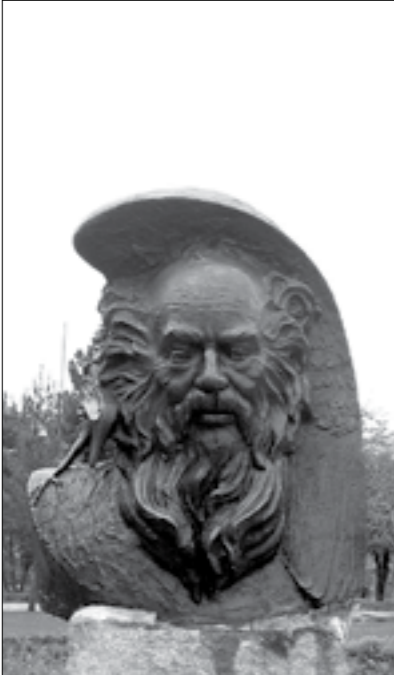
پی‌نوشت

۱. مولوی.

۲. «این است نگارگری الهی و کیست خوش نگارتر از خدا؟».

بقره: ۱۳۸.





عطار جسم و جان

به مناسبت ۲۵ فروردین: روز بزرگداشت عطار نیشابوری

میثم مجد



آفرین جان آفرین پاک را
آنکه جان بخشید و ایمان، خاک را
در مواردی شرح حال و گزارش زندگی برخی از
بزرگان چنان مختصر و کوتاه به دست آیندگان
می‌رسد که تذکره‌نویسان رابه این فکر می‌اندازد
که خود دست به کار شوند و با الهام از آثار و افکار
آن بزرگ، زندگی‌نامه‌ای مفصل را تهیه و تنظیم
کنند. شرح حالات و مقامات جناب فرید الدین
عطار نیشابوری از همین دست است. برخی از
نقل‌ها و گزارش‌ها بیشتر به افسانه می‌ماند تا
اینکه به واقعیت شباهت داشته باشد. البته برخی
این داستان‌پردازی‌ها در حاشیه زندگی بزرگان
چنان شیرین و جذاب از آب درمی‌آید که آدمی
دنیای خیال را بر نقل واقعیت برتری می‌دهد.
نمونه‌ای از این افسانه‌ها داستان تحول یافتن
عطار است که در ادامه می‌آید:

«... [در] یک افسانه دیگر می‌گویند که این عطار
پیش از آنکه مال و هستی را ترک گوید و قدم
در وادی سلوک نهسد، در دکان خویش [عطاری]
نشسته بود، گدایی ژنده‌پوش بر وی گذر کرد و
چیزی خواست، عطار چیزی نداد و گدا پرسید:
خواجه چگونه جان به عزرائیل خواهد داد؟ عطار
پرسید: تو جان چگونه خواهی داد؟ مرد کاسه‌ای
در دست داشت آن را زیر سر نهاد، پاهایش را به
سوی قبله دراز کرد، چشم بر هم نهاد و گفت
این طور و در دم جان داد.^۱ مرخوم زرین کوب
این خاطره را دلیل تحول یافتن جناب عطار و
گرایش به عرفان و بذل مال می‌داند و ادامه
ماجرای زبان عطار:

یکی دیوانه‌ای را دید شاهی
نهاد کاسه سر پیش راهی
به مجنون گفت با این کاسه در بر
چه سودا می‌پزی در کاسه سر
به شه گفتا که بس اندیشه کردم

تو را با خویشان هم‌پیشه کردم
ندانم کله چون من گدایی است
یا خود آن چو تو پادشاهی است
چه این اطلاعات واقعیت داشته باشد چه نه!
چه جناب عطار در سال ۵۱۳ متولد شده باشد
چه ۵۳۰ یا ۵۴۰، آنچه ما در دست داریم آثار
گران‌سنگی است که از او به جای مانده است.
کتاب‌هایی همچون: منطق الطیر، الهی‌نامه،
مصیبت‌نامه، اسرار‌نامه، تذکره الاولیا و البته
مختار‌نامه.^۲ هر چند به مرور زمان کتاب‌های
شخصیت‌های دیگر که نام عطار داشته‌اند نیز
به نام عطار نیشابوری رواج پیدا کرده که امروزه با
نگاه انتقادی از سوی منتقدان آنچه یقیناً جزء آثار
عطار نیشابوری است، همین کتبی است که نقل
شد. همین چند اثر و حتی یکی از این کتاب‌ها،
آن هم در قرن ششم، خود دلیل کافی بر بزرگی
شخصیتی همچون عطار نیشابوری است. در
زمانه ما محققان مختلفی در احیاء و تصحیح آثار
جناب عطار همت گمارده‌اند. آخرین تلاش‌ها
که به نظر اهل ادب خوش‌تر آمده، تصحیحات
و تعلیقاتی است که دکتر محمد رضا شفیعی
کدکنی انجام داده‌اند و طی سالیان اخیر به زیور
طبع در آمده و ادامه نیز دارد.^۳

اشعار عطار غالباً روان و شیرین و جذاب است.
عطار راوی داستان‌های عرفانی و قصه‌های
کهن زبان فارسی است؛ چنان که در در منطق
الطیر با رهبری دهد می‌توان در پی سیمرغ
به آسمان‌ها رفت و با شیخ صنعان او می‌توان
آشفته‌حال و پریشان‌موی در کوجه پس کوجه‌ها
منتهی به خانه معشوق، سرگردان بود. تذکره
الاولیاء او نیز هر بندش شرح و افسانه‌ای است از
بزرگی از بزرگان حکمت و معرفت این سرزمین.
داستان‌هایی که اگر چه طعم و بوی افسانه‌ها را
دارد، ولی هر کدام برای خواننده فهمیم، درس آموز

و حکمت آموز است. عطار همواره در سلوک
عرفانی خود جانب اعتدال و میانه‌روی را نگاه
داشته و نه زاهد خشک و ملال‌انگیز شده و نه تن
به ریا و تزویر خرقه‌پوشان داده است.
دست در دامن جان خواهیم زد
پای بر فرق جهان خواهیم زد
اسب بر جسم و جهت خواهیم یافت
بانگ بر کون و مکان خواهیم زد
چون مرانام و نشان نیست پدید
دم ز بی‌نام و نشان خواهیم زد
از دلم مشعله‌ای خواهیم ساخت
نفس شعله‌فشان خواهیم کرد

نثر و سبک عطار از نمونه‌های موفق و کامل
ادبیات کهن ما است. آن قدر شیرین و جذاب و
جافتاده که هنوز هم نویسندگان معاصر از سفره
اوار تزیاق می‌کنند و از دکان عطاری آن شیخ ادب
و معرفت، درمان دردهای خود را می‌جویند. تأثیر
شیوه‌نگارش عطار بر ادب معاصران خود نیازمند
تحقیق مستقلی است.

چه بسا خالی از لطف نباشد اشاره‌ای به نثرها
و نظم‌های نویسنده معاصر، ابوالفضل زروئی
نصرآبادی کنیم که طنزهایی را در دوره‌های
مختلف به سبک و شیوه و ادبیات تذکره‌الاولیاء
عطار در وصف شخصیت‌های سیاسی و
فرهنگی زمانه ما به رشته تحریر در آورده است.

ای دل چو درین راه خطر ناک شوی

از کار زمین و آسمان پاک شوی

مهتاب بتافت و آسمان سیر بین!

زان پیش که در زیر زمین خاک شوی^۴

مورخین پایان عمر جناب فرید الدین را تراژیک
نقل کرده‌اند. مسلم است که شیخ نیشابوری
کشته شده،^۵ اما شرح شهادت او نقل‌های
مختلفی دارد که یکی از آن روایت‌ها که در دوره
حمله سپاهیان چنگیز خان مغول اتفاق افتاده،

این است:
... عطار هم جزء آن اسیران بود، عطار در مقابل
مردم نیشابور ایستاد و آنهارا به مقاومت و پایداری
دعوت کرد، سردار مغول او را به بند کشید و با
اسب به زمین کشاند تا حتی که مرگ را در
چشمان خود دید... روزی جلاد وارد زندان شد
و شمشیر خود را کشید تا شیخ را که پیرتر از همه
بود بکشد. اما خادم شیخ از او خواست که هزار
درهم بدهد و شیخ را بخرد و جانش را نجات دهد.
اما شیخ به جلاد گفت: مرا مفروش که ارزشم
بیش از این در هم‌ها است. در همین هنگام یکی
از سربازان برای اینکه توهینی به او کرده باشد،
گفت: پیر رامکش در ازای آن یک توبره کاه به تو
می‌دهم. شیخ گفت: بفروش مرا که بیش از این
نمی‌ارزم. در همان زمان شمشیر جلاد بر گردن
شیخ فرود آمد و چون زخم، کاری نبود و شیخ
هنوز جان در بدن داشت، انگشت در خون خود
فرود برد و نوشت:

در کوی تو رسم سرفرازی این است

مستان تو را کمینه بازی این است

با این همه رتبه هیچ نتوانم گفت

شاید که را بنده نوازی این است^۶

پی‌نوشت

۱. آغازین بیت کتاب منطق الطیر، اثر عطار نیشابوری، به اهتمام: احمد رنجبر، ص ۳۱.
۲. عبدالحسین زرین کوب، با کاروان خله (مجموعه نقد ادبی)، ص ۲۰۶.
۳. بیان رییکا و دیگران، تاریخ ادبیات ایران (از دوره باستان تا قاجاریه) ترجمه: عیسی شهایی، ص ۳۲۸.
۴. این مجموعه آثار به همت انتشارات سخن چاپ شده است.
۵. عطار نیشابوری، مختارنامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی، ص ۲۹۷.
۶. همان، ص ۳۹.
۷. هادی قضایی، زندگی‌نامه نویسندگان و شاعران (از رودکی تا دولت‌آبادی)، ص ۸۶، ۸۷.



نقد و بررسی سیرال پرده نشین

سید روح الله دعایی

سیرال پرده نشین چندی پیش توسط شبکه یک سیما پخش شد و توانست بخشی از جامعه را پای خود بنشانند. این سیرال در مورد خانواده‌هایی است که هسته مرکزی شان شخصیتی به نام حاج آقا شهیدی با بازی خوب فرهاد آئیش است. سیرال با تلاش بهروز شعبی کارگردان، سید محمود رضوی تهیه کننده و حسین تراب‌نژاد نویسنده این کار به ثمر رسیده است. این سیرال به دنبال معرفی سبک زندگی ایرانی اسلامی، همت گمارد تا به مخاطب، جنسی از روحانیت مردمی و ساده زیست را بنمایاند که تا حدودی در این کار موفق بود. داستان سیرال از آنجا آغاز می‌شود که هدی با بازی ویشکا آسایش، برای سوگ مادرش به ایران بازمی‌گردد و مطلع می‌شود که ارثیه خانوادگی اش فروخته و وقف مدرسه‌ای علمیه شده که زعیم این حوزه و شخصیت مطرح آن، حاج آقای شهیدی است. مخاطب در قسمت‌های پایانی متوجه وجود وصیت‌نامه‌ای از پدر هدی می‌شود که وی بخشی از زمین‌های خود را وقف مدرسه علمیه شهر کرده است. اما فرزند حاج آقا، محمدحسین که حامد کمیلی ایفای نقش آن را به عهده دارد (و در سلک پدر در نیامده و داماد هدی نیز هست) شرکتی ساختمانی تأسیس کرده و پروژه بزرگی را با هدایت شوهرخاله‌اش با بازی آتیلا پسیانی، شروع نموده؛ اما در دامی می‌افتد که عمده داستان سیرال به آن برمی‌گردد. آنچه در این سیرال به زیبایی از آب درآمده، قضاوت معتدlane سیرال در مورد رفتار حاج آقا

شهیدی با فرزندش به عنوان آقا زاده است. در این بین نقدهای بسیار و شاهدتراشی و مقایسه‌هایی با عالم بیرون صورت گرفت که در این مقاله بنای پرداخت به آن نداریم. در سیرال شاهد راهبری‌های بدون تعصب پدر در مورد فرزند هستیم. گویا پدر حتی بدون در نظر گرفتن مسائل عاطفی پدر فرزندی، او را به سمت اجرای قانون و عدالت رهنمون شده و در مواجهه با سبیل مردم گرفتار و طلبکار، خود را شرمند مردم دانسته و در این مسیر بهترین راه مرضی خدا و شرع را در پیش می‌گیرد. میرزایی با بازی آتیلا پسیانی که در ادامه داستان، بیننده به نقش و حيله او پی می‌برد، با نهایت رذالت دیگران را طعمه مطامع مادی خود می‌کند؛ تا جایی که در این مسیر از هیچ چیزی فروگذار نمی‌کند. این فرد که ظاهر الصلاح

است، با تباری با یکی از مافیاهای زمین و ملک، با ایفای نقشی پیچیده دیگران را بازپچه و ابزار دست خود کرده و در این مسیر، هدی را با حاج آقا شهیدی در گیر می‌کند تا بتواند حوزه علمیه را که سدی در مسیر رشد مادی خود است، خراب و جزء املاک خود کند.

در جامعه ما و حتی در اطراف ما، بسیاری از میرزایی‌های ظاهر الصلاحی وجود دارند که پشت نقابی از تدین، برای رسیدن به خواسته‌هایشان از هیچ وسیله‌ای نمی‌گذرند. برای آنها نه آبروی افراد نه آبروی شخصیت‌های مذهبی کاریز ماتیک و نه حتی دین مهم نیست. این عده برای رسیدن به دنیای خود از سد همه می‌گذرند و حتی تا بی‌آبرو کردن شخصیتی چون حاج آقا شهیدی پیش می‌روند. این گونه افراد و نوع عملکردشان، به خوبی در این سیرال نمایش داده می‌شود.

شخصیت بسیار دلنشین حاج آقا شهیدی از آن رو برای بیننده پذیرفتنی شده است که مخاطب با دیدن حرکات و سکنات این پیر مرد، به آسانی متوجه می‌شود که هیچ دلبستگی به مال و منال و مقام ندارد و تنها هدفش، خدمت به اسلام و مردم و دادرسی گرفتاران است. فرهاد آئیش در این سیرال با مهارت، توانایی‌های خود را به منصف ظهور گذاشت و در حرکات و سکنات، پیر مردی زلال و خدایی را به تصویر کشید.

در مسیر داستان بارها مخاطب این مطلب را با عمق جان در می‌یابد که روحانیون اصیلی وجود دارند که هم و غمشان خدمت به مردم و شریعت مقدس اسلام است. چه آنجا که این استاد اخلاق زمانی که بین گذشت از آبروی شخصی خود و اعتبار و ارزش دین و روحانیت، به راحتی از خود عبور و عظمت و کبان شرع مقدس را با تمام وجود حفظ می‌کند. بهترین مثال برای این نکته مواجهه جدی حاج آقا شهیدی با هدی سیرال بر سر تصاحب مدرسه علمیه است که

چنان برافروخته می‌شود و از کبان مدرسه دفاع می‌کند که هدی پا پس می‌گذارد. گروهی این اشکال را به سیرال وارد دانسته‌اند که خوب بود در کنار روحانیان مثبت سیرال، یک روحانی دنیازده هم به نمایش درآید. اما نگارنده این نقدر را پذیرفته نمی‌دانم؛ زیرا حاج آقا شهیدی این سیرال به خوبی شخصیت یک عالم ربانی را از آب در آورده و در مسیر سیرال هم، افت و خیز نگاه مردم به دلیل سوء برداشت در مورد این شخصیت را به خوبی نظاره گر هستیم.

شخصیت دیگر داستان حاج آقا مهدوی است با بازی خوب هومن برق‌نورد که یک روحانی جذاب و در دسترس را نشان می‌دهد که اگر چه شخصیتی رسانه‌ای دارد، در برخوردی با هر چند کوتاهش با مردم، به راحتی به راهنمایی و مشاوره آنان می‌پردازد.

حاج آقا مهدوی که خود را مرید حاج آقا شهیدی می‌داند، در طول داستان از هیچ تلاشی برای حفظ آبروی استاد خود فروگذار نمی‌کند و حتی در این مسیر با وجود مشکلات شخصی و خانوادگی، پای این قضیه تا آخر ایستادگی می‌کند. این سیرال به خوبی نشان می‌دهد که حتی یک روحانی رسانه‌ای و معروف هم در امور جاری زندگی خود می‌تواند با مشکلات بیشماری دست و پنجه نرم کند که یکی از این مشکلات، دوری از خانواده، پیچیدگی‌ها و سختی‌های این مسیر است که تا حدودی برای

مخاطب روشن می‌شود. نکته دیگر این سیرال پرداخت به زندگی شخصی طلاب است تا در این بین سؤالات و کنجکاوای‌های مردم در مورد روند زندگی درونی روحانیت تا حد امکان بی‌پاسخ نماند. اشکالی که به نظر بنده می‌رسد، نشان دادن سادگی بیش از حد برخی از طلاب این مدرسه علمیه است که در جامعه امروز این تصویر از طلبه‌ها شاید به سختی پذیرفتنی باشد.

گره دیگر داستان فرزند خادم این مدرسه علمیه، براتعلی با بازی محسن کبایی است که در تذبذب بین معمم شدن و مکلا ماندن است. این قضیه به خوبی محدودیت‌های اجتماعی و مادی زندگی یک روحانی را به تصویر می‌کشد. چه اینکه براتعلی داستان بین برگزیدن همسرش (با شرایط سخت پدرزن که او را مجبور به کار کردن و دوری از درس طلبگی می‌کند) و انتخاب راه و مسیر طلبگی و پوشیدن لباس مقدس روحانیت متحیر می‌کند.

بهروز شعبی در این کار توانسته به خوبی مردم را با آن طیف از روحانیونی آشنا سازد که در جامعه

مسئولیت دولتی ندارند و وظیفه خود را خدمت و معاشرت با مردم می‌دانند. کارگردان به مخاطب نشان می‌دهد که چنین روحانی در طوفان‌های زندگی چگونه می‌تواند با توکل بر حضرت حق، با حفظ آبروی خود بر مشکلات فائق آید.

شخصیت دلنشین استاد اخلاق سیرال و نگرش به زندگی شخصی او، بسیار طبیعی و مردم پسند از آب درآمده است؛ مخصوصاً آنجا که برای ادای دین فرزندش، خانه ساده خویش را به فروش می‌گذارد و اهل و عیالش را به اجاره نشینی می‌برد. در جای دیگر سیرال مشاهده می‌کنیم که حاج آقا شهیدی فرزند مفقود الاثری دارد که متوجه بازگشت جنازه‌اش می‌شویم و وی و همسرش در اوج گرفتاری‌هایشان در برابر خواست خدا، بسیار زیبا، صبر و سکوت می‌کنند. سخن آخر اینکه نکته ستودنی این سیرال این است که روحانی را درون مردم و مانند مردم در مواجهه عادی با مشکلات و بدون سوء استفاده از عنوان و مقام خود نشان می‌دهد.

فرم نظر سنجی ماهنامه مسجد شماره ۱۸۳

خواننده محترم!
اهتمام شما در تکمیل این فرم و ارسال نظرات خود، قطعاً نشان راه ما در طریق ارتقای همه‌جانبه نشریه خواهد بود.
برای ارسال فرم، تنها آن را از نشریه جدا کرده، بدون پاکت پستی و الصاق تمپر، در صندوق پست بیندازید.

نام و نام خانوادگی :
آدرس منزل :
پست الکترونیکی :
مشخصات محل خدمت (مسجد) :
نام مسجد تحت مدیریت :
آدرس پستی :
تلفن تماس :
در صورتی که مسجد دارای وب سایت و یا پایگاه اطلاع رسانی مجازی است آدرس پایگاه را قید نمایید :
تحصیلات آکادمیک :
تحصیلات حوزوی :
تلفن تماس (همراه) :

تهران صندوق پستی ۱۳۱۸۵/۱۹۷۷ پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۱۳۱۸۹/۱۹۷۷ پرداخت شده است
لطفاً پس از تکمیل فرم آن را به داخل صندوق پست بیندازید





ساخت بزرگ‌ترین مسجد ترکیه



به مساحت ۳۵۰۰ متر، کتابخانه به مساحت سه هزار متر و پارکینگ به مساحت ۳۵۰۰ متر در حال ساخت است. «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه، طرح ساخت این مسجد را داده است. ساخت مسجد، نزدیک به ۱۵۰ میلیون لیره ترکیه هزینه در بر خواهد داشت. این مسجد مکانی خاص برای معلولان و بالکنی بزرگ خواهد داشت که بازدیدکنندگان می‌توانند نمازگزاران را هنگام نماز ببینند. این مسجد در مکانی مرتفع در حال بنا است تا از بیشتر شهرهای ترکیه مناره‌های آن پیدا باشد. لینک منبع عربی: الالوکه

ترکیه ساخت بزرگ‌ترین مسجد این کشور را در استانبول آغاز کرده است. این مسجد که در سال ۲۰۱۶ میلادی افتتاح می‌شود، دارای پارکینگ به ظرفیت ۳۵۰۰ خودرو خواهد بود. ارگین کولنک، رئیس جمعیت مساجد استانبول گفت: مساحت کلی مسجد به پانزده هزار متر مربع می‌رسد و ظرفیت ۳۷ هزار نمازگزار را دارد. این مسجد دارای شش مناره است که چهار مناره آن به طول ۱۰۷/۱ متر و دو مناره آن به طول ۹۰ متر خواهد بود. همچنین ارتفاع گنبد آن، ۷۲ متر و قطر آن ۳۴ متر خواهد بود. در کنار مسجد، موزه ترکیه به مساحت یازده هزار متر مربع، نمایشگاه هنری

احداث مسجدی در بیمارستان برای مسلمانان آلمان



اندازه‌ای که نمازگزاران بتوانند در نماز، حداقل تمرکز را داشته باشند. برای این مسجد وضوخانه و بخش‌های جداگانه برای ادای نماز بانوان در نظر گرفته شده است. همچنین چادرهایی نیز برای استفاده خواهران تعبیه شده است. «جونز ویندل» مدیر بیمارستان تاکید کرد: بیمارستان‌ها فقط برای انجام خدمات پزشکی نیستند؛ بلکه می‌توانند برای هر فرهنگ و مذهبی فرصت تقرب به خداوند را نیز فراهم آورند.

لینک منبع عربی: الالوکه

مسئولان بیمارستانی در شهر «فردریش هافن» آلمان، اتاقی را برای ادای نماز به مسلمانان واگذار کردند. این اتاق به عنوان مسجدی رسمی برای آنان خواهد بود. از زمان تأسیس بیمارستان تاکنون، کلیسایی کوچک برای مسیحیان در آن احداث شده بود. پس از مدتی مسئولان بیمارستان به این نتیجه رسیدند که در آن، مسجدی برای مسلمانان نیز در نظر گرفته شود. شایان ذکر است که این شهر ۳۵۰ هزار مسلمان دارد. امام جماعت مسجد می‌گوید: امکانات مسجد ابتدائی است؛ به



موضوع	مطالب	مطالب علمی
برداشتن به چه موضوعاتی را در شماره بعد پیشنهاد می‌کنید	آموزشی <input type="checkbox"/> مهارتی <input type="checkbox"/> ترویجی <input type="checkbox"/> فرهنگی <input type="checkbox"/> سیاسی <input type="checkbox"/> اجتماعی <input type="checkbox"/>	منبر: عالی <input type="checkbox"/> خیلی خوب <input type="checkbox"/> خوب <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> ضعیف <input type="checkbox"/>
بگیری کدام مطلب از سرویس‌های چهارگانه نشریه را در شماره بعدی لازم می‌دانید	آموزشی <input type="checkbox"/> مهارتی <input type="checkbox"/> ترویجی <input type="checkbox"/> فرهنگی <input type="checkbox"/> سیاسی <input type="checkbox"/> اجتماعی <input type="checkbox"/>	رواق: عالی <input type="checkbox"/> خیلی خوب <input type="checkbox"/> خوب <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> ضعیف <input type="checkbox"/>
سبک نوشتاری و ویرایش مطالب	عالی <input type="checkbox"/> خیلی خوب <input type="checkbox"/> خوب <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> ضعیف <input type="checkbox"/>	محراب: عالی <input type="checkbox"/> خیلی خوب <input type="checkbox"/> خوب <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> ضعیف <input type="checkbox"/>
صفحه‌آرایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	عالی <input type="checkbox"/> خیلی خوب <input type="checkbox"/> خوب <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> ضعیف <input type="checkbox"/>	شبهستان: عالی <input type="checkbox"/> خیلی خوب <input type="checkbox"/> خوب <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> ضعیف <input type="checkbox"/>
طراحی روی جلد تا چه حد در رساندن پیام مجله به مخاطب مؤثر بوده‌اند؟	خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/>	منبر: عالی <input type="checkbox"/> خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/>
مسابقه پیامکی (با جایزه)	بهترین مقاله: <input type="checkbox"/> بهترین طرح صفحه: <input type="checkbox"/> بهترین تیتر: <input type="checkbox"/>	رواق: عالی <input type="checkbox"/> خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/>
نوع موضوعات و عناوین در هر سرویس	منبر: عالی <input type="checkbox"/> خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/>	محراب: عالی <input type="checkbox"/> خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/>
		شبهستان: عالی <input type="checkbox"/> خیلی زیاد <input type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/>